بازرسی شد
۳۷ - ۶

بازدید شد
۱۳۸۵

۱۳۹-۱-نی

۱۰۹۱۸

کتابخانه مجلس شورای ملی

کتاب مجموعه ۱ـ پولتیکهای دولتی ۲ـ کتابچه غیبی یا دفتر تنظیمات ۳ـ تنظیم لشکر و مجلس اداره ۴ـ دفتر قانون

مؤلف

موضوع ۵ـ دستگاه دیوان

شماره قفسه ۱۳۶۰۴

میرزا ملکم خان

شماره ثبت کتاب
۸۶۵۷۸

خطی ـ فهرست شده
۱۳۶۰۴

۱۳۴۳/۷/۲۵



بسم الله الرحمن الرحیم

پولطیک ایران چیست کشتی دولت کجا میرود در این دریا حوادث
از برای ما خطری هست یا نیست اگر هست تدارک ما چیست طرح
ما کدام است دشمن ما کیست دوست ما کجاست از چه راه
باید رفت از چه ورطه باید گریخت در چه کار هستیم چه باید کرد
هنوز در ایران هیچ یک از ارکان ما نه این سؤالات را تصریح
کرده و نه حل این مسائل را بصیرت کافی داشته است کشتی دولت بدون
طرح بدون نقشه بدون تعیین مقصود در دریای پولطیک حیران و سرگردان
بوده است گاهی بجهت در مقابل بادهای مخالف جنگیده ایم گاهی بی سبب
راه رفته را برگشته ایم گاهی بتضییع دوست کوشیده ایم گاهی بتقویت
دشمن برخاسته ایم و پس از صدمات و خبطهای بیشمار اختیار
کشتی را بامواج اطراف گذاشته هنوز هم نمیدانیم صلاح ما چیست
و مقصد ما کجاست حال کشتی دولت در این دریای پرخطر بتحریک

بادهای مخالف در قرب دشمنان بی باک بر اطراف ورطه های هایل
بی اختیار دور میزند و اهل کشتی در آسودگی غفلت مقدمات طوفان را
نسیم شرط سعادت می پندارند چیزیکه فی الجمله مایه امید نجات
شده این است که خداوند عالم ناخدایی را بر حالت کشتی ملتفت ساخته
است از فراست دقیق و از قدرت همت این ناخدای جوان بخت چنان
معلوم میشود که پروردگار رحیم این کشتی واژگون بخت را بکلی مردود نظر
ترحم نساخته است چون این ناخدای نجات بخش بجهة تعیین مقصد و ترتیب
حرکات کشتی نقشه های متعدد لازم دارد لهذا بنده نیز که چندی از
مسافرین اقطار این دریا بوده ام نقشه اطراف و طرح سیر سیاحان را
بر چند اوراق بی ترتیب کشیده ام اگر هم فایده این نقشه پولطیک
منحصر باین باشد که فقط مایه اصلاح حرکت کشتی بشود نتیجه مزبور برای صاحب
کشتی یک نوع غنیمت و برای صاحب نقشه صد قسم تفاخر خواهد بود

در تحقیق عالم پولطیک اول نکته که موجب تأمل ما میشود این است

که می‌بینم یک جزیرهٔ کوچک که در کنار بحر محیط مردود طبیعت و خارج از ربع مسکون بنظر می‌آید اعظم ممالک آسیا را مسخر ساخته بمجاز تدبیر و بازوی جلادت تمام کرهٔ زمین را در حلقهٔ استیلای خود احاطه دارد از بنادر ژاپون تا جنگلهای ینگی دنیا و از بحرین سنجه تا صحرای افریقا نقطه‌ئی نمی‌بینم که از بیرق انگلیس در لرزش نباشد در مقابل استیلای این طایفهٔ حیرت‌انگیز می‌بینم یک طایفهٔ دیگر بحرکت یک اراده قادر از جنگلهای وحشی خود علی الغفله پا بعرصهٔ دول نهاده با استعداد مهیب و با طرح وسیع از سمت شمال بقصد انهدام قدرت انگلیس و بعزم تسخیر سلطنت عالم رو بممالک هند سرازیر شده است عظمت این دو قدرت کرهٔ زمین را بنوعی فرا گرفته که هر یک از حوادث این عهد را بشکافیم می‌بینیم یا ظهور حسدی بوده یا تدارک دفاع دیگری تسخیر گرجستان جنگ چین انقلابات افغان تصرف سند جنگهای سواحل طونه هنگامهٔ سواستاپول همه مجموعهٔ جمیع مظهر قصد و نتایج طرح هجوم این دو قدرت مخالف بوده است از هر گوشهٔ عالم هر سمت زمین را که ملاحظه نمائیم هیچ چیز نخواهیم دید

مگر هیبت و تلاطم این دو سیل قدرت انسان که رو بهم دیگر حمله دارند از مشاهدهٔ این اوضاع نکته که مایهٔ وحشت و موجب تعجب می‌بینم این است که این دو سیل هایل پس از انهدام ممالک بیچر و پس از خرابیهای وسیع از دو سمت مقابل داخل خاک ایران شده نزدیک است که تمام ممالک ما را فرو بگیرند و با وصف این خطر عظیم اولیای دولت ما هنوز از قرب هجوم این دو سیل هیچ نوع اطلاع صریح ندارند و اگر هم بر حسب اتفاق بعضی اخبار افواهی شنیده اخبار مزبوره را یک مبهم و باریک و بعید از خیالات ایشان بوده که تحقیق این مسئله را اصلاً قابل اعتنای خود نشمرده اند ولی چون احتمال صدق آن در بارهٔ ایران از اعظم فتوحات یا نهایت ذلت و از بقای دایمی تا انهدام فوری جمیع احتمالات حالت دول را لازم دارد لهذا تحقیق این مسئله در هر صورت خالی از فایده نخواهد بود هرگاه هجوم سیل دولتین فرضیات دولت ایران آسوده است و اگر قرب این حادثه حقیقت دارد پس باید بی‌قیدی گذشته را محض حماقت بشماریم بلا درنگ بمقام کشف احتمالات



این حادثه برآئیم عقلای ایران میگویند فردا را کسی ندیده است و بواسطهٔ این اعتقاد غفلت‌آور تحقیق اوضاع آینده را خارج از دایرهٔ تکالیف دولت می‌شمارند و حال آنکه باعتقاد حکمای فرنگ حکمرانی یعنی تحقیق اوضاع آینده در ایران بجهت اوضاع آینده بجز عقل بی‌تربیت اسباب دیگر نداریم ولیکن فرنگیها در این باب علاوه بر عقل کافی یک علم وسیعی ترتیب داده که بواسطهٔ آن علم کلیات حوادث آینده را مشخص مینمایند حکمت دول فرنگ از توسیع علم مزبور و غفلت دولت ایران از عدم علم مزبور است هر گاه وزرای ما از این علم فرنگ فی الجمله اطلاع میداشتند بالقطع بر مصائب آیندهٔ ایران اشک خونین میریختند در این باب این علم دو کلمه بیان لازم داریم در ایام گذشته طوایف و دول بزرگ بوده اند حال که تاریخ ایشان را می‌شکافیم می‌بینیم هر یک از دول بزرگ مثل وجود واحد عمر مخصوص داشته و کل ایشان در ترقی و تنزل خود مثل عمر انسانی عوالم طفولیت و جوانی و پیری طی کرده اند علاوه بر عمر مخصوص می‌بینیم دول بزرگ روی زمین یک کار معین و یک مأموریت

عمده داشته اند از بدو ظهور خود بحکم قانون مخفی بی‌اختیار رو بمقصد مخصوص خود پیش رفته اند و بعد بحکم همان قانون مخفی بتدریج تنزل کرده از روی زمین محو شده اند ملل فرنگ در تحقیق عمر دول عوالم وسیع طی کرده اند و چنانکه اطبای ایشان دقایق روش عمر انسانی را مشخص کرده اند حکمای ایشان نیز اصول رشد و انحطاط عمر دول را از روی تحقیقات دقیق معین کرده اند و بحکم این اصول مبرهن خواهند که فلان دولت بچه سبب ظهور کرده و بچه قوه زنده بود مقصود فلان قدرت چه بود و عمر فلان شوکت بکجا منتهی شد دول حالیه نیز از تحقیق کامل مطلع قواعد ترقی و تنزل دول گذشته می‌باشند و چنانچه اولیای علم طب بواسطهٔ تشریح اموات حالت و امراض زنده‌ها را مشخص میکنند اولیای علم دول نیز بواسطهٔ تحقیقات اوضاع گذشته درجات عمر و موجبات سرنوشت طوایف را معین و محسوس می‌سازند و از روی علم قطعی حکم میکنند که باعث بقای فلان دولت چیست عمر فلان دولت بکجا رسیده و عاقبت فلان دولت چه خواهد بود در نظر ارباب

این علم درجات روسیه و انگلیس تقسیم شخص است و از مقتضیات
باقی عمر ایشان هیچ تنگی ندارند و از ذی بصیرت علمی میدانند
که این دو سیل مخالف موافق طرح طبیعت حکماء پیش خواهند رفت و حکما
در وسط آسیا باهم تصادف خواهند کرد این حادثهٔ عظمی را جمیع وزرا
دیده اند جمیع ذی آثار ظهور این حادثه را از مقتضیات تقدیر الهی شمرده اند

یکی از مدققین اوضاع
میگوید وضع طبیعی و لوازم ملی حرص جهانگیری و تقدیر آسمانی دولت
روس را حکماً بسمت هند میکشاند

نکتهٔ ذیل را پطر کبیر بخلفای خود وصیت کرده است
باید دولت روس را در جنگ مدامی نگاه داشت و این نکته را
همیشه در نظر داشت که تجارت هند تجارت دنیاست هر کس این تجارت را
بتصرف بیاورد مالک مطلق کل فرنگ است

یکی از علمای مشهور فرانسه
که مدتهای در خدمت دولت انگلیس مشغول تحقیق اوضاع



هند بود در این باب کتاب بسیار مشهوری نوشته است میگوید
خواهش روس از وقت پطر کبیر تا امروز دقیقه از خیال هند خارج نبوده
است و ممکن نیست که از این خیال صرف نظر بکند تسخیر هند نه تنها خواهش روس است
بلکه اجرای این مقصود بر ذمهٔ آن دولت لازم است زیرا که این تکلیف
ذمی لازمهٔ وضع طبیعی ملک روس است        یک مورخ معروف میگوید
اقتضای طبیعی روس را بحکم تقدیر کشان کشان رو بممالک
آسیا میبرد و نیز در جای دیگر میگوید        نکته که تحقیق آن بر ما لازم است
این است که با وصف حوادث فرنگ دولت روس در سمت آسیا متصل
پیش رفته است و از این راهی که در آسیا طی کرده است موافق
قاعدهٔ هندسی میتوان حکم کرد که عنقریب بمقصد خواهد رسید

یکی از اصحاب پولیتیک انگلیس میگوید
آن دولتی که امروز در صدد این است که عالم را زیر و زبر کند دولت
روس است آن دولتی که میخواهد دول روی زمین را منهدم کند



بکند دولت روس است در دشت تاتارستان در مشرق
و مغرب دریای خزر در شمال و جنوب دریای سیاه همه جا دولت
روس را مدعی بی باک و خوش بخت خود می بینم
یکی از سفرای روس میگوید    گرفتن خیوه
برای ما ناگزیر است هرگاه خیوه را بگیریم ایلات وسط آسیا کلا مطیع
اعتبار و منقاد قدرت ما میشوند و بواسطه افتتاح راه تجارت هند
و روس تمام اموال آسیا مثل سیل بخاک روس جاری خواهد شد
و طرح پطر کبیر موافق دلخواه معمول خواهد گشت    خلاصه هرگاه خیوه
را بگیریم ارکان تجارت انگلیس را که مایهٔ استیلای بحری آن دولت
شده و بتزلزل خواهیم آورد

یک حکیم فرانسه میگوید    هند بلاشک در خطر است ولیکن دولت
انگلیس نمیتواند خطرات هند را در پنجاب در دهلی رفع کند این
خطرات بزرگ که بر سر هند جمع شده اند هرگاه چاره پذیر باشند



چاره را باید در پطربورغ و در مسکو کرد نه در هند یک حکیم دیگر میگوید
دولت روس تا امروز دولت عسکریه بوده است و بعد از این
هم چنین خواهد بود    دولت روس همیشه جنگ را لازم دارد
و اگر دولت انگلیس بهانه بدست بدهد دولت روس تمام آسیا را
بتزلزل خواهد آورد

یکی از سفرای مشهور
انگلیس میگوید که انگلیسها ببینید دولت روس روز بروز
چه طور نزدیک میشود و چه طور مثل امواج دریا شما را احاطه میکنند
دولت روس متصل پیش میآید بی آنکه در ظاهر حرکت بکند و این زرنگی
است که بیفتد بر آن خزاینی که هم فخر شما و هم بقای شما
بسته بدانها است هرگاه بلادرنگ بمقام تهدید راه روس بر
نخیزید یقین بدانید که وقت استیلای روس رسیده است

بیست سال قبل از این فرمانفرمای هند بدولت خود نوشته

پس از این دلایل واضحه که بدست آورده ایم هیچ جای تشکیک
نیست که دولت روس درصدد این است که راه رخنه و اسباب
استیلای خود را تا به حدات هند وسعت بدهد

باز یک مورخ مشهور میگوید

دولت روس علی الاتصال درکوشش هست که راه رخنه خود را
در ممالک آسیا باز نماید و از آن طرف دولت انگلیس شب و روز
در جهت آن است که سد این خیال روس است این دو دولت از طرفین
روبهم پیش میروند و هیچ شکی نیست که عنقریب مرکز آسیا
محل جدال تجارتی و عسکریه این دولت خواهد بود دیگر
مورخ دیگر میگوید مرور ایام مسائل زیاده از میان برده است
اما مسئله مشرق باقی است و هر روز بزرگتر میشود بعد از این
خیالات بزرگ و اقتدارهای عظیم و طرحهای جسیم و کل عالم
بدوران مسئله جمع خواهد شد از یک طرف دولت روس

بجهت

بجهت اجرای طرحهای بزرگ نهایت استعداد او را بهم رسانده
است و از طرف دیگر دولت انگلیس با کمال اضطراب در تدارک
دفع خیال روس است باید ببینیم مدعی گری این دو دولت کی و چه
طور تمام خواهد

یکی از وزرای بسیار مشهور فرانسه میگوید ببینید این عرصه وسعت
فضای جدال عقلی و عسکری که از سد چین تا
بدریای سفید میان دو طایفه مدعی توسیع یافته است
دولت انگلیس بجهت حمله روس از قمر علم تا بوغاز همه جا
هنگامه رزم را ساز کرده است به بینید این دو طایفه
بزرگ لشکرهای خود را بچه تدبیر ترتیب داده و بچه هیئت روبهم
دیگر پیش میروند

یکی از سفرای انگلیس میگوید دولت انگلیس و روس از سد چین



تا باسلامبول درمقابل هم ایستاده اند و در کمال اضطراب
مواظب حرکات هم دیگر هستند یک پولتیک جهانگیری این دو
دولت را از مسافات عظیمه گذرانده و در قلب آسیا بهم رسانده
است حال بجدی باهم نزدیک ایستاده اند که نمی توانند قدمی بر
دارند بی آنکه بهم دیگر بخورند هر دو مجبوراً ممالک خود را توسیع
داده اند و این توسیع ممالک لازمه بقای ایشان بوده است
دولت انگلیس بحد کمال وسعت رسیده است اما وسعت
دولت روس هنوز بحد طبیعی نرسیده است و بر هیچکس
مخفی نیست که عنقریب این دو دولت بجهت استیلای آسیا
بهم خواهند زد سرنوشت عالم بسته باین منازعه خواهد بود
از حالا علامات این طوفان دولتی از اطراف عالم بروز کرده است
و میتوان گفت که جنگ دولتین اگرچه مخفی هست ولی در کمال شدت
درگرفته است

یکی از اولیاء پولتیک پس از تحقیق مسئله مشرق میگوید
بنابراین باز دنیا یک هنگامه عظیم و یک محشر دولتی در پیش رو دارد
انگلیس و روس دو پهلوان عرصه پولتیک سلطنت آسیا را
از دست هم خواهند کشید افواج روس و انگلیس در آن سواحلی که محل
عبور اسکندر و امیر تیمور و بابر بوده است باهم تصادف خواهند کرد
در دره های افغانستان و در دشتهای هند عساکر جسیم موافق
اشاره پطربورغ و لندن روبهم خواهند ریخت و این دو طایفه
که تدبیر و استحکام طبیعت بواسطه کوههای عظیم و دشتهای وسیع و
دریاهای بی نهایت از هم دیگر جدا کرده بود با قدرت مهیب روی
هم حمله خواهند آورد یوروپ و آسیا و افریقا از اجزای این
هنگامه خواهند بود و در تمام روی زمین یک نقطه نخواهد بود که
لرزش در نیاید اجر این فتح عظیم که یقیناً قابل هر نوع جهاد
و جان فشانی است سلطنت آسیا خواهد بود

یکی از علمای انگلیس در عالم اضطراب فریاد می‌کند برخیزید
ای وزرای انگلیس وای وکلای ملت واولیای پولیطیک ای
صاحبان شمشیر برخیزید و بلادرنک بدفع روس بشتابید برخیزید
که فرصت بغایت تنک و دقیقهٔ آخر نزدیک است واین اول
مختلف عقلای روزمین را آنچه باید مشوش داشته بلاشک در عالم
پولیطیک هرکز بزرکتر وعجب‌تر ازاین مخالفت دولتین
مسئله نبوده است هرکاه بخواهیم روش آینده این دو پولیطیک
ضدین را مشخص کنیم اول باید ببینیم دراین مدت کذشته چه
کارها کرده اند واز چه راه‌ها پیش آمده اند هرکس فی الجمله از علوم
جغرافیا اطلاع داشته باشد میداند که محل جدال دولتین روس وانکلیس
برسواحل رود اکمک واقع شده و راه عبور دشمن هند از خاک
ایران وافغانستان است تشویش انکلیس ازاین راه منحصر بمقصد
روس نبوده است درهمین راه برای دولت انکلیس همیشه
یکنوع اسباب تزلزل فراهم بوده است اول کسیکه دولت

انکلیس

دولت انکلیس را بر خطرات این راه ملتفت ساخت ناپلیون بزرک
بود
لشکرکشی فرانسه بمصر هیچ مقصودی نداشت مکر سفر هند خود
ناپلیون میکوید هرکاه در مصر کارم پیش رفته بود درنزدیکی فرات صد
هزار نفر آدم بر دور ما جمع میشد واخر پاییز رو بهند حرکت میکردم
بعد از مراجعت عساکر فرانسه از مصر نوشتجات وطرح ناپلیون
درجنک ابی‌توصاحب [?] بدست انکلیسها افتاد فرمانفرمای هند در ارسال آن
بدولت خود چنین نوشته است حالاکه این نوشتجات را
میخوانم با وحشت ملاحظه میکنم که ما چه قدر باید شکر خدا را بکنیم که ما را ازاین
خطرات عظیم نجات داده است ناپلیون بعد از مراجعت از مصر
خیال سفر هند را فراموش نکرد اوقاتیکه قونسول اول بود طرح
این سفر را با امپراطور پاول پدر اسکندر بمیان آورد وبعد وقتیکه
امپراطور شد طرح مزبور را بخود اسکندر تجدید نمود طرح این دو
امپراطور الآن در دست است اکرچه آن اوقات دول دول

فرنک از اوضاع



فرنک از اوضاع ایران وافغانستان بکلی بیخبر بودند واکرچه حال
برای لوازم سفر هند اطلاعات مفصل وطرحهای کامل دارند ولی چون
طرح ناپلیون بنای طرح متاخرین محسوب میشود لهذا طرح مزبور را در اینجا ذکر
مینمائیم
طرح ناپلیون بزرک در لشکرکشی هند مقصود از سفر هند این است
انکلیسها را از هند بکلی بیرون بکنیم واین ممالک پرنعمت را از طوق
انقیاد انکلیس مستخلص نمائیم وبجهت رونق صنایع وتجارت ملل فرنک
خاصه بجهت ملت فرانسه مناهج تازه باز نمائیم این است مقصود
سفر هند که موجب فخر ابدی خواهد شد از برای رؤسای آن
دول که موسس چنین سفر جلالت اثر میشوند

موافقت دول در اینخصوص از قرار ذیل است

دولت فرانسه ودولت روس باتفاق هم هفتاد هزار لشکر مامور
سواحل رود اکمک خواهند کرد امپراطور فرانسه دولت [?] عبور لشکر
فرانسه از خاک نمسه لازمه همدستی را خواهد کرد که لشکر فرانسه

ازرود طونه

ازرود طونه بکنار دریای سیاه نزول بکند

قرار حرکت لشکر روس

بمحض امضای این طرح لشکرکشی امپراطور روس حکم خواهد فرمود که در
حاجی ترخان سی وپنجهزار آدم جمع شوند که بیست وپنجهزارش لشکر منظم
وده هزارش قزاق باشد این سی وپنجهزار نفر آدم را بلادرنک
سوار کشتی خواهند کرد وخواهند برد باسترآباد که در آنجا منتظر ورود
لشکر فرانسه باشند استراباد معسکر لشکر متفقه خواهد بود وجمیع ادوات
جنکی واذوقهٔ عسکری در آنجا جمع خواهد شد وشهر استراباد
مرکز تردد وروابط هند وروس وفرانسه خواهد بود

راه عبور لشکر فرانسه از اول حرکت

ازاردوی مشرقی فرانسه سی وپنجهزار نفر مامور این خواهند بود
این سی وپنجهزار نفر از رود طونه سوار کشتی خواهند شد
وتا دهنهٔ رود مزبور پایین خواهند رفت ودر آنجا سوار کشتیهای
دولت روس خواهند شد واز دریای سیاه واز وف

خواهند گذشت در نزدیکی شهر نگاروک ورود خواهند آمد
این سی هزار نفر از ساحل راست رود خواهند آمد خانه
ون بالا خواهند رفت تا بان شهر کوچک قزاق که اسم سانی
ایزبیانکی است در انجا از رودخانه ون عبور خواهند کرد و از خشکی
بشهر سارسین که بر ساحل راست رود اتل واقع است خواهند
رفت و در این شهر سوار کشتی شده و آرد حاجی ترخان خواهند شد
از حاجی ترخان سوار کشتی تجارتی خواهند شد و از دریای خزر باستراباد
خواهند رسید

ایام طول لشکر فرانسه

از خاک فرانسه تا هند بیست روز ۲۰ از دهنه رود طونه تا به نگاروک
شانزده روز ۱۶ از نگاروک تا بیانی ازبیانکا بیست روز ۲۰
از بیانی ازبیانکا تا سیارسین چهار روز ۴ از سارسین تا حاجی
ترخان پنج روز ۵ از حاجی ترخان تا باستراباد ده روز ۱۰ از
استراباد تا رود اتک چهل و پنج روز ۴۵ از این قرار طول سفر لشکر

الم

فرانسه چهار ماه خواهد بود اما بجهت وسعت حرکت طول این
سفر را پنجاه قرار میدهیم
طریقه تقدیم این سفر از این قرار است اگر چه فقرات این فصل
محض اختصار ترک میکنیم اسبهای سواره و توپخانه را از لب رود
خانه طونه خواهد گذاشت فقط اسباب زین و یراق را بار خواهند کرد
از برای یکماه نان خشک خواهد شد صاحب منصبان دائره
آذوقه پیش خواهند رفت و در منازل عرض راه آذوقه لشکر را
تدارک خواهند کرد از برای عبور رودخانهای ون و آتل لازمه
پل و کشتی را حاضر خواهند کرد مامورین دولتین باید در استرآباد
قبل از ورود دو لشکر اشیاء ذیل را حاضر کرده باشند
۱ آذوقه جنگی از هر قبیل و توپ خانه قلعه کوب این آذوقه را از قور
خانه حاجی ترخان و قازان و ساراتوف خواهند برد
۲ اسبها بجهة توپخانه و حمل اسباب قورخانه
۳ عراده و دواب بجهت حمل و نقل پلها و اثقال اردو



۴ اسب سواری بجهت سواره نظام
۵ جمیع اسباب اردو
۶ انبارهای رخوت و کلاه نظامی و کفش و دستکش
۷ یک دستگاه دواخانه که مجمع کل دواها باشد
۸ انبارهای برنج و نخود و آرد و گوشتهای نمکین و روغن و شراب و عرق
۹ گلههای گاو و گوسفند
۱۰ انبارهای کاه و علف خشک

حرکت لشکر متفقه

قبل از ورود دو لشکر باسترآباد مامورین دولتین پیش خواهند رفت
در بروساهای آن ممالکی که محل عبور لشکر خواهد بود این مضامین را اعلام
خواهند کرد

این مضامین را محض اختصار مینویسیم

بواسطه این نوع اعلام نامجات و بواسطه حسن سلوک و معقولیت
و درستی قول یقین است که خوانین عرض راه مانع عبور لشکر نخواهند

شد گذشته

گذشته از این مقالات و ملاحظات خوانین این ممالک بواسطه
این نفاق خود قادر به هیچ نوع ممانعت نخواهند بود
همراه مامورین دولتین مهندسهای قابل خواهد بود که نقشه راهها
و ممالک اطراف را بکشند و محل ورود اردو و رودخانهائیکه باید عبور کرد
و شهرهائیکه بر راه واقع هستند و جاهائیکه حمل و نقل توپخانه و قورخانه
اشکال خواهد داشت همه را روی نقشه معین بکنند و طریق رفع
اشکالات راه را تفصیل بدهند این مامورین بجهت تحصیل آذوقه
با خوانین عرض راه قرارها خواهند گذاشت شرطها خواهند کرد
و گروی خواهند گرفت وقتی که کرده لشکر فرانسه باسترآباد وارد
شد اول لشکر روس از استراباد حرکت خواهد کرد
سایر کردهای عساکر متفقه بفاصله پنج و شش فرسخ از همدیگر حرکت
خواهند کرد چهار و پنج هزار قزاق و قدری سواره نظام خفیف پیش
لشکر خواهند بود از عقب آنها دستگاه پل خواهد بود که گروه پیشرو
باید در وقت ضرورت پلها را بر رودخانها نصب بکنند و پلها را

جمع

خراب بکند و موافقت امنیت خارجی اردو بشه
دولت فرانسه سردار لشکر خود امتعه فرانسه خواهد داد از قبیل تفنگ
و طپانچه و شمشیر و غیره و چینی سور و ساعتهای ممتاز چه دستی و چه مجلسی
آینه های بزرگ ماهوت اعلی رنگهای مختلف علی الخصوص سرخ و گلی و سبز
و آبی که ملل آسیا علی الخصوص ایرانیها زیاد طالب هستند مخمل زری و پارچهای
ابریشم و پردهای تصویر   جمیع این امتعه را باید در جاهای مناسب بکمال
انسانیت و نکته بینی تعارف بدهند و دلیل مراتب بخشش و قدرت فرانسه
سازند و رآی هند و یک مسیر تجارت باز نمایند   از هر صنف
باید ارباب کمال و صنایع در این سفر باشند   دولت فرانسه
برای مطالبه این اشخاص جمیع نقشها و کتبی که بر ممالک و طوائف
عرض راه تصنیف شده جمع خواهد کرد بالون سازد صاحب
منصبان آتشبازی حکماً باید باشند بجهة اظهار قدرت
دولت فرانسه و روس باید عساکر متفقه پیش از حرکت خود
چند جشن بزرگ بگیرند و جنگهای هفت لشکر بکنند

بس ازاین

پس ازاین تدارکات در پیشرفت هیچ شکی نخواهد بود
اما این پیشرفت موقوف خواهد بود بعقل و غیرت و شجاعت
و صداقت روسای لشکر همینکه عساکر متفقه بلب رودخانه اتک
رسیدند آن وقت بنای حرکات نظامی خواهد بود عمده این لشکر
کشی در طول سفر است این اشکال هم در مقابل غیرت
و شجاعت و تحمل سرباز فرانسه و روس مرفوع خواهد بود و انگهی
نادرشاه از همین راه با جمعیت زیاد از دهلی باسترآباد آمد
انچه لشکر آسیا کرده باشد نمیتوان تشکیک کرد که لشکر فرانسه
و روس نتوانند بکنند

در همان اوقاتیکه حواس ناپلیون مصروف این طرح بود زمان
شاه افغان نیز باین خیال افتاد که با چهل هزار نفر بعزم
تسخیر هند از راه پنجاب رو بدهلی حرکت بکند وقتیکه اواز
تدارکات زمان شاه بانگلیسها رسید فرمان فرمای هند



در عالم اضطراب فی الفور ملکم صاحب را باسترآباد دستور العمل
وسیع روانه ایران ساخت   خلاصه دستور العمل سفیر مشار الیه
این بود   شما مأمور هستید که اسباب خرابی زمان شاه را بهر طوریکه
میسر شود بتوسط دولت ایران فراهم بیاورید و نگذارید که افغانها
بسمت هند هجوم بیاورند و اگر رو بهند حرکت کرده باشند باید
تدبیری بکنید که دولت ایران در ملک افغان برای زمان شاه
چنان مشغولیتی پیدا بکند که زمان شاه لابد بشود برگردد و اقلاً
تا سه سال دیگر نتواند بصرافت هند بیفتد

خود ملکم در کتابی که راجع بپولیتیک نامه نوشته است میگوید
مقصود مأموریت ملکم صاحب پیش از انکه انچه منظور بود بعمل آمد سفیر
انگلیس نه تنها دولت ایران را محرک شد که بسمت خراسان حرکت
بکند و زمان شاه را مجبور ساخت که دیگر بخیال هند نیفتد بلکه
شاه ایران را بر آن داشت که هیچ یک از دول خارجه را براه

راه ندهد و دولت انگلیس را منحصراً بهره یاب سازد از جمیع
منافع این مراودات تازه

مورخ دیگر میگوید   مقصود مأموریت ملکم بطور اکمل حاصل آمد
و زمان شاه بیچاره بیش از انچه منظور انگلیس بود در افغانستان
مشغولیت پیدا کرد از آن تاریخ تا امروز شصت سال میگذرد
و هنوز افغانستان از این مشغولیت خلاص نشده است و بواسطه
همین مشغولیت چهار پادشاه افغان و بیست سردار معظم
که همه برادر و قوم بوده اند بدست یکدیگر یا ستم همدیگر را یک یک تمام
کرده اند و بی انکه ملتفت شده باشند خون یک کرور مسلمان را
نثار پولیتیک انگلیس نمودند این مصائب هایله افغانستان را
در این مدت غریق خون خود ساخته بزبان پولیتیک مشغولیت
دولتی میگویند هرگاه اولیای دولت ایران از اصطلاحات زبان
فی الجمله اطلاعی میداشتند یقین در انجام مطالب ملکم صاحب

به این شدت تعجیل میکرد

یکی از معلمین پولیطیک میگوید

دولت انگلیس دولت ایران را بحسن سلوک و بوعدهای نیکو بسته با پولیطیک خود ساخت اما همینکه بواسطه عزل زمان شاه از سمت افغانستان آسودگی حاصل آمد دیگر دربند دولت ایران نشد و در این بین دولت ایران با ناپلیون مراوده بهم رسانیده همینکه فرانسه ها پا بخاک ایران گذاشتند میل و محبت انگلیسیها نسبت با ایران باز بالکل پیدا شد

ماموریت فرانسه ها با ایران انگلیسها را بطوری مضطرب ساخت که عوض یک سفیر دو سفارت علیحده مامور ایران کردند اول کمپانی دولتی که از مقاصد اطراف اصلا اطلاعی داشته باشند همین که صدای پول انگلیس را شنیدند مامورین ناپلیون را همه از ایران بیرون کردند و بواسطه حمق این دولت کشتی پولیطیک ایران را صد سال عقب انداختند بلکه در همان وقت دولت

ایران را

ایران را مات کردند ناپلیون از مراوده و دوستی ایران دو مقصود داشت یکی اینکه اسباب سفر هند را فراهم بیاورد و یکی دیگر دولت ایران را در جنگ روس بدست خود بزند این دو مقصود ناپلیون بلاحرف اعظم مصالح ایران را متضمن بود و یقین بجهة ایران بهتر از موافقت ناپلیون پولیطیک نبشد ولیکن چون آن وقت خرابی روس بواسطه استیلای فرانسه منافی پولیطیک انگلیس بود دولت انگلیس محض صلاح موقتی خود دولت ایران را از موافقت فرانسه باز داشت و منازعه ایران و روس را بواسطه عهدنامه گلستان صلح داد

در همان اوقات که پولیطیک انگلیس با اضطراب تمام در این ایران مصروف دفع فرانسه بود مامورین انگلیس در افغانستان ممالک نیز بهمان اضطراب مشغول کار بودند عهدنامجاتیکه در آن اوقات بسته شده جمیعاً مبنی بر مقصود واحد است



فقره اصلی این نامجات از این قرار است

عهدنامه ایران و انگلیس بتاریخ هزار و هشتصد و دو

فقره سیم دولت ایران نخواهد گذاشت که هیچ لشکر فرنگی از خاک ایران بگذرد و رو بهند یا رود بیکی از بنادر هند حمله کند

در عهدنامه دیگر بتاریخ هزار و هشتصد و چهارده

فقره اول در صورتیکه یکی از دول فرنگ بخواهد بمملکت هند هجوم بیاورد خواه از راه خوارزم و تاتارستان و بخارا و سمرقند خواه از راههای دیگر دولت ایران متعهد می شود که بقدر قدرت خود خواه بزور لشکر خواه بواسطه تدابیر مراودت و سلاطین و حکام ممالک عرض راه را بر این دارد که بمقام دفع رجوع هجوم مزبور برآیند

عهدنامه انگلیس با امیران سند

فقره چهارم دولت سند نخواهد گذاشت که اهل فرانسه در ممالک سند استقرار بگیرد

عهدنامه

عهدنامه انگلیس با شاه شجاع بتاریخ هزار و هشتصد و نه

فقره اول چون دولتین فرانسه و ایران بعزم مخالفت دولت افغان با هم موافقت کرده اند هرگاه این دو دولت بخواهند از خاک افغان بگذرند اولیای دولت ابد مدت مانع خواهند شد و بقدر قوه با این دو دولت جنگ خواهند کرد و نخواهند گذاشت که داخل خاک هند بشوند

بعد از آن که دولت انگلیس از سمت ایران و افغان آسوده شد و بواسطه انهدام دولت ناپلیون از جنگهای فرنگ فراغت حاصل کرد آنوقت خود را در مقابل مدعی حقیقی هند دید طرح ناپلیون با خود ناپلیون رفته بود اما طرح پطر کبیر همیشه زنده بود و روز بروز بزرگتر میشد ترقیات روس در اندک مدت ادعای آن دولت را نسبت بهند بحدی محسوس و آشکار ساخت که دیگر برای دولت انگلیس نه مجال تردید باقی ماند نه فرصت تامل چیزی که انگلیس را مضطرب ساخت داشت این بود که خطر روس بهیچ وجه ربطی بخطرات

سابق نداشت بوصاحب و زمان شاه و ناپلیون خطر موقتی بودند
ولی اقتدار روس خطر دائمی خطر بلا تقدیری بود تدابیر رسمی
در مقابل مدعی هند دید طرح ناپلیون با خود ناپلیون رفته بود اما طرح کبیر
همیشه زنده بود و روز بروز بزرگتر میشد ترقیات در اندک مدت ادعای
این دولت را نسبت بهند بحدی محسوس و آشکار ساخت که دیگر رای دولت
انگلیس نه مجال تردید باقی ماند نه فرصت تامل چیزیکه انگلیس را مضطرب
داشت این بود که خطر روس بهیچوجه ربطی بخطرات سابق نداشت
این نوع خطر چندان اثری نداشت در فوت فلان امپراطور و از
عزل فلان وزیر حالت مسئله بهیچوجه تغییری نمی یافت دولت روس
مثل سیل سنگین پیش میرفت در مقابل چنین سیل هیچ سدی بنظر
نمی آمد با وصف این اولیای دولت به اقتضای لزوم حتمی و بحکم
پولیتیک ملی باهتمام قدرت عقلیه و مالیه خود بمقام خود چاره کار
برخواسته چاره کار منحصر باجرای تدبیر ذیل بود در آن ممالکی که میان
روس و هند واقع اند باید چنان دولی برپا کرد که از یک طرف

قادر بهجوم

قادر بهجوم روس باشند و از طرف دیگر اصلاً قدرت مخالفت انگلیس را
نداشته باشند      حل این مسئله بنظر محال میآید اما عقل انگلیس
مدتی است که این قسم مسائل را در هند حل کرده است می بینیم
در این باب چه نوع تدابیر بکار برده است

در هند بعضی ممالک بودند که تسخیر آنها برای دولت انگلیس موجب مضار و ضرر
و بقای آنها در حالت طبیعی خود منافی صلاح انگلیس بود بجهت اصلاح این دو نکته ضدین انگلیسها
یکنوع دولتی اختراع کردند که دولت محجوره باصطلاح پولیتیک انگلیس دولت دوست میگویند
مبنای دولت دوست این بود که انگلیسها از ممالک یک دولت مستقل هرقدر که
میتوانستند تصرف میکردند و بعد یکی از شعبهای پادشاه آن مملکت را از در خود
بسلطنت میرسانیدند چون اقتدار این پادشاه جدید مبنی بر حمایت
انگلیس بود لهذا بجهت حفظ حمایت مزبور بقدر امکان با انگلیسها تمکین و اطاعت
میکرد تعهداتیکه از طرفین بموجب عهدنامه قبول میکردند از این قرار بود
دولت انگلیس بقای دولت دوست را ضمانت میکرد



یعنی متعهد میشد که آن دولت را از جمیع دشمنان خارجه و داخله
محفوظ بدارد
در مقابل این تعهدات انگلیس دولت دوست نیز فقرات ذیل را متعهد میشد
اولاً بجهت مخارج این قسم ضمانت انگلیس سالی فلان مبلغ را بدهد دوم بدون اذن
انگلیس با هیچ یک از دول خارجه مراوده نداشته باشد سوم فلان قدر
لشکر انگلیس در ممالک دولت دوست مستحفظ باشد چهارم دولت دوست
از فلان عدد معین بیشتر لشکر نگاه ندارد پنجم صاحب منصبان لشکر کلاً انگلیس
باشند ششم دولت دوست بجهت مخارج این دو لشکر کمالیات
مخصوص معین بنماید و تمام مخارج این دو لشکر در تحت اختیار سفیر انگلیس باشد
هفتم عزل و نصب وزرا باختیار سفیر انگلیس باشد
با این چند شرط دوستی دولتین بکمال بود تا چند سال قبل از این
در کل هندوستان بیست حکمرانی جداگانه و قریب بیست دولت
بزرگ بود مثل دکهن گوالیور لکناهور برار سند میسور ستاره
پنجاب وغیره وغیره این دول متعدده که بیست الی هفت کرور

بجهت باره

و از بیست الی چهار کرور مالیات داشتند انگلیسها همه را بدرجات
مختلف دوست خود قرار داده بودند و بقدر روزه اهتمام داشتند که در
همان حالت دوستی نگاه دارند زیرا که تعدیات و معایب دولت
جمعاً بر رؤسای ظاهری بود و فواید ملک کلاً عاید انگلیس میشد
ولیکن باقتضای اوضاع کلیه هند انگلیسها لابد شدند که دوستی
این دول را بتدریج مبدل بتصرف مطلق بکنند      دولتی که در دوستی خود
از سایرین بیشتر دوام کرده است حیدرآباد دکهن است این دولت
بزرگ که بعد از هشت مقابل انگلیس بود پس از جنگهای زیاد و تقسیمات
متواتره آخر الامر خود را دوست انگلیس قرار داد حال هفتاد سال
است که در زیر سایه دوستی انگلیس آسوده است بیست و چهار کرور
جمعیت دارد و شانزده کرور مالیات در دو فرسخی حیدرآباد که
پای تخت دکهن است همیشه ده هزار نفر از لشکر هندی انگلیس اقامت
دارد      و دوازده هزار سرباز دولت بومی در تحت اختیار صاحب
منصبان انگلیس مشغول محافظت هستند در دولتی هستند وزیر اول را

سفیر انگلیس معین میکند و مخارج این دو لشکر با مخارج ضمانت انگلیس از یک
مالیات معین بتوسط سفیر مزبور داده میشود و پادشاه و کهن که
ملقب بنظام است نظام مخفف نظام الدوله در کمال اهود کی در عمارت
خود سلطنت میکند انگلیسیها اوضاع حیدر آباد را سرمشق دول دوست
میدانند و اینکه همیشه میگویند ما به ایران از برای دوستی
آمده ایم معنی دوستی ایشان این است که بیان شد و اینکه
اولیای دولت ایران باوصف انواع اهتمامات هنوز نتوانسته اند
دوستی انگلیس را تحصیل کنند محض این است که معنی دوستی مزبور را
درست نفهمیده اند تا اوضاع ایران مبدل باوضاع حیدر
آباد نشود ممکن نیست که انگلیسیها دولت ایران را مستحق دوستی خود
بدانند هرگاه کسی حرکات و اقوال مامورین انگلیس را در ایران درست
بکاوند می بیند که در این شصت سال گذشته جمیع تدابیر و خیالات
ایشان راجع بتهیه اسباب دوستی مزبور بوده است
پولی که بخاقان مغفور میدادند و مداخله که در مراودهٔ خارجی

ایران مینمودند

ایران مینمودند و صاحب منصبانیکه برای تعلیم عساکر ایران میفرستادند
و خصوصیتی که بفرمانفرمای فارس داشتند و مواجبی که بمیرزا ابو الحسن خان
میدادند و میل باطنی که به لارد داشتند کلاً مقدمات دوستی
انگلیس بود اکنون هم شاهزاده حال که معنی دول دوست را
موافق اصطلاح انگلیس مشخص کرده برگردیم بر مطلب اصلی خود
اولیای دولت انگلیس بجهة دفع روس هیچ چاره ندیدند مگر
اینکه ان ممالکی که ما میان روس و هند واقع است بتدریج دوست
خود بسازند در اوایل سلطنت خاقان مغفور تخم این دوستی را
در ایران کاشته بودند اما بعد از چندی فهمیدند که بواسطهٔ پیشرفت
روسها در گرجستان و حضور مامورین ایشان در ایران حصول
دوستی کامل چندان آسان نخواهد بود لهذا لابد مصمم شدند
که طرح این دوستی را اول در افغانستان ابتدا کنند و بعد
تا هر جای ایران که میسر شود بتدریج امتداد بدهند چند نفر
صاحب منصب معروف که از جملهٔ ارکان پولیطیک محسوب بودند



بعزم این طرح تازه مامور افغانستان شدند در این بین دولت
ایران بی آنکه از خیالات اطراف اطلاعی داشته باشند بنای
سفر خراسان را گذاشت سردارهای افغان با انتظار و عده های
ایران زیر بار دوستی انگلیس رفتند و مامورین آن دولت را مایوس
جواب گفتند میتوان تصور کرد که بواسطهٔ این مقدمات و بعضی
حرکات دولت روس در سمت ترکستان چه نوع ولوله و
اضطراب در میانهٔ انگلیسیها افتاد تدبیری که از رای پولیطیک
ایشان باقی ماند این بود که بلا درنگ دوستی خود را بزور لشکر
در ممالک افغان برقرار سازند شاه شجاع را در زمان شاه
را که سالها بود محض احتیاط این نوع روزها در هند مواجب میدادند
اسباب این طرح تازه قرار دادند و اورا با مخارج گزاف
بر ملک افغانستان مسلط ساختند با همان شرایط دوستی
که منظور انگلیس بود یکی از فقرات عهدنامه این بود شاه شجاع الملک
متعهد میشود و خلفای خود را نیز متعهد میسازد که بدون اطلاع و رضایت

بعضی

با هیچیک از دول خارجه مراودهٔ نداشته باشد و همچنین متعهد میشود
با تمام قدرت خود با هر دولتی که قصد تسخیر هند را داشته باشد
بجنگد از وجدها و تهنیتهای دولتی که کل ملت انگلیس از تقدیم این
پولیطیک ملی ظاهر ساخت معلوم میشود که دولت انگلیس چه کار عمده را
از پیش برده بود نصف بیشتر طرح انگلیس بطور دلخواه بعمل آمده بود
ولی در حینی که بعزم انجام نصف دیگر در تدارک امر هرات و بخارا بودند
غیرت و مردانگی طائفهٔ افغان بهمان تفصیلی که بر همه کس معلوم است
حاصل جمیع تدابیر و فتوحات پولیطیک انگلیس را در یک طوفان منهدم
ساخت یکی از مورخین میگوید دولت
انگلیس یک گناه عظیمی کرد وقتیکه خواست بدون هیچ حق بتوسط شاه
شجاع در افغانستان مسلط شود انتقام الهی آخر الامر حرص انگلیسیها را
منکوب ساخت رؤسای این طرح جمیعاً مغضوباً منعدم شدند
طائفهٔ افغان افواج انگلیس را از کمیت رود اتک به سمت هند ریختند
و در هند را بر روی ایشان بست کلید این در قسمت دولت

روس است وبعد ازان افتتاح در مرزبور موقوف بمیل روس خواهد بود

اگرچه شکست انگلیس در افغانستان برای پولتیکیان دولت معظمه
قابل بود ولی جنس انگلیس از آنها نیست که طرح پولتیک خود را با این
نوع صدمات موقتی تغییر بدهد پولتیک اصلی در همان حالت سابق باقی ماند
چیزی که تغییر یافت فقط راه پیشرفت و رسم اجرا بود همینکه افغانستان
از دست رفت ممالک سند پنجاب را بی تأمل تصرف کردند و لوای
ضبط این دولت معظم علاوه براینکه صدمات افغانستان را بالمضاعف
تلافی کردند اسباب پولتیک اصلی را بهتر از سابق مهیا ساختند
چنانکه میتوان گفت که الآن ممالک افغان در تحت تصرف انگلیس است

طرح پولتیک انگلیس از قراریست که عرض شد چند کلمه هم از طرح عسکریه
آن دولت بگوئیم در ضمن این مطلب یک مسئله طبیعی هست که بیان
آنها باید مقدم داشت    در ولایت ینکی دنیا که متصرف طوایف

فرنگ

فرنگ افتاد از نسل ایشان طوایف بزرگ پیدا شده اند اما تا بحال
زیست و تناسل جنس انگلیس در خاک هند ممکن نبود کل اطفال انگلیس که در این
ملک متولد شده اند پیش از آنکه بحد بلوغ برسند کلاً بدون استثنا عموماً
میمرند این حکم طبیعت در قطع نسل انگلیس یکی از مشکلات عمده حفظ هند
شده است    صد و پنجاه سال است که انگلیسها طبقه به طبقه از خاک
هند میگذرند بی آنکه از نسل خود آثاری باقی بگذارند ولی اگر بتوانند در آن
صفحات در جنس خود جمعیت کافی فراهم بیاورند
ولیکن چندی قبل وقتیکه پنجاب را گرفتند بالکمال وجد دیدند که زیست جنس
انگلیس در ملک مزبور آسان و مقدور است    و چون رودخانه های
پنجاب و بخصوص رود اتک که از بالای کشمیر تا خاک سند بدریای
عمان امتداد می یابد سرحد طبیعی و اعظم سدهای راه هند میباشند
انگلیسها مصمم شدند که کلیه اقتدار خود را در خاک پنجاب
جمع نمایند و رود اتک را سنگر عسکر خود قرار بدهند بهمین خیال
پیشاور را یکنوع سواستوپول ساختند و طرح مقابله دشمن را بر همان



رود اتک ترتیب دادند ولی پس از استحکام این سرحدات طرح مدافعه را
باز ناقص و غیر کافی دیدند اولاً معسکر پنجاب از مقر قدرت انگلیس
زیاد دور بود ثانیاً محل جدال بممالک هند زیاد نزدیک بود بجهة رفع عیب
کلی مهندسین انگلیس یک طرح تازه پیدا کردند که هیچ ربطی بخیال اولی نداشت
محمره و عربستان ایران در وسط راه هند و لندن واقع است و از هر حیث
چه بجهة عبور عساکر انگلیس چه بجهة دفع حمله روس و چه بجهة انقیاد حرکات
ایران بهترین منازل است طرح تازه مبنی بر این بود که دولت انگلیس
کل قدرت خود را در عربستان و بنادر فارس جمع آورد و عوض اینکه
حمله روس را در سواحل رود اتک منتظر باشد از خاک عراق میان
سر کشد و در سمت استرآباد روبروی روسها بیفتد این طرح چندین
محسنات دارد اولاً عساکر لندن صد مرتبه زودتر و سهلتر بفارس میرسند
تا به پنجاب    ثانیاً موافق علم نظام در این قسم لشکرکشی که باید یک
سر ستون دشمن در مازندران و سر دیگر در افغانستان باشد حمله جنبی است
از حمله چین بهتر است این نوع حمله انگلیس لشکر روس را حکماً مجبور خواهد

ساخت

ساخت که اول بدفع استعداد فارس بپردازد و در این صورت کوهها
و استحکامات طبیعی فارس قوه دافعه انگلیس را مضاعف خواهد کرد ثالثاً
هرگاه انگلیس در این صفحات مغلوب بشود باز در پنجاب یکدفعه اخری تجدید
منازعه ممکن خواهد بود    رابعاً بواسطه حضور انگلیسها در فارس موافقت
ایران برای روس چندان فائده نخواهد داشت بلکه زور عمده ایران در
دست ایران خواهد بود خلاصه این طرح جدید هزار مرتبه بر طرحهای سابق
ترجیح دارد جنگ اخیر ایران هیچ دلیلی نداشت مگر تقدیم این طرح
دولت اسلام و صد حسن اتفاق اجرای قصد انگلیس را موقتاً بتاخیر
انداخت اما اشخاصی که از دقایق پولتیک انگلیس واقفند مدارج لزوم این
طرح استحضار دارند میدانند که دولت انگلیس باین آسانی از چنین
طرح ناگزیر دست نخواهد کشید    راه آهنی که میخواهند از بحر سفید
تا محمره بحیره لب زنند و نصب فنولها شیراز و استر و نواحی
انگلیس با امام مسقط وحشت مفرط از استقرار بیدق ینکی دنیا لی
در خلیج فارس و بحضور ماموریت    یاران

و از استادهای معروف این طرح تازه است مأموریت ادموند
بغداد محض تفحص دقایق این طرح بود و خودکشی که بجهة
کلام مربوط بخیال واهی است این طرح عسکریه و آن طرح پولتیک
که سابقاً [illegible] بنوعی لازمه بقای دولت انگلیس شده است
و خواهش انگلیسها بجدی صرف این مطالب است که در هر گوشه آسیا
هر حرکتی که از ایشان صادر شود خواه جنگ خواه صلح خواه التماس
خواه تهدید بالکمال اطمینان میتوان قسم خورد که مقصود باطنی نیست
مگر پیش رفت این دو طرح     در ایران بعضی اشخاص گفته اند که اگر
انگلیسها از دولت ایران مطمئن شوند مضایقه نخواهند داشت که تمام
افغانستان را با هرات به ایران بدهند الحق حرف زرنگی زده اند و البته راه
اطمینان را هم پیدا کرده اند اما من هرچه فکر میکنم نمی توانم بفهمم دولت
افغان که به تنهائی در دست زمان شاه بود مایه آن همه وحشت انگلیس شده بود
وقتی منضم با ایران بشود چگونه اسباب اطمینان آن دولت خواهد بود حال
که چهار صد فرسخ از پیشاور دوریم بمحض اینکه در هرات یک توپ خالی

کنیم

می کنیم تمام هند بر هم میخورند پس آن روزی که افواج ایران داخل جلال آباد
بشوند حالت هند چه خواهد بود هرچه بعقل می سنجم موافق هیچ علم و موافق هیچ
قانون اقتدار ایران با اطمینان انگلیس جمع نمیشود یقین اشخاصی که این اجتماع
ضدین را بنای پولتیک خود ساخته اند چنان خیال [illegible] که معنی اطمینان
انگلیس منحصر باین است که بالفاظ سهل و عبارتهای فصیح از مأمورین انگلیس
تملقات زمانه بگویند و بجهة خوش آمد محرر سفارت ایشان اسباب رنجش
دولت روس را فراهم بیاورند پی هر گاه وزرای انگلیس باین اطمینانها
اکتفا میکردند سند را هم علاوه بر افغانستان بما میدادند اما حیف که
دولت انگلیس حصول اطمینان خود را منحصر بآن اسباب میداند که در حیات
دولت مستقل هند امتحان کرده است     دوستی و اطمینان دولت
انگلیس نسبت با ایران وقتی ظهور خواهد کرد که اوضاع حیدرآباد و کهن را
سرمشق دولت خود قرار داده باشیم

فرمانفرمای هند   در اوقات سفر شاه مرحوم بهرات نوشته است



ما باید بعد رقوة لازمه تدابیر را بکار بریم و نگذاریم که در افغانستان اعتبار
خارجه رخنه بکند و باید بلا درنگ در مدارک رد آن قدری باشیم که
بر سرحدات ما حمله دارد

ایران و افغانستان در پولتیک مشرق عظم بی نهایت بهم رسانده اند
افغانستان در هر ایام اسباب وحشت و تزلزل حکام هندوستان بوده است
کابل و قندهار در هندوستان هستند هر وقت این دو در بسته باشد
هند از شر دشمنان خشکی محفوظ است باز فرمانفرما میگوید این است
ممالک ما در مشرق بحکم وجوب ما لا بد دارد که در سمت افغانستان چنان
دستگاهی برپا کنیم که سر حمله خارجه باشد و قدرت نداشته باشد که توفیق
خیالات کشورگیری دشمنان ما شود

یکی از سفرای انگلیس که سابقاً مقیم ایران بوده میگوید اعتقاد باطنی من این است
که دولت انگلیس نمیتواند بگذارد که دولت ایران در سمت افغانستان وسعت
بیابد زیرا که نزدیکی ایران بهندوستان حکماً مایه اغتشاش ممالک ما خواهد بود
باز یک فرمانفرمای دیگر میگوید ما باید در افغانستان یک سد دائمی

برپا کنیم

برپا کنیم که اسباب رد حمله دشمنان شمالی و مغربی ما باشد هرگاه
هرات بدست دولت ایران بیفتد حالت این دولت بر کل ممالک
هند مشرف خواهد بود

لرد پالمرستون در پارلمانت انگلیس فریاد میکند    در تمام عمرم حرفی
که از همه بیشتر حاصل عقیده قلبی خود میدانم این است که اگر ما از افغانستان
دست بکشیم اعظم مصالح دولت انگلیس پایمال خواهد شد یقین بدانید
که افغانستان را به هر ملاحظه که ترک نمائید بار خواهد رسید از روزی که مجبور
خواهید شد که با مخارج گزاف و با اتلاف عساکر و افراد این ممالک را دو
باره تصرف کنید

باوصف اعلام این مضامین نمیدانم باز احتمال اینکه انگلیسها افغانستان را
با ایران بدهند باقی خواهد ماند یا خیر

پولتیک انگلیس در ایران یک روش غریبی داشته است مقصود از این

پولیطیک همیشه حفظ هند بوده اما با وصف این وحدت مقصود دولت انگلیس
راههای مخالف و تدابیر مختلفه اختیار کرده است مثلاً یکوقتی می‌بینیم
پولیطیک انگلیس دولت ایران را از لحاظ دوستی روس مجبور میسازد پس
از چندی مخالفت روس را از لوازم صلاح ایران میشمارد یک وقتی چنین
کردو خرج میکند که دوست محمد خان را از افغانستان بیرون کنند
یک وقت دیگر همان دوست محمد خان را تقویت میکند که بیاید قندهار
و هرات را بگیرد در عهد زمان شاه افغانستان را با ایران میدهد در عهد
ناصرالدین شاه سیستان را هم میخواهد از ایران بگیرد هنگام سفر ناپلیون
بمسکو فرانسه‌ها در ایران خائن بودند و روسها دوست صادق
همینکه جنگ بروز میکند پولیطیک انگلیس همان فرانسه‌ها را که از ایران
بیرون کرده بود باز آن میاورد که باتفاق هم دولت ایران را تحریک
بکنند بمخالفت همان دولت روس که در انعقاد عهدنامه گلستان دوستی‌اش
را برای دولت ناگزیر میدانستند بدیهی است که صلاح دولت ایران
در این شصت سال گذشته یکی بوده است و اختلافات پولیطیک



هیچ سببی نداشته است مگر مقتضیات پولیطیک انگلیس دولت ایران
بی آنکه ملتفت شده باشد در اینمدت اسباب پولیطیک انگلیس بوده است
پولیطیک انگلیس با وصف استعمال اینهمه تدابیر مختلف بجز حفظ هند مقصود دیگر
نداشته است از اول تا آخر حفظ هند همه حفظ هند و باز هم حفظ هند

در پولیطیک انگلیس یک نکته دیگر هم هست که غرابت آن بیشتر از نکته فوق
موجب تأمل میشود مقصود انگلیس در آسیا نقطه مقابل مقصود روس است
یکی میخواهد در مقابل خود سدهای محکم برپا کند دیگری میخواهد هرچه سد هست
از پیش خود بردارد ترقی یکی تسخیر ممالک خارجه را لازم دارد تسخیر
ممالک خارجه برای دیگری مایه تنزل و خرابی است دولت روس میخواهد
عالم را مسخر کند دولت انگلیس هرگاه فوائد بیشتر مملکت خود را بدیگری
وامیگذارد لیکن عجب است که با وصف این ضدیت مقصود دولت
انگلیس در این شصت سال گذشته در مقابل بیشتر از دولت روس
مملکت گیری کرده است دلیل این واضح است مقصود دولت انگلیس در هندوستان



بلاشک منحصر بتصرف سواحل هند بوده است اما از آنجائیکه تسخیر هر ملک
تسخیر ملک دیگر لازم دارد دولت انگلیس هم باقتضای این تسلسل دولتی
لابد بوده که بتدریج کل ممالک هند را مسخر نماید تصرف مدرس تصرف
کلکته را لازم آورد و کلکته اسباب تصرف بنگاله و بنگاله موجب تصرف دهلی
شد حفظ این ممالک انگلیسها را بدهلی آورد و حفظ دهلی تصرف افغانستان را
لازم ساخت شکست کابل مقتضی فتح حیدرآباد و موجب شکست دولت
پنجاب شد حفظ لاهور بدون پیشاور ممکن نبود وضع این سرحدات
استقلال هرات را لازم ساخت و حال استقلال هرات غصب سیستان
لازم دارد هیچ شکی نیست همان لزومی که انگلیسها را برخلاف میل ایشان
از میان صد دولت مستقل گذرانده و از کلکته بهرات آورده حکماً
ایشان را از سیستان بشوشتر خواهد برد این بسط استیلای انگلیس از
شرایط جبری استیلای مزبور است آن سفیر مشهور ناحی که در کابل کشته شد
میگوید استیلای انگلیس مثل آن دائره ایست که در میان یک حوض بزرگ
بسبب ضرب خارجی بر روی آب احداث میشود دائره مزبور متصل بسط



میاید تا آخر از شدت بسط محو میشود استیلای انگلیس هم ناچار باید
متصل وسعت بیابد و آخر از شدت وسعت از روی زمین محو بشود
اوضاع یک سمت ایران را بیان کردیم حال وقت تحقیق اوضاع
سمت دیگر است پولیطیک روس در مشرق زمین از آفتاب روشن‌تر است
اقتدار آن دولت از دول همجوار اصلاً باکی ندارد و تا امروز استعمال
حیل دولتی را هرگز لازم ندیده است اعلام نامه پولیطیک روس این
است خدا آسیا را بمن داده است تسخیر اسلامبول و هندوستان سرنوشت
ملی من است هیچ چیز مرا از تقدیم این سرنوشت باز نخواهد داشت
دولت روس از بدو ظهور خود این طرح ملی را بعالم اعلام کرده است
و صد و پنجاه سال است قدم بقدم رو باین مقصود خود پیش میرود
و اگر در عرض راه گاهی ایستاده و گاهی برگشته است این تخلفات
ظاهری محض عوارض موقتی بوده است و بر استقامت حرکت اصلی
هیچ وجه تأثیری نداشته است صد و شش سال قبل از این که
هنوز اسم دولت روس در صفحات تلفظ نشده بود پطر کبیر

بجهت ابتدای طرح تسخیر آسیا با چهل هزار نفر از دربند گذشت
و سمت اشرقی گرجستان را تا مازندران تصرف کرد پس از فوت
پطر کبیر صولت نادری تمام آن دستگاهی که موسس شوکت
روس با افکار عقلیه خود در این سمت قفقار برپا کرده بود بیک نهضت قادرانه
باطل و منهدم ساخت ولیکن با وجود این شکست اول و با وجود شکستهای
دیگر باز امروز دولت روس در این سمت کوه قفقار را قبضه کرده مقابل
تسخیرات پطر کبیر ولایت در تصرف خود دارد هیچ نوع حادثه
خارجی و هیچ قسم انقلاب درونی دقیقه دولت روس را از ترقی
طبیعی خود باز نداشته است اقتدار روس در سمت آسیا متصل
پیش رفته است و میتوان گفت که الان در صحرای گرگان و سواحل جیحون
بجهة انتزاع سلطنت آسیا صف آرائی میکند وقتی کسی مراتب روس را
تحقیق میکند اول نکته که موجب تامل می بیند این است که چرا دولت
روس در این صد و سی سال تمام ممالک آسیا را نگرفته است
بقای ممالک آسیا به تصدیق کل وزرای فرنگ هیچ دلیلی ندارد

آبک

گر یک خط بزرگ که تا این اواخر دامن گیر دولت روس شده بود خط
مزبور این است که پطر کبیر حرکت سیل قدرت روس را در طرفی قرار داد
که سیل را به سمت آسیا سرازیر کرد و سر دیگر را رو به فرنگ برگردانید
خلفای پطر کبیر خط او را باقتضای حرکات اولی رفته رفته وسعت دادند
و تمام قدرت خود را صرف پولطیک فرنگ ساختند کل اهل پولطیک
و جمیع وزرای مشهور متفقاً اقرار دارند که هرگاه دولت روس عشر آن
اجتهاد و تدابیر که در سمت فرنگ بکار برده صرف آسیا کرده بود حال
تمام آسیا در تصرف روس بود بواسطه تصرف آسیا در سمت فرنگ نیز
مقصود اصلی بعمل آمده بود سی سال علی الدوام روسها ملک فرنگ
با امپراطور نیکولا فریاد کردند که سمت در امور فرنگ حق مداخله ندارید
ملت روس بحکم تقدیر مامور تسخیر آسیا است ما این ماموریت را
تصدیق داریم از امور فرنگ دست بکشید و مشغول انجام ماموریت
خود باشید
یکی از علمای پولطیک میگوید



دولت روس بحکم تقدیر مامور است که سویلیزاسیون فرنگ را بممالک
آسیا برد چیزیکه مانع پیشرفت این ماموریت شده این است که دولت روس
میخواهد در آسیا چنین مشغولیتی پیدا کند که حواس او را از امورات
فرنگ برگرداند دولت روس عوض آنکه حواس خود را صرف ممالک فرنگ
بکند هرگاه مشغول آسیا شده بود حال ممالک عثمانی و ایران و هند در
تصرف آن دولت میشد و بیدق روس هم در اسلامبول و هم در هند
رود اگت و هم در کلکته مرتفع بود

دولت روس باقتضای وضع طبیعی خود بحکم تقدیر مامور است که تجارت آسیا
و یوروپ را انصاحب کند چیزیکه مانع انجام این ماموریت شده
بربری طوایف آسیا است بنابرین بر دولت روس واجب است
که حالت این طوایف را تغییر بدهد و استیلای خود را روز بروز در آن
صفحات منتشر سازد
یک حکیم دیگر میگوید بر دولت واجب است که محرک ترقی ممالک.

ابریه

آسیا شود و این ممالک را از نعمات سویلیزاسیون بهره یاب
سازد روش ترقی عقلیه دولت روس همت این دولت معظم
را دعوت میکند که این طرح بزرگ را معمول دارد

دولت روس باید ممالک آسیا را مسخر کند هم بزور تجارت هم بزور اسلحه
هم بزور پولطیک

یک حکیم آلمانی میگوید دولت روس حق شرعی دارد و در ذمه آن دولت
واجب است که بر ممالک آسیا مسلط شود

یک مصنف فرانسه میگوید دولت فرنگ باید دولت روس را مقوی باشد
که ممالک آسیا را تصرف نماید
دولت هم در مقابل فرنگ ایستاده است هم در مقابل آسیا ولی چون
خزاین روس کلاً صرف خاک فرنگ شده است هرگاه دولت روس

کمر و قت دار خود را از بالطیک بدریای خزر بر گردانیده بود حال از بنادر
چین تا بدریای سفید همه را در تصرف خود داشت

امپراطور نیکولا بواسطه حرص طمع غیور و باقتضای خبط آن تسلط عظیم که در امور
فرنگ بهم رسانده بود نتوانست از سبک اجدادی تخلف نماید و این قدر
در مداخله اوضاع فرنگ اصرار کرد تا اخر الامر دولت روس مجبور شد
که در سواستوپول خبط پولیطیک خود را اعتراف نماید ولی بعد از این درس آخری
دولت روس از رقیه خبط قدیم خود بکلی خلاص شد چنانکه حال در امور
داخله فرنگ هیچ کاری ندارد مگر تماشای دولتی کل حواس این
دولت برخلاف سابق صرف اوضاع آسیا است هر گاه کوش اهل ایران مثل
کوش ملت انگلیس پر از اوز مجز باز بود من هم مثل مصنف انگلیس فریاد میزدم
برخیزید ای وکلای دولت ای عقلای ایران ای روسای اسلام برخیزید که ظهور
طوفان نزدیک و مجال تدارک منتهی است سیل قدرت روس از زمین
با سیا آمد که دید خطر انگلیس در پیش این خطر هیچ است بیک خبط جزئی دولت ما
تمام

بیک اشارة بطر عمر ما منتهی است

فصل پولیطیک روس را پیش از این شرح میدهیم مقصود این پولیطیک و راه
این سیل معین است دولت روس باید حکماً بسمت هند حرکت بکند قصد این
دولت بر هیچ کس مخفی نیست هر وزیری که منکر این قصد است مثل سابق
در کمال اسودگی مشغول مزید تشخص خود باشد و هر کس ادعای غیرت و دولتخواهی
میکند مقابله سیل روس را مهیا باشد دور نیست در ایران بعضی اشخاص بواسطه
عدم لازمه اطلاعات امکان لشکرکشی روس را بسمت هند منکر باشند
در باب این مطلب یک صاحب منصب معروف میگوید و رای مشهور و اشخاص مخصوص
که از این مسئله استحضار تامه دارند جمیعاً بر امکان و سهولت سفر هند متفق شده اند
یکی از فرمانفرمای هند در یک کاغذ رسمی میگوید من هیچ دلیلی نمی بینم که مانع لشکر
کشی دشمن هند باشد بنابراین بر ما لازم است که از هیچ نوع احتیاط
بقدر ذره غفلت نکنیم
یک فرمانفرمای دیگر میگوید بواسطه جنگ افغانستان ما خود ما ان



بدشمنان خود راه هند را یاد دادیم و اشکار کردیم که راه هند چقدر
سال است
یک صاحب منصب انگلیس میگوید اوایل گمان میکردند که مایه اشکال کلی لشکر
کشی خارجه بسمت هند ممالک افغان خواهد بود چند سال قبل از این اعتقاد
راست بود اما خود انگلیسیها زحمت کشیده اند بواسطه لشکرکشی خود در افغانستان
اشکالات آن ممالک را بکلی مرفوع ساختند

یک مهندس فرانسه میگوید امکان حضور لشکر روس بر ساحل رود اتک
مدتها محل گفتگو بوده است اما از وقتیکه دریاچه ارال بتصرف روس افتاد
و از وقتیکه اولیای دولت روس حوالی بحر خزر را صرف ممالک ترکستان
کرده امکان این سفر برای هیچ مهندس نظامی تشکیکی باقی نگذاشته است
و هر کس که حقیقت حالت لشکر هند را تحقیق کرده است نمی تواند خیال خود را
بری کند از آن شکست عظیم که بر لشکر هند وارد خواهد آمد در اروپا نیز
در صف سپاه لشکر هند با سربازهای بربر روس بمقام مقابله برآید

یکی از علمای مشهور که مدتها در هند مشغول اسباب تفحص اسباب حفظ این ممالک بود
در باب طرح لشکرکشی خارجی تفاصیل معروف نوشته میگوید آن روزیکه یکی
از دول خارجه بر ساحل رود اتک یک لشکری حاضر کند که مساوی آن لشکر باشد
که دولت انگلیس در همان محل حاضر کرده باشد عمر دولت انگلیس تمام است

مملکت هند یک عرصه وسیع است که خرابه های دول زیاد و طبقات ملل بیحد روی
هم ریخته اند یک حرکت جزئی و یک ضرب واحد کافی خواهد بود که این طبقات مختلفه را
زیر و زبر نماید و از میان این مجموعه عجیب ترکیب اسباب فرقه بیرون آورد
یک آدم قابل و یک اتفاق جزئی میتواند در خود هند عساکر متعدده برای
مخالفت انگلیس برپا نماید تدابیر انگلیس تا بحال ظهور این واقعه را رفع داشته است
اما آن روزیکه در سرحدات افغانستان برای دولت انگلیس یک مدتی کافی ظهور
نماید دولت انگلیس عوض اینکه در ممالک هند اسباب تقویت بیند تمام هند را
در زیر پای خود مشتعل خواهد دید قدرت انگلیس در زیر عظمت خود منهدم خواهد

مانند و بواسطه سرعت انهدام خود مدعی را در تعجب خواهد گذاشت

این اعتقاد من حرف هوائی نیست ما در دست داریم یک تجربه کافی که بواسطه آنها میتوانیم پیش از وقت معین بکنیم که دولت انگلیس چه قدر آدم و چه درجه قدرت میتواند بمقابل دشمن بیاورد

مصنف مشارالیه جمیع دقایق قدرت عسکریه دولت انگلیس را مکاشفه و بواسطه شواهد زیاد و تحقیقات مفصل که ذکر آنها از گنجایش این کتابچه خارج است معین میسازد که دولت انگلیس در هیچ مقام نمیتواند بیش از شصت و یکهزار نفر آدم که پانزده هزار آن انگلیس باشد بر سرحدات غربی جمع نماید

مصنف مزبور با وصف این تحقیقات خود باز در آخر میگوید اما اجتماع این قدر عسکر را هم از برای دولت انگلیس غیر ممکن می بینیم و در صورتیکه هم این منتهای تخمین را قبول بکنیم باز محققاً حکم میتوان کرد که هر وقت هفتاد هزار سرباز فرنگی از در خیبر در بیاید زندگانی خواهند بود که لشکر انگلیس را

از یک سرحد تا سر دیگر بر چینند بی آنکه در مقابل خود از جانب هیچ مدعی اسباب معطلی ببینند

و نیز میگوید پالمیون هم بجهة سفر هند از شصت هزار آدم بیشتر لازم شمرده بود و حال اینکه آن وقت سفر مزبور موانع کلی داشت و بخصوص حالت افغانستان مانع و مهیب بود از نقشه این ملک بهیچ وجه معرفتی نداشتند و طوایف افغان حکمای استبداد مطلقه میشدند و لیکن امروز یا فردا العبد از صد سال دیگر تمام ملک افغان بیک آواز انتقام شلیک نفس واحد بر خواهد خواست خواه این آواز انتقام از جانب ایران باشد خواه از جانب روس و دیگر اینکه آن وقت دولت انگلیس در هند هواخواه متعدد داشت و بعضی رؤسا را میتوانست استبداد قلع خود بسازد اما حال دولت انگلیس کلی تنها و عرصه مدافعه او بر دریای و کهن طوایف است

مصنف مشارالیه در باب طرح حرکات نظامی سردار روس در سمت هند در خصوص سایر نکات این سفر شروح مفصل نوشته است



که بملاحظه اختصار کتابچه ترجمه نمیکنم مثلاً میگوید

سردار روس در باب آذوقه نباید اصلا تشویش داشته باشد چیزیکه لازم دارد این است که کیسه او از باجاقلو همیشه پر باشد اذوقه لشکر از این قرار جمع خواهد شد

عبور رود اتک نعلان دلایل هیچ اشکالی ندارد و باید نعلان طور گذشت سلطان محمود غزنوی هفت دفعه با لشکرهای متعدد از همین راه گذشت امیر تیمور بابر شاه همایون شاه نادر شاه و سردارهای انگلیس در اوقات جنگ افغان اعلان تفصیل از همین راه عبور کرده اند

بنابراین سرشقهای گذشته لابد باید اقرار بکنیم و موانع ارضی پیش رفت عساکر دشمن را در این راه ها هرگز مانع نخواهند شد چیزیکه میتواند هند را حفظ بکند یک لشکر خوب است و بس لشکر انگلیس در مقابل لشکر فرنگی همین که یکدفعه مغلوب شد تمام قدرت انگلیس منهدم است زیرا که لشکر خارجی پس از شکست انگلیس یک سیلی خواهد شد که جمیع سیلهای اطراف را بخود ملحق خواهد ساخت و تمام هند را فرو خواهد گرفت راه لشکر روس

از این قرار است رفتار سردار روس باید از این قرار باشد

در باب لشکرکشی خارجه بسمت هند طرحهای متعدد و نوشتجات متعدد مفصل در میان هست من در اینجا فقط باشاره این اقوال مختصر اکتفا میکنم

دولت روس بجهة لشکرکشی هند دو راه دارد یکی از ترکستان و یکی دیگر از ایران اگرچه تا امروز دولت روس از هر دو این راه بالمناسبی پیش رفته است اما انتظارات که طرح اصلی آن را بر راه ایران قرار داده است در این باب هم شروح زیاد نوشته اند من فقط بعضی مضامینی که تعلق بحالت ایران دارد و ذکر میکنم

دولت ایران امروز در دست دولت روس است دولت روس هر وقت بخواهد میتواند حفظ حالت ایران را ضمانت کند و بعضی ممالکی که از ایران گرفته است پس بدهد و بعضی ممالک دیگر نیز وعده بکند و بواسطه یک موافقت باطنی دولت ایران را بر این دارد که با کمال میل و صداقت مقوی مقصد روس باشد

دولت ایران بعد از سلطنت نادر شاه بیک حالت ضعفی افتاد
که گویا نتواند دیگر از این حالت ذلت بیرون بیاید ولیکن با این همه
ضعف عارضی میتواند بواسطه وضع طبیعی خود در مسئله مشرقی یک مدعی
بزرگ واقع شود

اگرچه ایران و ممالک عثمانی هنوز اسم قدیمی خود را دارند اما در حقیقت
جزو ملوکات روس هستند

در تغییرات امور جهان دولت ایران قسمت عظمی دارد ولیکن این عظم
دولت ایران حاصل حالت طبیعی آن است و هیچ دخلی بقدرت دولت ندارد

در آن ترازو ولی که یک روزی باید سرنوشت انگلیس و روس کشیده شود
دولت ایران میتواند وزن عظیمی میان بیندازد

هیچ شکی نیست که هرگاه از جانب روس بدولت ایران تکلیف سفر هند شود
کل اهالی ایران با کمال میل همراهی خواهند کرد و غنایم هند و یادگار نادرشاه



وخیال ضعف انگلیس در هند اسباب تحریک ایرانیها خواهد شد

در خاک ایران مایه و اسباب قدرت مهیا است ولی دولت این ملک این قدر
شعور و قوه ندارد که از مایه و اسباب ممالک خود لازمه فواید و منافع را حاصل
نماید اما هرگاه این دولت بتصرف روس بیفتد یا با دولت روس موافقت
حقیقی داشته باشد دولت روس میتواند از ایران شصت الی هفتاد هزار
سرباز بگیرد که در تحت صاحب منصبان روس لشکر بسیار ممتاز بشوند
علاوه بر این هفتاد هزار لشکر منظم دولت ایران میتواند در مقابل اسب دو
لشکر غیر منظم بدهد

بقای پادشاه ایران به تخت بسته بسنگینی حرکت روس است
و هیچ دخلی بقدرت پادشاه مشارالیه ندارد

از برای لشکرکشی روس سمت هند اشکال عمده بعد مسافت است
رفع این اشکال بدو طور میشود یا این است که دولت ایران باید با دولت





روس اتحاد و موافقت کامل داشته باشد یا باید دولت روس دولت
ایران را بکلی تصرف بکند
این مضمون آخر کلید پولیطیک ایران است

پولیطیک فرانسه و عثمانی نسبت با ایران شرح زیاد لازم دارد در اینجا این قدر
عرض میکنم که مصلحت فرانسه مقتضی حفظ و استحکام دولت ایران است اما ما نباید از
همدستی فرانسه بقدر ذره امید توقعی داشته باشیم دولت فرانسه
با این اوضاع ایران بجهت حفظ این دولت از دادن یک پول مضایقه خواهد داشت
ولی هیچ شکی نیست که میتوان در ایران با نهایت سهولت چنان اسبابی فراهم
آورد که دولت فرانسه با کمال رغبت صد هزار نفر سرباز بجهت حفظ ایران
بگذارد بدین مضمون تازه شرح مفصلی لازم دارد که انشاالله در وقت
دیگر عرض خواهد شد
پولیطیک عثمانی با پولیطیک ایران هزار نوع ربط دارد که اولیای دولت ایران
هیچ ملتفت نشده اند در این باب نیز تفصیلا باید عرض کرد



وقتی کسی غفلت این طرحها دول خارجه را ملاحظه میکند تعجب میکند که وزرای
سابق ایران چگونه توانسته اند از این خیالات عالم گیر غافل بمانند گذشته از این
از پولیطیک دول اطراف اطلاعات صحیح نداشته اند اغلب اوقات عقاید شخصی ایشان
مخالف حقیقت اوضاع خارجه بوده از این جهت میتوان گفت که تا حال پولیطیک
ایران بجز عقاید باطل و احتمالات غیر صائب معنای دیگر نداشته است چنانچه وقتی
لشکرکشی گذشته این دولت را با خیالات دول اطراف تطبیق میکنیم می بینیم کلا
یا خبط عظیم بوده یا حرکات بیمعنی که بیشتر از همه مایه خبط اولیای این دولت
بوده است این است که معنی پولیطیکهای بزرگ را نفهمیده اند و خیال میکنند پولیطیکها
ملی را که دولتها سال یک قرار میدهند میتوان بتدبیر ایرانی از
راه بدر کرد مثلا میگویند هرگاه در فلان کاغذ فلان لفظ بنویسیم یا در فلان مجلس
با فلان سفیر گرم بگیریم کار درست خواهد شد گاهی در مسائل دولتی چنان
تدبیرها بکار میبرند و دل خود را بچنان جزئیات خوش میکنند که آدم
از همراهی اطلاع و کفایت ایشان در حیرت میماند دولت روس زیاد معتبر
شده است پس باید راه اذربایجان را آنچنانکه انگلیسیها میخواهند ...

جزو افغانستان بکنند پس باید با میرزا آقاخونی گرم گرفت روس میخواهد
مازندران را مسخر بکند ما هم اذن نخواهیم داد که کشتی روس داخل مرداب
انزلی بشود اقتدار دول خارجه روز بروز زیاد میشود اما غلط میکنند ما هم
سفرای ایشان را به تعزیه راه نخواهیم داد دولت روس در استرآباد
خیالات دارد اما قونسول ما در حاجی ترخان بسیار با عرضه حرکت میکند
پولیتیک انگلیس بتصرف جنوب ایران لازم دارد اما هرگاه با فلان صاحب منصب خود
بی التفاتی بکنیم انگلیسها پولیتیک خود را حکماً تغییر خواهند داد در این باب ما
باین نوع تدابیر میخواهند دولت حفظ بکنند ولیکن باید مسلم بدانند که اگر
ده وزیر هم محض خاطر سفارت انگلیس عزل بکنند و اگر روزی بیست دفعه
دست و پای غراف صاحب را ببوسند و اگر سفرای خارجه بحدی تنگ بگیرند
که در منازل خود محبوس باشند و اگر مامورین ما ارشدت عرضه گفتگوی
دولتی رنجش بکنند و اگر افواج ما در علم نظریه بیش مثل فرنگیها ماهر شوند
باز لشکر روس بطور دلخواه خود از خاک ایران خواهد گذشت و باز

باز

باز پولیتیک انگلیس در صدد این خواهد بود که دولت ایران را مثل دول هند
مسخر دوستی خود بداند با پولیتیک طول و لوازم حفظ بکند دولت را این
مزخرفات است که تا امروز اولیای این دولت را ضایع کرده اند

از غرایب خیالات اولیای این دولت یکی هم این است که متصل میگویند فلان دولت
حق ندارد دولت ایران حق دارد ای مرد عزیز ای طفل پنجاه ساله حق یعنی چه انصاف
چه چیز است پولیتیک دول چه دخلی بحق دارد مگر دولت انگلیس دولت مملکت هند را
بحق گرفته است مگر گرجستان حق موروثی روس بود حق دول در اقتضای
پولیتیک و در دهنه توپ است هنگام لشکرکشی شاه مرحوم بهرات دو نفر از
سفرای معتبر انگلیس در نوشتجات رسمی خود اعتراف کرده اند که دولت ایران در جنگ
هرات محق است خود پس از بیان تقصیرات هراتی در کاغذ دولتی
مینویسد باعتقاد من جای شک نیست که شاه جنگ هرات را موافق
حق میکند و اگرچه هرگاه دولت ایران هرات را بگیرد دیپلمای بزرگی خواهد
بود اما ما نباید تعجب بکنیم از اینکه شاه بدون ملاحظه اظهارات ما موافق

حقی که دارد



حقی که دارد بدشمن خود بجنگد سفیر یک با یک دولتی منازعه داشته باشد
ممکن نیست که در نوشتجات دولتی حق مدعی خود را بهتر از این تصدیق بکند
با وصف این انگلیسها شاه مرحوم را مجبور کردند که از هرات برگردد
در حین جنگ انگلیسها در افغانستان امیران سند بقدری که توانستند
با انگلیسها موافقت و امداد کردند پس از شکست انگلیس در افغانستان
وزرای لندن مصلحت را در این دیدند که در نظر اهل هند شکست افغان را
بیک فتح نمایان تلافی کنند اسباب تلافی را هیچ باسانی فتح سند ندیدند
بنابراین بدون هیچ دلیل بدون هیچ بهانه در حالتیکه کمال رضایت
واقفان را از امیران سند داشتند کل ممالک ایشان را بلا تامل تصرف نمودند

یکی از سفرای انگلیس که دخیل این امر بود که از پولیتیک انگلیس محسوب میشود میگوید
من گفته ام و همیشه هم خواهم گفت در هر جا و هر موقع در پیش هر کس که تصرف
سند یکی از کارهای شنیع و قبیح است که تاریخ ملت ما را در هند ملوث
کرده اند است هیچ دلیل و هیچ بهانه نمیتوانند گفت که از این حرکت

ابراز

بر غیرت و درستقولی ما ظاهر شده است رفع نماید و چون هیچ ذیحیاتی
بهتر از من اطلاع ندارد از آن تدابیر که جهت غصب این ملک بکار برده اند
لهذا حق دارم که اعتقاد خود را در این باب بیان کنم

خلاصه مطالب معروضه این است دولت انگلیس یا باید تمام شود یا باید هند را
حفظ نماید دولت روس یا باید هند را بگیرد یا تمام شود اینک دو دولت بجهت
اجرای مقصود خود نه از استعمال زور نه از نقض عهد نه ظلم بین نه از اتلاف طوایف
نه از انهدام دول و نه از هیچ نوع تدبیر لازم گریزان نخواهند بود

دولت انگلیس یا باید دولت ایران را پیش دیگر روس براند یا باید دولت ایران را
قبل از سفر هند منهدم بسازد دوستی روس عداوت انگلیس را لازم دارد
بجهة تحصیل دوستی انگلیس عداوت روس را باید مهیا شد
حال تکلیف دولت ایران چیست تعیین این تکلیف موقوف بحل مسائل دول است
استیلای روس در سمت سند صلاح ایران است یا نیست خود دولت ایران
طالب گرفتن هند باشد یا نباشد نتایج عداوت دولتین نسبت بایران
چه خواهد بود جواب این مسائل از آفتاب روشن تر است استیلای

مثل دول هند دوست مخصوص خود قرار بدهد
دولت روس یا باید ایران را پیش جنگ سفر هند
قرار بدهد یا باید دولت ایران را

دولی

روس در ممالک هندالحاله منجر بانعدام دولت ایران خواهد شد استقرار
دولت انگلیس در هند بلاشک صلاح دولت ایرانست هرگاه انگلیسها تمام هندرا
تسلیم دولت ایران بکنند قبول آن از جانب ایران بلاشک خبط مهلک خواهد بود
درباب عداوت دولتین نسبت بایران بیان مختصری لازم داریم از جانب روس
و انگلیس نسبت بایران هم احتمال ضرر میرود هم احتمال فایده هرگاه ایران دولت
مقتدر بود بنیان پولتیک ما نسبت بدولتین علیحده میبایستی بر مراتب دوستی
ایشان باشد اما حال باقتضای ضعف دولت ایران لابد هستیم که پولتیک خودرا
بر مراتب خصومت ایشان قرار بدهیم در خصومت هریک از دولتین نسبت بایران
دو حالت متصورست ایا دولت ایران تنهاست یا بدولت دیگر موافقت
دارد هرگاه دولت ایران تنهاست نتیجهای ضرر خصومت انگلیس غصب بنادر
فارس است و هرگاه دولت ایران باروس موافقت دارد نتیجهای ضرر
خصومت انگلیس هیچ است از طرف دیگر هرگاه دولت ایران تنهاست
نتیجه خصومت روس انهدام فوری است و در این مسئله بعضی از وزرای
ایران منکر این حقیقت هستند خود انگلیسها در این باب مصدق قرار بدهیم
از پالمرستون تا طامسون کوچک از هر انگلیس بپرسند فی الفور اقرار

ازنو

خواهد کرد که اعانت انگلیس در هیچ صورت نمی تواند دولت ایران را از چنگ
روس خلاص کند این مطلب بحدی آشکار است که نمیتوان تصور کرد که برای کسی
محل تشکیک باشد فرض میکنیم که دولت انگلیس بدولت ایران صد کرور پول
بدهد و صد هزار نفر سرباز اولا این فرض امر محال است ثانیا دولت روس
عوض صد کرور تومان صد هزار سرباز انگلیس چهارصد کرور تومان و هفتصد
هزار سرباز به سرحدات ایران خواهد آورد اما فرق اقتدار روس و ایران
بحدی آشکار است که تحقیق این مطلب مثل تحقیق بدیهیات خود سفاهت میدانم
یک وزیر انگلیس میگوید دولت ایران بواسطه مجاوری روس نمی تواند
با دولت انگلیس موافقت باطنی داشته باشد بنابراین پولتیک ما نباید دولت
ایران را لشکر محافظت هند بداند ایران لامحاله اول صف آن اردو خواهد بود
که باید بر هند حمله نماید
انگلیسها باکمال تاسف میدانند که اقتدار روس موافقت ایران را با انگلیس محال ساخته
است هرگاه این موافقت را ممکن میدانستند هر طوری بود تا بحال حاصل کرده
بودند اشکال عمده پولتیک انگلیس نسبت بایران همین نکته است هرگاه دولت



را تنها بگذارد بحکم وجوب اسباب روس خواهد شد هرگاه بخواهد دولت ایران را
تصاحب نماید دولت روس بیک ضرب واحد خیال انگلیس را باطل خواهد کرد
بقای دولت ایران بسته بآن اطمینانیست که دولت روس از اقتدار خود
نسبت بایران دارد دولت روس هر وقت بخواهد در نهایت سهولت
دولت ایران را اسباب پولتیک خود خواهد ساخت هر قدر این سهولت در
نظر دولت روس کمتر بشود خطر دولت ایران زیاد خواهد شد اولیای
دولت انگلیس بر این حالت ایران کاملا واقف هستند و در باطن بهتر از همه کس
میدانند که توسل باسباب خارجه حاصلی نخواهد داشت مگر تعجیل قصد روس
بعضی از وزرای ما از این نکته بزرگ غافل مانده اند و من در این اوقات
از برای دولت ایران بزرگتر از این خطری نمی بینم مخالفت ایران نسبت بروس
دو تکلیف جبری خواهد آورد یا این است که باید دولت روس جمیع آرزوها
و امیدها و کوششهای دویست ساله خود را باطل نماید و از راهی که آمده
برگردد یا اینست که باید بجهت پیشرفت مقصود خود اول دولت ایران را
خراب نماید برگشتن روس بنظر محال میآید پس دولت ایران چکند

اما

هرگاه باروس موافقت نماید خود را پیش از وقت تسلیم روس کرده است
هرگاه با انگلیس موافقت نماید فارس را بدون هیچ فایده بانگلیس داده
و بدتر از همه دولت روس را بر خرابی ایران مجبور ساخته است خلاصه
اوضاع هر سمت را که ملاحظه میکنیم اسباب انهدام خود را فراهم خواهیم دید
برای است بگردیم دشمن قاهر بچپ بگردیم انهدام فوری تملق بکنیم بجاهل
تشخص بفروشیم بی ثمر استنادگی بکنیم تمام تسلیم بشویم تمام تر هیچ دولتی
در روی زمین مثل دولت ایران در خطر نیست با وصف این اولیای دولت
ایران بنوعی آسوده نشسته اند و در امورات دیوان چنان بتفنن حرکت میکنند
که اگر کسی از خارج حالت ایشان را ملاحظه بکند خیال خواهد کرد که ایشان
مهمانهای معزز هستند که بعروسی دولتی دعوت شده اند مورخین ایران
بموقعی تعجب و گریه خواهند کرد که وزرای این ملک در میان چنین خطرهای
بزرگ و در حالت نزع ملت ایران تنظیم دولت را از تغییر ترکیب چادر
شروع میکردند و تحمیل وزارت را موقوف بتقلید مزخرفات ایام
بربری میدانستند هزار حیف و صد هزار افسوس که هر قدر بگویم نخواهم

قوانت اولیای دولت ما را از عظمت خطرات آن ملتفت بسازم هرگاه آنچه
من میدانم ایشان هم میدانستند آنوقت معاینه میدیدند که دولت ایران
مثل یک گندمی است که میان دو سنگ آسیا افتاده باشد بلی الان
سنگهای مزبور حرکت ندارند اما هرگاه خارج آسیا را ملاحظه بکنیم و جشت
خواهیم کرد که گردش سنگها موقوف بچه نکتهٔ باریک بود و دقیقهٔ گردش
چه قدر نزدیک شده است پس امروز پولتیک ایران چه باشد من در اول
کتابچه همین قدر وعده کرده بودم که در عالم پولتیک نقشهٔ اطراف ایران را مختصراً
تصویر نمایم اگرچه وعدهٔ خود را نتوانستم بطور منظور انجام بیاورم اما از همین
طرح ناقص نیز میتوان فهمید که کشتی دولت ایران بکجا رسیده و در اطراف خود
چه نوع خطرها دارد حال تعیین مقصد کشتی و اختیار راه نجات با خود ناخدایان
کشتی است هرگاه بنده از عقلای معتبر این دولت بودم یعنی اگر با
بچهٔ آن نوکر گرسنه راه میرفتم و اگر چند راس یابوی مفلوک در پیش
روی من یدک میکشیدند و اگر سالی بیست هزار تومان پول دولت
را میخوردم و اگر از جمیع علومی که لازمهٔ تربیت است بکلی عاری بودم و اگر اجداد

من با چند دزد دیگر ولایات ایران را نوبت بنوبت باسم حکومت غارت
کرده بودند و اگر از هزاران بیچاره شخص تشخص را بسته بجم و اگر عمارات مردم تبریز را
سند علو خیالات خود قرار داده بودم آنوقت مطمئناً این نوع اعتبارات
عرض میکردم دولت ایران دو قسم پولتیک دارد یکی کوچک
ضعیف محقر رقی بی مال و بی معنی و یکی دیگر بزرگ عالی که شأن با معنی و قابل
هر نوع ترقی

پولتیک کوچک این است دولت ایران بدون تأمل و بدون تکلف با دولت روس
موافقت نماید و کمال استحکام را داشته باشد که بهیچ وجه بهانه بدست روس
ندهد و بقای خود را با نجابت و ترحم آن دولت بگذارد پولتیک
بزرگ را بعد بشنوید هم زیرا که بجهت یافتن این پولتیک بسیار
زحمت کشیده‌ام و با اعتقاد خودم طرح نجات ایران را پیدا کرده‌ام
ولیکن چون یقین دارم هر بواسطهٔ عدم اعتبارات مذکوره طرح من محل اعتنای
اولیای این دولت نخواهد شد با همه جهت منتظر خواهم شد تا انشاءالله بواسطهٔ
تحصیل اعتبارات مشخص طرح بنده در نظر اولیای دولت قابلیت ظهور

بهم رساند



بهم رساند ولی میترسم پولتیک دول خصوص کفایت بعضی از وزرای ما مرا
مهلت ندهند و آخر الامر مجبور بشوم که طرح خود را در آرزوی اعتبارات مذکوره دفن
کنم حرره فی شهر جمادی الاخری ۳۶ سنه

هو

کتابچهٔ غیبی در تنظیمات ایران از تصنیفات جناب میرزا ملکم خان ناظم الدوله وزیر مختار ایران در انگلیس

بسم الله الرحمن الرحیم

[illegible]

[illegible]



[illegible]

[illegible]

ـیت نقشش هم سرا بر نخواهد بود مدت قرنها روس را همیشه مشغول نگاه داشت
روش پولیتیکهای تازه را خاطر انگلیس تغییر نخواهد یافت از دریای فارس تا زمزمان دولت افغانستان
امید هرار مرحمی دارند و اگر بر ... سکوت این مدعیه بچه جای نیکی رسید و یقین این طرزها
نشت هنوز از وزرا نصیب و شاه ... تا بر هیچ نفر از وزرا همینه بر کشتی حرکت ملی مردم
و ... از او ... را او منع گذشته تا زدن از او منع حالیه غافل ساخته است خیط
کاسه ادارت میرزا آقا خان این بود عهد خاقان مغفور را میرا آیین مملکتداری ساخت
متصل عمال ... را شاه میاورد و معلوم آن عهدکنند ... عهدنامه قرار صد ادا آن ...
از واقع عهد خاقان مغفور سالی قبل از این نیم است غافل از این بود از آن عهد تا امروز
پانصد سال گذشته است نقشه امیتازرا در پیش خود ... و تاریخ این عهد گذشته را بار
وه جینیدان سیل امیر را از حلکه و لطف بود و روباران را آه افتاده درست کشف
تا شید و به جینیدان امیر سیل از او اول موس شعر در اول است چه قدر بزرگ شده
... شهرها را خراب کرده و چه ... تنها غرق نخوردیس از کشف ... که توان ... جاوار
از عقاید عوام ... الاثر کشیده و از آن خبری در جه ... این ... سیل را از طرف
تبریز و استرآباد دریاچه و از طرف دیگر داخل هرات و سیستان شده ... معین شد بعد ... شد
و از عمر این دولت چند دقیقه باقی مانده است در زمان ایران قدمت تاریخ ایران را

سر جمیع ملاها میرسند هرچه فریاد میکنیم نمیدانند رسید میگویند ... هزار سال است همین طور
بجانیم و بعد از آن هم خواهیم بود سرکار وزیر ... که تا در همیشه انتظار دولت خوب ... حکمت ... آن وقت
کس هیچ راه را در ده ساعت طی میکند آن وقت به نظام دولت را تو در همین ... آن ...
آن ایام ... گذشته حالا در سه هزار وزیر ... ایران ... همین ... دعوی است به ...
مبهم ... حالا در معنی ... از ... الفاظ عربیه ... از ... اعداد ...
خبر که لازم داریم علم است و بصیرت هزار ... حفظ داشته باشید ده هزار ... کتاب را از
نامیه ... امید ... دولت ... از اول ... است و ... قدر ... دولت ...
... ولایت ... به طور ... که ... دارد ... ولایت را ...
مردم را ... ملکی را ... الفاظ ... است ...
... راه ... ولایت کدام است ... الفاظ ... مفهوم ...
عقیده ... وزرات ... ایام ... میرزا آقا خان ... علاوه ...
... میرزا آقا خان ... هزار ...
... دولت ... سیستان ... ایران ... خراب ...
... دولت ... راه میرسد ... خبر ...
... در ... ممکن ... هیچ فرق ندارند شده ...



هرسال با لمایت ما ... را قرآن ... در ... کفت ... در ایام انوشیروان
انجمن ... در ایام انوشیروان ... انگلیس ... حالا ... انگلیس در ...
حوض نشینند و ... بر ... مملکت ... در ... معنی ... را از ...
مطیع و مملوک میکنند ... اکثر عقاید ... ملل ... در ... عقیده ... را ...
فقط ... حرکت کنیم ... ترقی ... ملل ... ایام ... علم ...
هرگاه ... صنایع ... چهار هزار سال قبل ... دانسته ...
عقیده ... در درجه استماع علوم ... عقل ... ان
حیران است ... هزار ... آدم ... جمع ... سال ...
... جرات ... نقطه ... عقل ...
... در علوم ... که داریم ... ایم ... از ...
... درجه ترقی ... صنایع ... ترقی ایشان در
این ... است ... ایران ... آن ... است در
این نوع ترقی ... انسان ... علم ... مملکت ...
کارخانه ... هر نوع است ... ساخته اند و نوع دیگر را
هر نوع انسان ترتیب داده اند مثلاً از چوب و آهن ... کارخانه ساخته آنها را از طرف ...

و از طرف دیگر ... است ... همچنین ... نوع ... کارخانه ساخته ...
طرف اطفال ... و از سمت دیگر ... حکما ... مخصوص ...
حالات ... موجودات ... در ... مثل ساعت ... و ...
این نوع کارخانجات ... مجلس ... داریم ... کارخانجات ...
... لازم ... هیچ ... الآن ... کارخانه است ... حاضر ...
... ایران ... کارخانه ...
... میان ... هیچ ... کارخانه ...
پول ... صد ... پول ... کارخانه ...
و خرج ... کارخانجات ... صد ... بیشتر
... کارخانجات ... اختراعات صنایع ...
... صنایع ... کارخانجات ...
... حکمای ... مثلاً ...
... کارخانه ... مال ... انگلیس ...
و حکمای ... کارخانجات ...
ایران لازم داریم این کارخانجات ... مثل کارخانه ... کارخانه

کارخانهٔ عدالت کارخانهٔ علم کارخانهٔ امنیت کارخانهٔ نقشه و غیره و غیره هرگاه بگوئیم ما اینها را
داریم سهو عظیمی خواهیم کرد و اگر بگوئیم باید خودمان بنشینیم و این نوع کارخانجات را اختراع کنیم مثل این خواهد بود که بخواهیم
از پیش خود علم تلگراف را در فرنگ در میان این کارخانجات یک کارخانه دارند که در مرکز
دولت واقع شده است و محرک جمیع کارخانجات است این دستگاه را دستگاه
دیوان می‌نامند هرکس بخواهد بفهمد عقل بنی نوع انسان قابل چه ترقیات است باید این دستگاه دیوان را تحقیق کند
نظم و آسایش ممالک و بزرگی و جمیع ترقیات اروپا از حسن ترتیب این دستگاه است که [illegible]
مرضی این دستگاه منظم علی العجاله از اول فرنگ بردوشته شود [illegible] تمام ممالک را به صورت خودشان
خواهد افتاد و صنع و ایجاد این دستگاه حیرت انگیز حاصل سایر عقلای بشر [illegible] در ایران [illegible] اجمال
در اختراعات صنایع هر قدر از عقل فرنگ عقب افتاده‌ایم از این فن ترتیب دستگاه دیوان صد درجه
بیشتر عقب مانده‌ایم زیرا که در این فن سه هزار سال در عوالم صنایع مجهول مانده‌ایم چنانچه خوب می‌توان
ثبت و تعلیق داریم ولی در علم ترتیب دستگاه دیوان هنوز ترقی نکرده‌ایم چنانچه هنوز [illegible] را از
هر طور می‌توانیم تحقیق کنیم امروز هم معانی طرز حکومت و تعیین وظایف و ترتیب [illegible]
عمده اعمال دیوان دستور دولتی سه هزار سال قبل ایران [illegible] است

بنابراین ملاحظات بهای ایران موقوف به این نکته واحد است و آن این است که ما اولیای دولت ایران
در فهم و اعتراف باین که دستگاه دیوان در ایران سه هزار سال عقب مانده است و حالا باید [illegible]

سه هزار سال چنین دستگاهی اختراع کنیم از نقش آن یا دستگاه دیوان بیش از کشتی صد ذرع ما
با دور قهاری ریگستان هر روز ... این حقیقت باشد فرا دور ... جان کرده‌ایم پس هرگاه
انتظام ایران موقوف به نظم دستگاه دیوان است و هرگاه قبول داریم که دستگاه دیوان در ایران سه هزار سال
عقب مانده پس لابد به هر طریق است را در ترتیب دستگاه دیوان به شدید رأی بگیرید قبول اصول آن دیوان
صحیح و کتاب جمعه را از دولت فرنگیه و لکن [illegible] بگوئید ما ایران ... برداریم
را چگونه می‌توان رفع کنیم ... جهال عالم ... سرکار ... ایران را
می‌توان به قدر سه هزار سال ترقی داد ... را نمایش گرفته‌اند اگر نمی‌خواهید راه ترقی را
بیشتر چیزی بیاموزید ... دیگر تا منتظر باشیم راه خودتان را ... اصول نظم فرنگیها را ... مثل اهل طهران ... را نجات [illegible]
نیز می‌توان ... ایشان را ... بی‌معطلی در ایران برقرار ساخت دلیل خیالات ما
عرض کنم ... هرگاه که خود ... نظم را ... اختراع نمائید ... خواهد بود
هرگاه بخواهید علم ... از پیش خود پیدا نمائید ... آن فضول ... می‌رسد ... خود را
از دولت بدهیم ... هرچه ... لازم ... عقل
است و ... احتیاج ... ایران ... است ...
که ... داریم ... و ... مجتهدین ... از ... اینها ...



نمیدانیم ... که ما ... میدانیم ... فرنگ ... عقل ... ما ... دراز
توارث ... ایران ... غیرت ... سرکار ... جز
کهنه شده است ... مجتهدین ... متهم ... الان در ایران ... نظم ... بهم
میان مجتهدین ... شریعت ... اسلام ... هرگاه ... از
... دیوان ... حکم ... مجتهد ... چه ... خواهد داشت ...
به منافات شریعت دارد ... مثل ... آن ... ایشان
... دستگاه دیوان ... در ایران ... ترتیب دولتی ...
اوضاع ... ایران ... تنظیم دستگاه دیوان
... عمده اول ... اصطلاحات ... تمدن ... ایران
معروف است بیان کنیم آن دستگاهی که در میان ... مستقل ... را
از حکومت میگویند در هر قومی ... حکومت است
جز ترکیب مختلف دارد هرگاه ... در دست یک نفر آدم باشد ...
حکومت ... آن حکومت را سلطنت میگویند ...
... مختلف ... ترکیب آن حکومت ...
... از حکومت ... طایفه باشد ...



طائفه ... آن حکم را قانون میگویند حکومت ... اختیار وضع قانون
و دیگر اختیار اجرای قانون سلطنت ... ترکیب دارد ... اختیار وضع قانون ... اجرای
اجرای قانون در دست پادشاه است ترکیب این حکومت را سلطنت مطلق میگویند مثل ... روس
و عثمانی و در حکومتی ... اجرای قانون با پادشاه و وضع قانون ... ترکیب این حکومت را سلطنت معتدل
میگویند مثل ... نظم ... حکومت ... اختیارات ...
معظم ... اوضاع سلطنتهای معتدل ... اسلامیان ... اسلام است
تحقیق اوضاع سلطنتهای مطلق است سلطنتهای مطلق ... روس ... عثمانی ... پادشاه
... حکومت ... نظم دولت ... اختیار
مخلوط هم استعمال میکنند ... روس ... اختیار ... وضع قانون
کنند ... قانون ... اختیار ... که دارند در سلطنتهای مطلق غیر منظم ...
... استعمال میکنند در ... اختیار ... سلطان
مسلط ... در سلطنت مطلق ... اختیار ... پادشاه ... دستگاه ... است
منظم ... ولیکن این فقره واضح است زیرا که در ... حفظ ... اجرا
اراده ... دیگر ... اجرای اراده ... حکم میکند ... از فلان ولایت ...
صد هزار تومان گرفته شود ... مالیات ... آن ...

از روی قاعده بگیرند لازم است مراد از قاعده را مشخص کنند پس این حکم پادشاه در اعمال عمومی لازم دارد [illegible]

یا گرفتن مالیات یا تعیین قاعده گرفتن مالیات هرگاه این اعمال را پادشاه بعهده [illegible] شخص بکند مثل این است که [illegible]

بر همین است مرا این شخص مالیات را خواهند گرفت لا بهر طریق مناسب صلاح شخص خود بدانند و مثل این است اگر بواسطه

تعیین قواعد مناسب اختیار عمل خود را از دست بدهند ولیکن پادشاه چند نفر را مأمور کند که از برای قاعده تحصیل مالیات

را معین کنند و بعد موافق همان قاعده چند نفر دیگر را مأمور تحصیل مالیات نماید آنوقت در این صورت قاعده

بواسطه عدم منفعت شخصی خود کفایت مأمورین تحصیل مالیات را بنوعی معین خواهد کرد که مردم از تعدی محفوظ

و در آن تقدیر همگان منتظم باشد و نیز بتصور بفرمائید که یک سردار را با چهار هزار نفر آدم مأمور

یک ولایت بکنند هرگاه این سپاه هزار نفر آدم محکوم هیچ قاعده نباشند معلوم است که حالت

لشکر به جز انهدام [illegible] و وضع قانون موقوف بمیل سردار باشد مثل این است که هیچ قاعده نباشد

ولیکن هرگاه تکالیف سردار مرقوم و شرایط ترتیب عمل را چند نفر از خارج معین نمایند

آن وقت لشکر منتظم خواهد بود بنا براین قاعده کلیه ممکن نیست که در [illegible] کمال عمل حقوق قاعده

وضع [illegible] مثلا در هیچ حالت دیده نشده است که وزرای امور خارجه بیایند و بگویند ما از این بعد خود را

در عمل وزارت محکوم فلان قاعده خواهیم داشت و بعد از آن هرگز دیده نخواهد شد [illegible] میل

خود حقوق ترتیب [illegible] را معین نماید در ممالک [illegible] همیشه عمل [illegible] حکم و عمل تعیین قاعده

[illegible] بین [illegible] در این صفحات [illegible] دیده نشده است [illegible]

[illegible]

پادشاه را مجری داشته‌اند موافق هر قاعده [illegible] خواسته‌اند و بواسطه جمع این [illegible] عمل [illegible]

نظم دستگاه حکومت بجهت [illegible] اوقات سلاطین را مطیع اراده [illegible] ساخته‌اند [illegible]

مطلق مثل امپراطور روس [illegible] بواسطه تفریق این [illegible] عمل حکومت چنان [illegible]

[illegible] اراده [illegible] نقطه [illegible] مجری [illegible] وزرای [illegible] تعظیم [illegible]

[illegible] وزرا [illegible] بجهة حصول این مقصود [illegible] دستگاه [illegible] ترتیب داده‌اند [illegible] دستگاه [illegible]

تنظیم شرح اراده پادشاهی و تعیین شرایط اجرای آن بر عهده دستگاه تنظیم است و اجرای اراده [illegible]

موافق شرط معین [illegible] دستگاه اجرا است مثلا هرگاه پادشاه بخواهد [illegible] فوج سرباز [illegible]

[illegible] تنظیم [illegible] شخص [illegible] فوج [illegible] موافق [illegible] شرایط [illegible]

هرگاه قرار و شروط دستگاه تنظیم [illegible] را پادشاه [illegible] آنوقت قرار [illegible] دستگاه اجرا [illegible]

شروط معین مجری میدارد دستگاه اجرا [illegible] عبارت است از مجلس وزرا [illegible] اجرای [illegible]

[illegible] موافق شرایط دستگاه تنظیم هیچ وزیری [illegible] اراده پادشاهی و شروط اجرای [illegible]

مثلا هرگاه [illegible] اراده پادشاهی در دستگاه تنظیم معین کرده‌اند [illegible] مالیات فلان [illegible]

فلان شرایط گرفته شود وزیر مالیات باید [illegible] نقطه [illegible] شرایط مرقوم [illegible]

[illegible] پادشاه [illegible] بحکم [illegible] اراده [illegible] شرایط مرقوم [illegible]

تنظیم [illegible] هرگاه پادشاه [illegible] شرایط [illegible] وزیر مالیات [illegible] شرایط [illegible]



مجری دارد یا آنکه از وزارت خود استعفا نماید بواسطه ترتیب این دو دستگاه [illegible]

[illegible] وزرا [illegible] تکالیف [illegible] دستگاه [illegible]

[illegible] دستگاه [illegible] تکالیف [illegible] معین [illegible] در ایران [illegible]

[illegible] بعد از عزل میرزا آقاخان دستگاه اجرا [illegible] این دستگاه جدید [illegible]

هیچ [illegible] ظاهر نشده است [illegible]

[illegible] مجلس وزرا [illegible] واضح است [illegible] مجلس [illegible]

هر کس [illegible] مجلس وزرا [illegible]

مجلس [illegible] عمل اجرا و عمل تنظیم را با هم مخلوط کرده‌اند [illegible] هرگاه [illegible]

نفر وزیر [illegible] الان تکالیف [illegible]

وزرا معین نیست [illegible] حکم پادشاه را [illegible] مجری [illegible]

[illegible] امور [illegible] اینکه [illegible] امور باید قوانین [illegible]

وضع [illegible] اولا [illegible] وضع قوانین [illegible] خواهد داشت [illegible]

[illegible] وضع قانون [illegible] کفایت [illegible]

هر قدر بیشتر باشد در رفع قوانین [illegible] قاعده وضع [illegible]

[illegible] میرزا آقاخان [illegible] رفع [illegible]

[illegible]

بقدر قوه دائره [illegible] است [illegible] هیچ ملل [illegible]

[illegible] دستگاه تنظیمات [illegible] امور [illegible]

نمی‌توانند جلوه [illegible] بوضع قوانین [illegible]

انتظام [illegible] مثلا هرگاه پادشاه حکم بکند که [illegible] خانه [illegible]

[illegible] وزیر [illegible] مالیات [illegible] حکم [illegible]

یا آنکه در [illegible] دستگاه تنظیمات نظم [illegible] خانه [illegible]

مشخص نماید و شروط نظم [illegible] بحکم پادشاهی بر عهده [illegible] آنوقت هر وزیری که [illegible]

عمل تعلق دارد یا باید حکم پادشاه را موافق شروط دستگاه تنظیمات [illegible] مجری بدارد

یا اینکه از منصب وزارت استعفا کند [illegible]

[illegible] مسلم است [illegible] تفریق دستگاه تنظیمات از دستگاه [illegible]

[illegible] هیچ پادشاه از [illegible] دستگاه تنظیمات [illegible]

[illegible] دستگاه تنظیمات [illegible] دستگاه

[illegible] پادشاه [illegible] وزرا [illegible]

[illegible] عدم کفایت

[illegible]

حقوق و کارها که شعبه نمی‌بود در تمام روی زمین منتشر کردیم بعد از این هر چه دولت ایران بگوید
بنا بر او رفتار کنند

حال عشرت و خلاف طبیعت ظاهر است بعد از این هم تاریخ روز بلکه موقع [illegible] اصلاح
وزارت است عیب مجلس وزرا آنچه بنده گفتم رفع شکایت وزرا آنچه آرد عیب در رفع عیوب
و مقصود از اینهمه تفصیل روز عیب [illegible] برهنه‌ام از این عیب و حمل [illegible] نبود
[illegible] است داخل شرح [illegible] خواب دیدم [illegible]
هیچ [illegible] تا از خواب بیدار شده بعد در فکر تحریر [illegible] مطالب فوق [illegible] در میان
چند نفر آدم بودم [illegible] رو به دارالخلافه می‌رفتیم یازده نفر بودیم و در دست هر یک [illegible]
دبیرالملک [illegible] مضمون [illegible] خواسته [illegible] مبارک [illegible] دیدیم [illegible]
رخت [illegible] [illegible] دقیقه [illegible]
رای [illegible] خواسته‌ایم [illegible] ایران [illegible] قرار [illegible]
اختیار [illegible] مستقیم [illegible] وزرات تعیین [illegible]
[illegible] ایران [illegible]
و بعزم تمام [illegible] در ایران [illegible]
مقرر میداریم [illegible] در ایران تنظیم جمع آید [illegible] مطلق

ما را شخص نباید هرگز [illegible] باشد [illegible] قانون [illegible] مجلس وزرا
مقرر [illegible] شما [illegible] تعلیم [illegible] و در انتخاب [illegible]
در توجه [illegible] و کفایت شما [illegible] [illegible] شدیم در [illegible]
تنظیم [illegible] آمدیم [illegible] مجلس قرار دادیم [illegible]
مجلس چنین گفت ای آقایان [illegible] ایران
مقرر شد [illegible] ایران [illegible]
[illegible] شما را [illegible] ایران [illegible]
[illegible] ایران [illegible]
[illegible] قرار داده [illegible]
[illegible] [illegible]
[illegible] [illegible]
[illegible] [illegible]
[illegible] [illegible]
[illegible] مجلس [illegible]
[illegible] مجلس [illegible]



از اینجا بیرون خواهند گفت [illegible] علوم و کفایت شما این مجلس [illegible]
[illegible] هیچ نقطه [illegible] دولت [illegible]
[illegible] اعضای مجلس تصدیق [illegible] بالاتفاق [illegible]
مقدمات نیز موافق این میزان حرکت [illegible] جمیع [illegible]
[illegible] قانون را [illegible] قانون [illegible]
[illegible]
موافق [illegible] قوانین [illegible]
[illegible] **قانون**
**اول** در ترکیب حکومت دولت ایران **فقره اول** ترکیب سلطنت [illegible] ایران [illegible]
مطلق است **فقره سیم** سلطان ایران شاهنشاه است **فقره چهارم** منصب [illegible]
در [illegible] مقرر است **فقره پنجم** اجرای حکومت ایران [illegible]
**فقره ششم** اختیار وضع قانون و اختیار اجرای قانون [illegible] است **فقره هفتم**
[illegible] مجلس [illegible] **فقره هشتم** اجرای قانون [illegible]
اداره امور حکومت [illegible] مجلس وزرا است **فقره نهم** وضع قوانین [illegible] مجلس تنظیمات است
**فقره دهم** [illegible] **قانون دویم** [illegible]

قانون

قانون **فقره اول** وضع قانون و اعتبار قانون موقوف هفت شرط است **شرط اول**
قانون باید [illegible] اراده شاهنشاهی [illegible] **شرط دویم** قانون باید در مجلس
تنظیمات باتفاق [illegible] اعضاء مجلس نوشته شده باشد **شرط سیم** قانون باید به مهر سلطنت ممهور
و بامضای [illegible] رسیده باشد **شرط چهارم** قانون باید [illegible] عبارت واضح نوشته شده باشد **شرط**
**پنجم** [illegible] قانون نوشته شده باشد **شرط ششم** قانون باید [illegible]
**شرط هفتم** قانون باید [illegible] اعلان شده باشد **شرط هشتم** [illegible]
هفت شرط [illegible] قانون نیست **فقره دویم** [illegible] **قانون سیم** در [illegible] ایران
در حق جمیع [illegible] ایران حکم [illegible] دارد **فقره اول** هیچ شغل [illegible] دولتی
[illegible] نیست **فقره دویم** [illegible] ایران [illegible] **فقره**
**سیم** [illegible] ایران [illegible] قانون **فقره چهارم** [illegible]
ایران [illegible] قانون **فقره پنجم** عقاید [illegible] ایران [illegible] **فقره**
**ششم** [illegible] **قانون چهارم** [illegible] مجلس تنظیمات
**فقره اول** مجلس تنظیمات [illegible]
[illegible] **فقره دویم** [illegible] مجلس تنظیمات [illegible]
**فقره سیم** [illegible] مجلس وزرا [illegible] مجلس تنظیمات [illegible] **فقره چهارم** جمیع [illegible]

باید در مجلس تنظیمات تعلق جمیع احکام مجلس نوشته شود فقره پنجم جمیع وزراء آزاد و عضو
در امور تجارت و به در امور مالیات و به کهنه [illegible] مملکت باید در مجلس تنظیمات تحقیق شود و با عمل
مجلس برسد فقره ششم حکم مجلس اعلاء [illegible] در آرد فقره هفتم موافقت اجرای قانون
بر عهده مجلس تنظیمات فقره هشتم تحقیق شکایات رعایا از عمال دیوان با مجلس تنظیمات
فقره نهم جمیع [illegible] مجلس [illegible] فقره دهم اعلیحضرت شاهنشاهی که به عنوان اعظم وزراء [illegible] مجلس
تنظیمات از میان [illegible] آن یک نفر را رئیس مجلس قرار خواهد داد فقره یازدهم لقب رئیس این
تنظیمات صدر المشوره خواهد بود فقره دوازدهم تعیین قواعد داخلی این قانون بر عهده مجلس تنظیمات
قانون پنجم در تقسیم اختیار اجرا فقره اول اعلیحضرت شاهنشاهی اختیار اجرا را در هشت وزارت
تقسیم خواهند فرمود اول وزارت عدالت دویم وزارت امور خارجه سیم وزارت امور
داخله چهارم وزارت جنگ پنجم وزارت علوم ششم وزارت تجارت و زراعت
هفتم وزارت مالیات هشتم وزارت دربار فقره دویم اداره هر یک از این
هشت وزارت محول به یک وزیر است فقره سیم ترتیب هر یک از وزارتخانه ها را در
یک قانون معین است قانون [illegible] در ترتیب مجلس وزرا و تکالیف کلیه ایشان فقره اول
مجلس وزرا مرکب است از وزیر عدالت اول وزیر امور خارجه دویم وزیر امور داخله
سیم وزیر جنگ چهارم وزیر علوم پنجم وزیر تجارت و عمارت ششم

ششم وزیر مالیات هفتم وزیر دربار فقره دویم رئیس مجلس وزرا اعلیحضرت اقدس
شاهنشاهی است فقره سیم اول تکلیفات وزرا اجرای قوانین است فقره چهارم وزرا [illegible]
از قانون بهیچ کاری نباید اقدام بکنند فقره پنجم کل وزرا با همدیگر متحد هستند فقره ششم هیچ
وزیری نمیتواند در کار وزیر دیگر مداخله نماید هفتم حدود تکالیف هر یک از وزرا که در این [illegible]
معروض خواهد شد فقره هشتم موجب هر یک از وزرا [illegible] خواهد بود فقره نهم
وزرا حق خواهند داشت هر قانونیکه لازم داشته باشند وضع آنرا از مجلس تنظیمات تکلیف نمایند
فقره دهم وزرا حق خواهند داشت هر که به نظام [illegible] قواعد مناسب اجرا [illegible]
وضع نمایند ولیکن موافق شرایطیکه در قانون هفتاد و نهم مقرر است فقره یازدهم هر وزیر
در صورت عجز خود در اجرای قانون [illegible] از وزارت خود استعفا نماید فقره ۱۲ وضع قواعد
انتظام در دائره مجلس وزرا بر عهده رئیس وزراست فقره ۱۳ [illegible] برای [illegible] ایران فقره
اول [illegible] فقره دویم هر وزیر که در امور [illegible] خلاف قانونی [illegible]
[illegible] فقره سیم در میان [illegible] هر کس [illegible]
فقره چهارم هر کس در مال دیوان [illegible] فقره پنجم تحقیق و حکم [illegible]
وزرا بر عهده مجلس تنظیمات است قانون [illegible] در اجتماع قوانین [illegible] فقره اول مجلس تنظیمات
در مدت [illegible] کل احکام شرعی و [illegible] متعلق به امور مملکت [illegible] جمع خواهد کرد [illegible]



شروط تقاوت [illegible] قوانین [illegible] خواهد بخت فقره دویم مجلس تنظیمات در مدت [illegible]
هر قانونیکه [illegible] تکمیل مجمع قوانین لازم است خواهد نوشت و [illegible] شروط قانون
[illegible] قوانین [illegible] خواهد [illegible] فقره چهارم مجلس تنظیمات در مدت [illegible] جمیع قوانین
را در پنج مجموعه تقسیم خواهد کرد و [illegible] قوانین هر یک از این پنج مجموعه را یک قانون نامه [illegible]
قرار خواهد داد چهارم تقسیم [illegible] قانون نامه اول [illegible] حقوق
دویم دیوان نامه سیم [illegible] چهارم نظام نامه پنجم اداره نامه فقره ۵ هر یک از این [illegible]
نامه منقسم خواهد بود بابواب و فصول و فقرات [illegible] هر یک باب و هر فصل [illegible]
[illegible] خواهد داشت [illegible] هر فقره [illegible] معین خواهد داشت فقره ۸ این پنج قانون نامه در [illegible]
[illegible] خواهد شد فقره نهم [illegible] حقوق [illegible] ایران [illegible] این پنج قانون نامه
خواهد شد قانون ۱۲ در بیان ترتیب وزارتخانه ها فقره اول [illegible]
جمیع عمال وزارتخانه [illegible] معین خواهد شد فقره دویم هیچ وزیری [illegible]
[illegible] وزارت خود [illegible] فقره
سیم فقره چهارم هیچ وزیری نمیتواند [illegible] فقره پنجم
در هر وزارتخانه [illegible] خواهد بود فقره ششم هر کس [illegible]
در دائره تعلیم [illegible] فقره هفتم [illegible] دائره قانون [illegible]

فقره ششم هر کس که [illegible] دائره تعلیم [illegible] داشته باشد [illegible]
کالج [illegible] حساب [illegible] جغرافیا [illegible] تاریخ [illegible] فقره نهم علوم فوق که [illegible]
جمیع وزارتخانه ها [illegible] وزارتخانه [illegible] علوم [illegible] علاوه خواهد شد فقره
دهم [illegible] درجات علوم [illegible] امتحان طلاب دائره تعلیم قانون [illegible] خواهد شد
فقره یازدهم هیچ [illegible] منصب [illegible] در [illegible] خدمت
[illegible] فقره ۱۲ [illegible] فقره ۱۳ [illegible] خواهد شد
[illegible] چهاردهم [illegible] پانزدهم
[illegible] شانزدهم
[illegible] قانون [illegible] قانون [illegible] قانون [illegible]
[illegible] قانون
بیست و چهارم در ترتیب وزارت امور خارجه فقره اول وزارت امور خارجه [illegible]
است دائره [illegible] دائره امور [illegible] دائره امور تجارت دائره [illegible]
[illegible] دفتر [illegible] دفتر [illegible] دفتر [illegible]
[illegible] وزارت فقره دویم [illegible] وزارت [illegible]

وزیر نایب ناظم منشی مترجم کاتب محرر تعلیم و باشی [illegible] و فراش **فقره چهارم**
رئیس هر اداره نایب است و رئیس هر دفتر ناظم **چهارم** کار اداره مخصوص وزارت
از این قرار است مکاتبه شخص وزیر امورات مخفیه وصول و ارسال نوشتجات
و ترتیب ملاقات و احضار ارباب رجوع وزیر [illegible] مطالب عمده به حضور
شاهنشاهی **پنجم** اجزای اداره مخصوص وزارت از این قرار است یک نایب [illegible]
مترجم [illegible] کاتب **ششم** کار اداره امور [illegible] از این قرار است نوشته جات
[illegible] عهدنامجات و قراردادها [illegible] [illegible] ترتیب امور
امور [illegible] **هفتم** اجزای اداره مخصوص امور [illegible] از این قرار است [illegible]
کاتب چهار محرر تعلیم **هشتم** کار اداره امور تجارت از این قرار است ترتیب امور
قونسولها [illegible] و اتباع آنها عهدنامجات و قراردادهای [illegible] مطالبات
تجارتخانه امور [illegible] در خارج [illegible] **نهم** اجزای اداره تجارت از این قرار است
یک نایب [illegible] کاتب سه محرر تعلیم **دهم** کار اداره ترجمه [illegible] از این قرار است
ترجمه [illegible] السنه خارجه [illegible] ترجمه [illegible] ترجمه مکالمات و ترجمه
خطوط [illegible] **یازدهم** ترتیب اجزای اداره ترجمه از این قرار است یک مترجم باشی
مترجم منشی چهار [illegible] کاتب پنج مترجم محرر **سیزدهم** کار دفتر ثبت و ضبط از این

قرار

ضبط و ترتیب اصول [illegible] جمیع مکاتبات وزارت تحصیل عهدنامجات و [illegible]
و سواد [illegible] ضبط قواعد و قرارها [illegible] [illegible] دول
از وزارت خارجه [illegible] دادن [illegible] مطابق اصول [illegible] **چهاردهم**
ترتیب اجزای دفتر ثبت از این قرار است یک ناظم و [illegible] کاتب سه محرر تعلیم **پانزدهم**
کار دفتر [illegible] و تشریفات از این قرار است نوشتن عهدنامجات [illegible]
قرارنامجات تصدیق [illegible] [illegible] شاهنشاهی [illegible] تشریفات و [illegible]
و حقوق [illegible] خارجه و تهیه ملاقات [illegible] **فقره ۱۶** ترتیب اجزای دفتر تشریفات از این قرار است
یک ناظم یک منشی [illegible] کاتب [illegible] **هفدهم** کار دفتر [illegible] از این قرار است [illegible]
مخارج سالیانه [illegible] [illegible] جمیع اجزای وزارت [illegible]
[illegible] جمیع اجزای وزارت مخارج [illegible] مخارج [illegible]
[illegible] **هیجدهم** اجزای دفتر [illegible] از این قرار است یک ناظم یک کاتب یک محرر **نوزدهم**
[illegible] وزارت [illegible] **بیستم** [illegible]
[illegible] **بیست و یکم**
مواجب [illegible] وزارت از این قرار است [illegible] [illegible]
[illegible] ناظم [illegible] منشی [illegible] کاتب [illegible] محرر تعلیم [illegible]



[illegible] مترجم [illegible] ایران [illegible] [illegible]
محرر مترجم [illegible] **فقره ۲۲** امور خارجه از اجزای وزارت امور خارجه
[illegible] **بیست و دویم** [illegible] وزارت [illegible] **بیست و سیم** اجزای این قانون
برعهده وزیر امور خارجه است **قانون ۲۶** در تقسیم ممالک ایران **فقره اول** کل ممالک ایران
[illegible] تقسیم خواهد شد **دویم** اسم هر یک از این [illegible] ولایت خواهد بود **سیم** هر ولایت
منقسم خواهد بود [illegible] **چهارم** هر ایالت منقسم خواهد بود [illegible] **پنجم**
هر ناحیه منقسم خواهد بود [illegible] **ششم** لقب رئیس اداره هر ولایت والی خواهد بود
**هفتم** لقب رئیس اداره هر ایالت [illegible] خواهد بود **هشتم** لقب رئیس اداره هر [illegible]
قائم مقام **نهم** لقب رئیس اداره [illegible] خواهد بود **دهم** عزل و نصب [illegible]
[illegible] شاهنشاهی خواهد بود **یازدهم** تعیین [illegible] تقسیمات ولایات [illegible]
[illegible] خواهد بود **سیزدهم** [illegible] ولایات [illegible] خواهد [illegible] قانون [illegible]
**چهاردهم** اجرای این قانون برعهده وزیر داخله است **قانون ۲۷** در ترتیب وزارت
داخله **فقره اول** وزارت امور داخله منقسم است به [illegible] اداره مخصوص وزارت
اداره [illegible] ولایات اداره ضبطیه اداره زراعت اداره [illegible] اداره [illegible] اداره
[illegible] اداره محاسبه [illegible] در ترتیب اداره ضبطیه **فقره اول** در [illegible] ایران [illegible] ضبطیه خواهد بود

اول

**دویم** این [illegible] ضبطیه تقسیم خواهد شد [illegible] **فقره سیم**
[illegible] ضبطیه [illegible] خواهد بود امیر ضبطیه [illegible] دارو [illegible]
**چهارم** هر دسته محکوم [illegible] درجه [illegible] خواهد بود **پنجم** در هر ایالت
یک کلانتر در هر ایالت [illegible] ضابط در هر ناحیه [illegible] در هر [illegible] کدخدا [illegible] خواهد بود
**ششم** [illegible] کلانتر ولایات محکوم امیر ضبطیه و امیر ضبطیه [illegible] وزارت داخله [illegible] اداره
ضبطیه [illegible] وزیر داخله خواهد بود **هفتم** [illegible] اداره ضبطیه [illegible] [illegible]
عدلیه [illegible] **هشتم** اجرای این قانون برعهده وزیر داخله **قانون سی و ششم**
در ترتیب دیوانخانها **فقره اول** در [illegible] ایران [illegible] دیوانخانه خواهد بود [illegible] دیوان [illegible]
[illegible] دیوان عدلیه [illegible] دیوان [illegible] در هر ولایت یک دیوان [illegible] خواهد بود **فقره دویم**
در هر ناحیه یک دیوان اصلاح خواهد بود **سیم** در [illegible] ایران [illegible] دیوان [illegible] خواهد بود [illegible]
دیوان [illegible] خواهد بود **چهارم** دیوان اصلاح مرکب است از [illegible] دیوان [illegible]
[illegible] **پنجم** دیوان عدلیه مرکب است از [illegible]
[illegible] **ششم** لقب رئیس دیوان عدلیه حاکم عدلیه خواهد بود **هفتم** دیوان [illegible]
مرکب است [illegible] رئیس [illegible] **هشتم**
لقب رئیس دیوان [illegible] دیوان خواهد بود **نهم** عزل و نصب [illegible] دیوان [illegible]

[illegible]

[illegible] دیوان [illegible] داده [illegible]
[illegible]
[illegible]

[illegible]

[illegible]

با حضرت پادشاهی دارد دهم اداره جمیع دوائر مهام ولایات بر عهده وزیر داخله است
قانون بیست و ششم در ترتیب وزارت عدلیه قانون بیست و هفتم در ترتیب وزارت عسکریه یا نظام فقره اول
در دولت ایران دو قسم لشکر خواهد بود لشکر حاضر لشکر قائم فقره دویم لشکر حاضر مرکب است
از چهل هزار نفر سرباز و هشت هزار سوار و هفت هزار توپچی و هفت هزار نفر ملاح حاضر برای
سواحل فقره سیم لشکر قائم مرکب است از دو گروه سپاهی فقره چهارم مدت سربازی لشکر حاضر
نه سال [illegible] نظام ایران [illegible] باب [illegible] سلطان [illegible]
فقره پنجم در دولت ایران [illegible] فقره ششم [illegible] حقوق
[illegible] لشکر [illegible] نظام نامه [illegible] فقره هشتم [illegible]
[illegible] لشکر ایران [illegible] نظام نامه [illegible] قانون بیست و هشتم در ترتیب وزارت
خارجه فقره اول وزارت خارجه مرکب است از دو اداره مخصوص وزارت دارالترجمه دایره
[illegible] دایره [illegible] دایره مهرداری دایره مهمات دایره محاسبه فقره دویم دایره مخصوص
وزارت دو شعبه دارد [illegible] وزارت و مسوده [illegible] وزارت
وضع قواعد [illegible] احکام [illegible] ترتیب [illegible] شعبه رئیس [illegible]
کار شعبه دویم [illegible] حرکات [illegible] اوضاع [illegible]
رئیس این شعبه [illegible] دایره [illegible] دفتر دارد دفتر تجربه دفتر [illegible]

[illegible] دفتر [illegible] موجب دفتر [illegible] دفتر [illegible] دفتر حمل و نقل
[illegible] دفتر [illegible] دفتر [illegible] فقره اول دایره [illegible] شعبه دارد
شعبه [illegible] شعبه محاسبات فقره دویم دایره [illegible] شعبه دارد شعبه [illegible] شعبه محاسبات فقره سیم
شعبه محاسبات فقره سیم دایره مهندسی [illegible] شعبه دارد شعبه [illegible] شعبه محاسبات
دایره مهمات چهار شعبه دارد شعبه [illegible] شعبه [illegible] شعبه [illegible] شعبه محاسبه
فقره چهارم دایره [illegible] دفتر دارد دفتر خزانه دفتر [illegible] دفتر [illegible] دفتر [illegible]
دفتر خارج متفرقه دفتر تفریق محاسبات فقره ششم اجرای این قانون بر عهده وزیر جنگ است
قانون بیست و نهم در ترتیب وزارت مالیات فقره اول وزارت مالیات مرکب است از دایره
مخصوص وزارت دایره تقسیم مالیات دستگاه [illegible] مالیات دایره [illegible] دایره [illegible]
دایره میزان دستگاه [illegible] فقره دویم دایره مخصوص وزارت مرکب است از دفتر محاسبات
وزارت دفتر [illegible] دفتر [illegible] دفتر [illegible] دفتر [illegible] فقره سیم دستگاه [illegible] مرکب است
از دایره ضراب خانه دایره گمرک دایره مالیات مستقیم دایره مالیات غیر مستقیم دایره
[illegible] دایره موقوفات دایره [illegible] دایره [illegible] فقره چهارم دایره خزانه [illegible] دفتر دارد
دفتر دخل دفتر خرج پنجم دستگاه [illegible] هیچ وجه مداخله در عمل مالیات ندارد کار
دستگاه [illegible] مقرر است ترتیب قواعد مالیه [illegible] قواعد [illegible]



[illegible]

ترتیب دستگاه [illegible] کارها [illegible] است و [illegible] این است [illegible] ایران [illegible]
[illegible] اوقات حضور [illegible] صرف تحقیق [illegible] این دستگاه [illegible] در حالتی [illegible]
[illegible] میتوان گفت [illegible] اوقات حضور [illegible] صرف [illegible]
[illegible] این [illegible] در این چهار صد کرور صد تومان [illegible] ایران [illegible]
[illegible] مالیات [illegible] دارد و [illegible] اوقات [illegible] وزرا [illegible] صرف [illegible]
[illegible] حساب [illegible] در اخذ مالیات
[illegible] شده است در ایران [illegible] وزرا مشغول این [illegible] مرکب
[illegible] است [illegible] دارد وزارت [illegible]
[illegible] وزرای [illegible] میکنند [illegible]
این است [illegible] کار [illegible] عمارت [illegible] ساخت [illegible]
[illegible] از دست [illegible] بیرون [illegible] معمار [illegible] هر گاه [illegible]
هیچ مضایقه ندارد [illegible] دست بگیرد [illegible]
از وزرای ایران [illegible] همین حالت را دارند [illegible] معماری [illegible] کنند
[illegible] معلوم [illegible] در وزارت مالیات [illegible] در وزارتخانه است
[illegible] ایران جمیع کارها [illegible] است [illegible]

[illegible]

قانون

قانون چهلم در اصول قوانین و قواعد مالیه فقره اول [illegible] مالیات [illegible] تقسیم
مالیات دستورالعمل جمیع ولایات [illegible] کلی مالیات را در میان [illegible] وزارت
تقسیم خواهند نمود [illegible] وزارت [illegible] مخارج وزارت [illegible]
خواهد داد [illegible] تقسیمات [illegible] مجلس تنظیمات خواهد آورد فقره دویم
مجلس تنظیمات تقسیمات مالیات [illegible] مخارج [illegible] تصحیح [illegible]
با امضای اعلیحضرت [illegible] خواهد [illegible] فقره سیم پس از [illegible] وزیر مالیات
دستورالعمل مالیات ولایات را [illegible] دایره [illegible] فقره چهارم [illegible]
[illegible] خواهد فقره پنجم [illegible] فقره [illegible]
[illegible] خواهد [illegible] هفتم [illegible] اعلیحضرت [illegible]
خواهد [illegible] فقره هشتم [illegible] قواعد [illegible] فقره
نهم [illegible] مالیات در ایران [illegible] خواهد فقره دهم
[illegible] وزارت [illegible] خواهد
یازدهم [illegible] دوازدهم [illegible]
[illegible] سیزدهم دایره [illegible] از
[illegible] وزارت [illegible] حواله [illegible]

خواهد کرد **فقره چهاردهم** خوانین از کتب صحت ... ده‌اند ... کار ... خواهد کرد **فقره پانزدهم**
هر کجا ... موافق کتابچه ... باید در ... **فقره شانزدهم** هرگاه
در ولایات ... در ... باید ... اعلام ...
... **فقره هفدهم** هیچ وزیری ... وزارت ... شرایط
کتابچه ... **فقره هیجدهم** در صورت ... موافق قانون ...
بحکم ... خواهد شد **فقره نوزدهم** دائره میزان ... وزارت
... در ... خواهد ...

**فقره بیستم** جمیع ... خواهد شد **باب بیستم**
... ایران ... **باب چهارم** اجرای این قانون
بعهده وزیر ... **قانون ...** ... تقسیم ... **فقره اول** در ممالک ایران ...
مدرسه خواهد بود مدارس ... مدارس ... **فقره دوم** ... در مدارس ...
تعلیم ... حساب و تاریخ جغرافی مقدمات
هندسه مقدمات طبیعی **فقره سیم** ... در مدارس ... تعلیم ...
علم ... علم منطق علم حکمت علوم ... علوم طبیعی علوم تاریخی ... خطوط ...
السنه **فقره چهارم** مدارس عالیه منقسم است ... مجمع علوم ادبیه مجمع علوم حقوق

[illegible]

مع

مجمع علوم عالیه مجمع علوم ... مجمع صنایع ... **فقره پنجم** در ضمن این ... مدارس
... مدارس ... مدارس ... مدارس ...
معادن مدارس ... مدارس صنایع **فقره ششم** در هر ناحیه ...
ترتیب ... خواهد بود **فقره هفتم** در هر ولایت ... خواهد بود **فقره هشتم** مدارس عالیه
در ... مدارس عالیه ... **فقره نهم**
... مدارس ... **فقره دهم** ...
**فقره یازدهم** مجلس تنظیمات قانونی وضع خواهد کرد ... مدارس هر ولایت ...
... **فقره دوازدهم** شرح ترتیب این مدارس ... قواعد ... بعهده وزیر
علوم است **فقره سیزدهم** اجرای این قانون بعهده وزیر علوم است **قانون ...** ... وزارت
... **قانون ...** ترتیب ... **فقره اول** در هر ولایت مجلس ادارات
خواهد بود **فقره دوم** مجلس ادارات مرکب از ... حکام ...
ولایت **فقره سیم** ... مجلس ادارات ...
... ولایت ...
ترتیب ... **قانون ...** ... مجلس ادارات ...
**فقره چهارم** مجلس ادارات اختیار دارد ... مجلس تنظیمات ...

[illegible]



شهری ... **فقره هفتم** ... مجلس ادارات ...
**فقره هشتم** مجلس ادارات ... خواهد شد **فقره نهم** اجرای مجلس ادارات ...
مخصوص ... **فقره دهم** این قانون بعهده وزیر داخله است **قانون ...**
... ایران **فقره اول** ...
... ایران ... **فقره دوم** این ...
باید ... **سیم** این ...
... خواهند ... **چهارم** ...
... **پنجم**
... باید ... ایران ...
ایران ... **ششم** ...
... **فقره هفتم** طرح ... این قانون بعهده وزیر عمارت است **قانون ...**
ترتیب ... ایران **فقره اول** ... ایران ... **فقره دوم**
در دست ... **فقره سیم** اجرای این قانون بعهده وزیر ...
است **قانون ...** ... **فقره اول** ... دیوان ...
... **فقره دوم** ... قانون ...

**فقره نهم** ... اجرای این قانون ...

قانون

[illegible]

**فقره اول** ... **فقره دوم** ...
... **فقره سیم** اجرای این قانون بعهده وزیر ...
**قانون ...** ترتیب ... **فقره اول** ...
... ترتیب ... **چهارم** ...
**فقره سیم** ... **چهارم** ...
... **فقره پنجم** ...
... **فقره ششم** ...
**فقره هفتم** ...
... **فقره هشتم** اجرای این قانون بعهده وزیر تجارت است **غیر از قوانین مرقومه**
**قانونهای ... وضع شده ...**
این صد و هشتاد قانون را ...
قانون ...
... اجرای این قانون بعهده ...
خیال ... قانون ... مجلس تنظیمات ...
قوانین ...

[illegible]

حالا هم هرج و مرج و اشتباه کاری گذشته است علاوه براین اعلیحضرت شاهنشاهی یک تدبیری کنند

[illegible]

[illegible]



بسم الله الرحمن الرحیم

[illegible]

[illegible]

تمام علم را دخت مشاهده که معلم جغرافیا میگوید فلان شهر در ازفلان درجه ارض واقع است
با این حرف احمقانه قال معلم قرآن را دیا علم جغرافیا را از علم ریاضی و کرم ابتدا که این مطالب
سخن هم بیان نمایم همان مقالات مسئله جغرافیا را در نه با علامه علم احمقانه قال القال گویا
علم اگر و هر با مطلب را در مردم در ده سال تحصیل میکنند از اول تا آخر شرح بپرسیم دیکش چون
در این کتابچه مختصر مقصود تعلیم علم نیست لهذا زحمت قول در اخطار اعتبار ندهیم و جواب میرسد للام
هستم ورود در میان مطالب خود فقط کلامه معانی اکتفا نمایم از ملامه حرفهای که این است
و از کتاب ها و ایران کرده و از آن چه فهم به نظر رسیده ام هر کس میداند در ایران همه امر از
در حال طول کشیده ... این عمل و روانیح ظلم و خلاف شرع در وزارت اسلامی و
ضرر بجهت ایران در جواب رسید فرض نمایند هزار نفر آدم را در جمیع اسباب کار
و احتیاج نه کانه عادی بیشتر در این جنگل عزم مجبور شکیل معلوم است که این
هر هزار نفر آدم را اسبابی که داده و در میان ایشان بخش فراهم بیاوریم اموال ایشان در خود بعد
خواهد افزود مثلاً بعد از یک ماه از ایشان خواهیم دید که ده کوچک ساخته‌اند بعد از یک ماه دیگر
خانه‌های ایشان آباد و در راحت خواهیم دید پس از چندی کفش و کلاه خواهند داشت
الکه در میان بعضی صنایع و صنایع روز خواهد داد که دو قلم مشغول کتابت خواهند بود
و از بجهت ترقی طبیعی ایشان نتایج کمال ظهور خواهند بعد از ده سال باعث ... درکار علما

راهی

اگر هیچ جواب رسیده در میان ایشان که در اول برهنه و گرسنه بوده صاحب چیز از دو دولت خواهند
این حالت که آدم را ترقی پذیر میکند و فرق میان ایشان با جانوران است که بعضی حیوان
و بعضی ملک گفته است در ایشان ترقی پذیر است و حیوان غیر ایشان گفته این معنی را اگر جانوران
تا صد هزار سال ... هر از فرق داخل اصلا از خود احوال فرق نخواهند داشت تا جنس ایشان
نرسته شده است و با اقتضای خلقت خود و دو روزه ترقی میکنند که به هر دور ایام میان خود او
دو و او هیچ تغییر نمی‌یابد چنانکه میان زنبور امروز و زنبور هزار سال قبل از این هیچ فرق
این صفت ترقی پذیری لازمه خلقت انسان است چنانکه طفل جزو انسان است اگر خواه و اگر نخواه
با اقتضای قوه نمو روز به روز بزرگتر شود همان طور جنس انسان جزو مجبور است که بالمره از حد
دقیقه به دقیقه ترقی کند این قانون طبیعت در هر ملک و در هر طایفه حکم مطلق دارد
تغییر این ممکن نیست و در روی زمین کجا نقطه یافته نمیشود که جنس انسان ترقی پذیر نباشد هرگاه
این مطلب را درست تفهیم شده باشد از سئوال من تعجب در وحشت خواهید بود که ایران
هم انسان است و از جنس انسان ترقی پذیر است و اگر مثل همه از نفوذ احکام ایشان است
پس چرا این مملکت که در آدم را در ربع از بهترین قطعات زمین ملک دارند در مدت چندین سال
ترقی نکرده‌اند چه نباید در اموال خود بنمایند این است که در ترقی هرگاه سالها فقط ایشان را
که آن را اموال خود بیفزوده‌اند علاوه بر این جمیع اموال این ولایت هر روز کم‌تر



علاوه بر جمله اموال مملکت این شبهه در حال این که محقق است که جمیع اموال ایشان در این هزار سال
یک روزه تنزل کرده است دلیل این تنزل این است و این نتیجه منکوس صحیح است با این که هر جا
مانع بزرگ این قانون کلیه طبیعت را در ایران بر هم زده است حرف ما در این صحبت
پس لابد باید حقیقت نتیجه اصلی کنیم و احوال کنیم یعنی اقرار نمائیم در این هزار سال در ایران
بعضی موانع خارجی بوده که نگذاشته‌اند ایشان این مملکت به اقتضای ذاتی خود حرکت نمایند ترقی نمایند
بنا بر این هرگاه بخواهیم این موانع خارجی را تشخیص کنیم و هر قدر کاه این موانع حرکت داشته باشیم
چرا این موانع را از ایران رفع نمائیم است که در جهت نتایج کلیه قانون ترقی عدل ساعت
بعد ترقی خواهد کرد و اگر مقدار کار این است که در ترقی را با مراتب علما ایران ... تا خبر
نمائیم خواهیم دید که درجات علمی ایران از صد که در تماد در خواهد بود اگر علاوه بر این همه مطلب را
از فرق رسیده خواهم گفت به دلیل اینکه فرنگستان را صد ده سال عمر خود را صرف این مطلب کرده‌ام
به دلیل آنکه علم اگر از جمیع علوم وسیع تر است به دلیل اینکه عقل ما چنان هیچ است
و اگر در رای ایشان تنزل به عقل بزرگ است و از این علوم را از پیش خود یافته‌ایم در معنای عقل
علم و عقل هیچ جوابی که داشته باشیم داشت با اینکه ذات ما از هر مسلم دارد دست ایشان حرف
نتوانم که عقلهای بزرگ از هم جواب نمیشود که ترقی ایران به کمال موانع خارجی است
در روش عالیه با نیز مدرسی جواب نظر ایشان این موانع که در ایران شده است

راه

و اگر معنی ترقی پذیر را درست فهمیده باشیم التصدیق خواهیم کرد که ترقی ایران الآن اول
کاری که داریم این است که موانع ترقی را از میان برداریم هرگاه تفصیل این موانع را
از عقلای ایران بپرسیم هرکدام یکی از دو علت مسئله را شرح خواهند داد که خواهم گفت
معایب کار در اعراض وزارت یا دیگر تا از شریعت یا تعدی حکام ولایت خواهد ورد بعضی
خرابی دولت را از رشوه خوری عمال خواهند دانست بعضی دیگر تحقیقات ایشان را الفصاحت
میان خواهند گفت که از موانع ترقی ایران هر کس به زور اعتقاد خود یک نکته درک خواهد کرد الا
مانع را تفصیل کمتر خواهد دید و مانع اصلی و مانع مطلق و مانع واحد ترقی ایران در بعضی ملک مرات
هیچ عقلای ایران تصور نکرده‌اند که از کلیات آن جمیع معایب بجهت دولت ضرر برای کلیه عمده است
جمیع دلتنگی‌ها و خرابی‌ها و تعقیدات ایران خلاف صحبت‌هایی که دستگاه است در بیان
مسئله بزرگ هیچ جا که در ایران رسم است داخل در علت این نکته ملاحظه حالت ما این است
و در وسط هر آن ترکیب کارخانه‌ها ما خیال درست بار نیست که در ترقی ایران نرسیده‌ایم
این کارخانه جز کتاب نیست که در ترقی و در هر کار تمام ایران توقف کرده این کارخانه
و کوشش این کارخانه لسته است بیش چیزی نبوده غافل به تقید و توقف جزء هر کارخانه بشکسته
و کلاه بوسیده است و مباشرین این دستگاه با آنکه ضعف در نهایت خستگی و درکار تمام کارخانه
این چرخهای پوسیده را هر طور که می‌خواهند میگردانند و هر وقت که میخواهند میخواهند حال است

نموده درحالت ... که از وضع ایران ... در وسط کارخانه ایستاده ایم و میبینیم چرخ
کوچک این دستگاه چطور میگردد حال میگوییم ... این عیب منحصر بهمان است مردم در میان کارخانه
را ور میکنند ولی نتایج این عیب را در خارج کارخانه ملاحظه میکنیم و وحشت میکنیم از حرکت ایشان
چرخ کوچک در اوضاع اطراف مملکت چه قسم خرابیها میکند بهمین جهت آن در بین مجلس نقص بزرگ دارد
در کارخانه ایشان میخواهد چرخ بزرگ هم در کارخانه دولت ... چرخهای بزرگ میخواهند مثل ... ارکان دولت
محکم ... هیچ ... بواسطه اینکه ... اقتدار ... فلان صدراعظم
مرسانه ... این کارخانه را پیش از این شرح کردیم ... کهنه ... عیب ...
بیانات علمی داریم مرکز در طریقه حکم ... ادارات تشخیص داده لازم است ادارات
اختیاری دیگر را ادارات قانونی ادارات قانونی آن است که عمال دیوان در طریقه اجرای حکم
دولت مختار هستند و ادارات قانونی آنست که عمال دیوان در طریقه اجرای حکم دولت اختیار
اختیار ... حکم ... در ایران ادارات اختیاری است یعنی وقتی پادشاه ... حکم
عمال دیوان مختار هستند که حکم پادشاه را ... بخواهند مجری دارند مثلاً حکم
... باید ... اعلام داده شود ... مجاز است ... را هر وقت در
هر جا بخواهند ... هر کاه ... و اگر ... هر کاه میل ... باشد
... حکم پادشاه ... در ... شد

تمام اداره

بکار بردن ... که ... علوم ... بهر ... قسم مطلب
... بهمین ... بهمین جهت حکم میشود
... را امروز ... و اگر
... این است
اختیار ... اختیار
همان ... ادارات قانونی
... ادارات
... چرخ دارد
... فی ... ادارات قانونی
... حکم ... اختیار
حرکت میکنند ... ادارات ... وادارات ...
دستگاه دولت ... شخص پادشاه
توقع دارید ... پادشاه هم قانون ... حکم ... اجرا شد
و حال آنکه ... سلطنت فقط حکم است ... پادشاه



... پادشاه حکم میکنند ... لازم کرده است ... پادشاه
... اداره قانونی ...
... پادشاه ... لازم است ... اطراف
حکم میکنند ... اعلان ... مطلق است ...
مجری میگردد ... در امور ...
... حکم ... ادارات قانونی ممکن است ... حکم ...
... دولت ... اختیار ... احکام ایشان در جمله امور ...
... اختیار عمال ... تغییر ...
حکم ... میکنند از ... مطلق ... حکم
و تمام ... ایران ... در روی ... اختیار
... در ... خاطر دارم ...
حکم را ... اجرا ... مجری ... شده ...
... این عیب ... ایران ... حال
میکنند از نقص ... حکم ... ایران ... سلطنت ...
در ادارات اختیاری و در ادارات قانونی است بیان این ... ادارات ... کتاب

سالم

تشخیص

... ادارات ادارات قانونی
... ادارات اختیاری ... ادارات
... ادارات ... تشخیص
این ... ادارات ... مجلس تنظیم
ایران ... اداره
... ار
... ادارات ...
... خواهند ...
... خواهند ...
... است این ... ارم
... ادارات اختیاری را ... ادارات قانونی تغییر
... در ... ادارات قانونی ... در تغییر وضع
... لازم است تحصیل اداره
۱ قانونی ... ادارات قانونی ... مجلس تنظیمات ... مجلس تنظیمات
۲- ... مجلس ... ترتیب این دستگاه ... مجلس تنظیمات ...

معنی ... [illegible] تنظیمات
باید ... [illegible]

[illegible marginal note, right margin, written diagonally]

بوده کتابچه عملی بیان شده است و اگرچه ترتیب این دستگاه در جزو هات خود تفصیل مختلف لازم
دارد و لا حقیقت همین که گفتیم تعیین مطالب است و در شرح آن باید رسمی ملاحظه مختصر اکتفا کرده به
همه کتاب است تصنیف ... [illegible] ... در ترتیب مجلس تنظیمات کتابچه عملی ملاحظه ... [illegible]
در این کتابچه شده و هرچه نوشتیم باید ... مطلب خواهد بود هرگاه کتابچه مزبور را دقت ... [illegible]
خلاصه این کتابچه ... [illegible] ... در ... [illegible] ... این مجلس
... [illegible] ... بسیار خوب ... [illegible] ... این دستگاه را همین اسم و ...
سوم اسم مجلس تنظیمات را ... [illegible] ... هیچ ... [illegible]
از این ... مطلع ... [illegible] ... مجلس
تنظیمات قرار داده ایم ... [illegible] ... خواهد شد ... [illegible] ... خواهد شد
وقتی این ... [illegible] ... مجلس ... [illegible] ... خواهد شد تمام در مجلس ... [illegible]
هیئت ... [illegible] ... قانون ... اجرای قانون است تمام با هیچ ... [illegible]
دولت ... [illegible] ... معلوم ... [illegible]
در عمل دولت ... [illegible] ... مجلس ... [illegible]
مع خصوص ... [illegible] ... معلوم است ... [illegible]
در این مجلس ... [illegible] ... قانون ... [illegible] ... مجلس تنظیمات ... [illegible]

[illegible]

... [illegible] ... قانون ... [illegible] ... مجلس ... [illegible]
مجلس تنظیمات ... [illegible]
... [illegible] ... قانون ... [illegible]
این است ... [illegible] ... قانون ... [illegible]
... [illegible]
... [illegible] ... مجلس ... [illegible]
... [illegible] ... مجلس تنظیمات ... [illegible]
... [illegible] ... مجلس تنظیمات ... [illegible]
... [illegible] ... مجلس ... [illegible]
... [illegible] ... مجلس ... [illegible] ... قانون است ... [illegible]
... [illegible]
... [illegible]
... [illegible] ... مجلس تنظیمات ... [illegible]
... [illegible] ... قانون ... [illegible] ... قانون ... [illegible]

[illegible marginal note, left margin]

والسلام



... [illegible] ... مجلس ... [illegible]
... [illegible]
... [illegible] ... موافق قانون
... [illegible]
قانون ... [illegible] ... قانون ... [illegible]
... [illegible] ... قانون ... [illegible]
... [illegible] ... مجلس ... [illegible]
... [illegible] ... مطالب ... [illegible]
... [illegible] ... مجلس ... [illegible]
... [illegible] ... مجلس ... [illegible]
... [illegible]
... [illegible] ... مجلس ... [illegible]
... [illegible] ... مجلس ... [illegible]
... [illegible] ... مجلس تنظیمات ... [illegible]

[illegible marginal notes]

... [illegible] ... مجلس ... [illegible]
... [illegible] ... مجلس تنظیمات ... [illegible]
... [illegible] ... مجلس ... [illegible]
... [illegible] ... مجلس تنظیمات ... [illegible]
... [illegible]
... [illegible] ... مجلس ... [illegible]
... [illegible]
... [illegible] ... مجلس تنظیمات ... [illegible]
... [illegible] ... مجلس تنظیمات ... [illegible]
... [illegible]
... [illegible] ... مجلس ... [illegible]
... [illegible] ... مجلس ... [illegible]
... [illegible]
... [illegible] ... مجلس ... [illegible]

[illegible marginal note]

مایل نیست نمودم موافق ... انتخاب شود ... مجلس سلطنت ... منعقد شده است
نظام الدوله ... میرزا ... میرزا هاشم ... الکتاب نصرالدوله محمدخان
امیرخان حسینعلی خان ... رکن الدوله میرزا احمدخان ...
... بهاءالدوله صدیق الملک علیخان ... میرزا ... میرزا
موسی ملک التجار محمدرضاخان ... محمد میرزا شهرزخان اعتضاد
الدوله محمودخان ... امیر لشکر سپهدار حسنخان ...
عرض ... مجلس سلطنت ... [illegible]
[illegible]

[illegible]



تعلیمات ... اوضاع حالیه ... مغشوش ... صدارت ...
[illegible]

بسم الله ...

[illegible]

وزارت که به عدم کفایت خود عذر خواسته از نقص جمیع کارها رجوع بمعایب پادشاه میخواهند کرد
پادشاه منزه از عیب نیست بعلاوه کفایت عقلا به ادراک معایب پادشاه دارد خطای اهل ایران این است
و انتظام امور را بقابلیت عقلای سلاطین منوط میدانند و حال آنکه در ممالک پولیس انتظام امور بقابلیت عقلا
حل و دولت و ملکی هر اراده که پادشاه دارد سلاطین مستقل تعهد کرده اند که همیشه در همه جا ظهور
واقع شود تمام مواجب پادشاه هم از راه حق و عقل داشته باشد هم عوض وزرا اظهار کفایت کنند
و هم عوض رعیت بطور نظم رفتار کنند توقیف سلاطین مستقل همین قدر است که مانع ترقی نباشند
و اما در این عهد اگر ما داشته باشیم پادشاه ما با همه معایب سلطنت ما بهترین وجود ترقی ایران
جمیع تفوق نظم را از شخص پادشاه توقع داریم میخواهیم پادشاه هم معلم قانون باشد هم قانون گذار
و هم قانون را مجری بدارد حتی میخواهیم مجلس را هم خود درست نظم بدهیم هر گاه جمیع این کارها
بپای خود پادشاه بکند پس حضور این مجلس چه لازم است خیال میکنیم متفق تر از مجلس
این است ما را از طرف حالات خوب بکنیم و از طرف دیگر پادشاه مجری برآرد تا این
اعتقاد و اجرای مشورت در همان اوان مجلس اول تکلیف ما تمام خود را [illegible] کرده حال میگوئیم
گفتیم قبول کرده پس دیگر برای تکلیف ترتیب این رفتن تازه لوح پیش خیال میکرد در [illegible]
ایران در همین گفتن تو بود هر [illegible] از تو گفته اند هر چنانکه بعد از آن نشستیم قبل از [illegible]
تو در کتب مواضع که ما از احتیاج پادشاه منحصر بخیالات خوب بودیم کتب ما است

میدادند

میکند جهت تمام را درخت نمیداند پس معلوم است مقصود دارد احتیاج ما کمتر بتحصیل خیالات خوب
نیست که نقص مجری شده منهم گفتم مجری شده پادشاه هم گفت مجری شد در را گفتند
بازهم مجری نشد این عیب را هم میدانیم عدم مسئولیت وهم فرمایش مستمر میداند حرف دراز و
این عیب است و تمام را مخصوص رفع این عیب جمع کرده اند اگر عقل دارید در رفع این عیب بطور [illegible]
یا مجلس چه علاوه بر معایب پادشاه یک [illegible] دیگر هم داریم و مقرر عدم قابلیت باشد بیشتر از [illegible]
اغراض خود را رها و تن منهم بدهیم مسئولیت مجلس چه اعظم ندارد و مسئولیت که عوض وزارت
پای تخت با چهار دفعه دفعه جواب خود که اغراض وزارت پای تخت با چهار [illegible]
اگر که عوض وزارت خود معیت ظلم و حکام شکست [illegible] کجا [illegible]
وزرا مسئول عوض بیش مسئولیت است اوصاف وزرا از حیث عدم مرتبه بیشتر از اغراض وزرا [illegible]
است خواندن حال از عدم علم وزرا است نه از غرض ایشان هر گاه شرط ترقی حال متوقف وزرا باشد
وزرا بنا در [illegible] غرض نخواهیم پس باید وزارت ایران را با ایشان محول کنیم
چنان ترقی در علم کمی است نه در معقولیت ذاتی وزرای ما علم در صورتی هم لیاقت محقق گشت
و منفرض را داشته باشند و بواسطه عدم علم مانع ترقی میشوند فلان وزیر ما را مخصوص احترام [illegible]
نمیدانیم که میدانیم و هر دو در حالی که مغرض [illegible] تمام علم را [illegible] جمیع [illegible]
بان چه معلوم با این بیخبری مطلق چطور ممکن است مردم در خدمت دولت کار خوش کنند [illegible]



و آن ترقی مواجب کار دولت کنند و کنیهای مملکت باکثرت و جمال در کسب علوم جهد
کنند قبل مجلس [illegible] خواهد بود باعث این که شبهه تمام ایام تحصیل را با لطافت که [illegible]
در تعلیم تربیت قابل هر نوع خدمت خواهند بود [illegible] نفوذ وزیر داریم [illegible]
مشغول خواهد دولت [illegible]
صداقت است و لکن [illegible] بزرگ داریم [illegible] راجع [illegible] وزرای ایران جواب
عزل مزیت نباشند جواب باید در دولت ایران نیست نفوذ وزیر معزول نباشند
چون باید در دولت ایران وزیر معزول بوده باشد که بعد از این [illegible]
و تفوق [illegible] داشته باشند جواب باید پیش از پادشاه وزارت نماید اگر در میان
این ده نفر وزیر [illegible] چه عیب داشت از [illegible] عقلای ایران
همین منحصر به نفر باشند از کجا [illegible] نظام در ایران منقطع شد و لکن با این همه
ایرادات [illegible] از انصاف گذشت [illegible] در آتیه ایران
موجب [illegible] معقول و شایسته [illegible] نظر ایران
علم دنیا را لازم دارد [illegible] این علم را از [illegible] توقع نمائیم اگر در علوم ایشان نقص
هست این نقص از ایران است نه از ایشان بنابراین هر قدر هم که علم و کفایت
وزرا را داده داشته باشیم [illegible] از ایران بهتر از ایشان وزیری [illegible]

بلکه

سلسله ترقی جمیع اهل ایران بسته و اگر پادشاه بهترین مقوی نظم است و اگر احیای مشورت از
عقلای قوم است چه طور [illegible] از همه اینها هیچ [illegible] بکنند پس این همه خط [illegible]
را حمل [illegible] که این همه اهتمام پادشاه و وزرا و مجلس بقدر ذره در این [illegible] ترقی حاصل
نشده است [illegible] این مجلس این قدر [illegible] آن نظم [illegible] و آن ترقیات [illegible] از
توقع هر نوع اختیار دولت [illegible]
اهل مشورت [illegible]
[illegible] که دارد [illegible]
میدانیم [illegible] معلوم است [illegible] نوع اختیار [illegible]
و [illegible] این [illegible] اختیار [illegible]
امنیت [illegible]
احوال امام پادشاه ایران این نکته بزرگ [illegible]
لازم [illegible]
از اختیار قانون [illegible]
مجلس داریم مجلس قانون [illegible] مجلس اجرا [illegible]
با اختیار [illegible] اختیار قانون در این مجلس [illegible] در مجلس قرار [illegible]

[illegible]

قرار میگذارند و هم مجری میدارند معتقدند از این همه تغییرات و اهتمامات دیگر آن در ترتیب
مجلس این بود در حقیقت قانون از اختیار اجرا جدا باشد بعد از آنکه در مجلس وزرا هم قانون
میگذارند و هم قانون مجری میدارند دیگر چه مجلس چه نظم چه حرف ... و وزرای دول و کلیه وزرای
وزرای ایران از مصلحت دولت بهتر از سایر اشخاص اطلاع دارند از آنکه میان کار
و صاحب تجربه هستند این دلائل وقتی وزرا آنقدر از اقوال سایرین آن تفوق دارند و البته
وزرا که در عمل اجرا باید در عمل وزارت نیز مداخله و اشتراکات عمده داشته باشند و لیکن
این ملاحظه دلیل نمیشود وزرا آن را در خارج از مجلس قانون یک مجلس قانون دیگر ترتیب بدهند
با مجلس وزرا باید تکلیف عمده داشته باشند و لیکن در عمل اجرا نه در عمل قانون که جمیع هر قانون و اختیار آن
قرار داد کلی با وزرا باتفاق اهل مصلحت خانه که مملکت ... هر قانون و قراری که باتفاق
کل مجلس منعقد شده اجرای آن باید منحصرا بر عهده وزرا باشد و اگر وزرا آن مسئله را قرار داده باشند
باید قرار مرقوم را در مجلس قانون محکم و دلیل رد نمایند اعظم دلایل ... حال که ...
دارد است ... هنوز در ایران ... هیچ خبر و تقصیر ... مشخص نشده است
در کدام ... حکم فلان تقصیر چه خواهد بود در ایران هیچ وزیری نیست
... فلان تقصیر را به چه طور تنبیه خواهند کرد ... اول شرط ... داد این میدان
عدالت این است که تنبیهات هر تقصیر از وقت مشخص و در هر مقام ... در حق هر کس ...



... بشود اجرای این قانون کار از جمله مشکلات حکم است و اگر ما کمالی در ایران
این قانون را رک معمول ... تحت ... تعریف عواقب مطلب در این جا ... است
که ... اعظم دولت موقت ... حکم ... تنظیم حکم ... اول باید در باب تنبیهات را
مشخص کنید

## قانون در باب تنبیه

**فقره اول** قانون در کل ممالک ایران در حق جمیع طبقات اهالی ایران حکم مساوی دارد
**فقره دوم** مخالفت قانون تقصیر است **فقره سیم** هر تقصیری حکمی مساوی خواهد داشت
**فقره چهارم** تنبیه بر سه قسم است **اول** تادیب **دوم** سیاست **سیم** عقوبت **فقره پنجم**
**عقوبت** هفت درجه دارد اول قتل دوم زنجیر مؤبد سیم زنجیر موقت چهارم زندان پنجم ...
ششم اخراج از مملکت هفتم انفصال از حقوق دولتی **فقره ششم** سیاست سه درجه دارد اول زنجیر موقت دوم
تا سه ماه ... **فقره هفتم** تادیب سه درجه دارد اول حبس دوم جریمه سیم ضبط اموال **فقره هشتم**
تقصیر بر سه قسم است اول تخلف دوم جرم سیم جنایت تخلف آن است که مرتکب
تادیب باشد جرم آن است که مرتکب سیاست باشد جنایت آن است که مرتکب عقوبت باشد
**فقره نهم** هیچ نوع جرم و هیچ نوع تخلف و هیچ نوع جنایت مرتکب نخواهد
بود مگر در صورتی که برای مرتکب آن پیش از وقت حکم قانون مشخص شده باشد **فقره**
**دهم** ادای ... هر تقصیر علاوه بر تنبیه خواهد بود ... خلاف شریعت مطهره



اسلام است باید تغییر داده و مطابق ترتیب در جات تنبیه است ... تنبیهات ... را هر طور
... میخواهید معین ... نباید لازم تنبیهات باید بر همین طور باشد ... که هیچ ... حقوق ...
... ترتیب درجات تنبیهات مختلف ... است

## فصل عقوبت قتل

**فقره اول** هر مقصری که مرتکب قتل شود سرش را بریده میشود **فقره دوم** پیش از آنکه
مقصر را به قتل برسانند ... عدلیه در میان مقام ... قتل را باو ... خواهند
خواند و بعد ... مقصر را به قتل خواهند رسانید **فقره سیم** ... قتل در شهر ... خواهد شد

**فصل عقاب زنجیر مؤبد** **فقره اول** مقصری که مرتکب ... زنجیر مؤبد شده باشد مشغول سخت
ترین خدمات خواهد شد ... زنجیر ... خواهد شد ... با ... خدمات ...
... خواهد شد **فقره دوم** مقصری که مرتکب زنجیر مؤبد شده باشد پیش از آنکه مورد این
عقوبت بشود ... در میدان شهر در یک ... معین ... تماشا و عبرت
خلق خواهند ایستاد ... برای مقصرین ... تخته ... بزرگ به خط جلی و اسم و تقصیر
... نوشته خواهد شد **در باب زنجیر موقت** مقصری که مرتکب زنجیر موقت شده باشد ...
... عقوبت مقصرین زنجیر مؤبد خواهد بود **فقره دوم** مدت زنجیر موقت اقلا پنج سال
و منتهایش بیست سال خواهد بود **فقره سیم** عقوبت ... مستلزم انفصال از حقوق دولتی خواهد بود



**فقره ٤** هر گاه ... سن ... هفتاد ... رسیده ... یا از هفتاد سال تجاوز کرده
مرتکب زنجیر خواهد شد **در باب زندان** **فقره اول** مقصری که مرتکب زندان شود
در یکی از قلعجات ... برای این مقصرین معین است محبوس خواهند شد ... خواهد بود موافق قواعد
زندان ... داخل و خارج زندان مراوده داشته باشد **فقره دوم** مدت عقوبت زندان
اقلش پنج سال و منتهایش بیست سال خواهد بود **در باب نفی** **فقره اول** هر مقصری که مرتکب ... شده
باشد ... مشغول ... خواهد ... موافق قاعده مخصوص
... مقصر ... باشد **فقره دوم** مدت این عقوبت اقلا پنج سال و منتهایش ده سال خواهد بود
**فقره سیم** جمیع این عقوبات ... مستلزم انفصال از حقوق دولتی خواهد بود همچنین جمیع مقصرین
... از آنکه مورد عقوبت ... در میدان شهر ... سابقا ذکر شده ... تماشا
و عبرت خلق خواهد بود **در باب اخراج بلد** **فقره اول** مقصری که مرتکب اخراج بلد شود اول
مورد انفصال دولتی و بعد از خاک ایران اخراج خواهد شد **فقره دوم** مدت اخراج
بلد ... سال و منتها ده سال خواهد بود **فقره سیم** هر گاه کسیکه اخراج بلد شده
است قبل از انقضای مدت عقوبت خود داخل خاک ایران بشود او را در ... مملکت
گرفتار ... خواهند کرد اقلا همان قدر ... که از مدت ... باقی مانده باشد بجای
مقابل آن مدت در زندان خواهد ماند **در باب انفصال** **فقره اول** هر کسیکه مرتکب

اصلاح جرائمی خواهد شد بود اول از منصب معزول و از هر نوع شغل دیوانی مطلقا خارج
خواهد شد دویم هرگز نشان نخواهد داشت سیم شهادتش مقبول نخواهد بود چهارم قسم
[illegible] نخواهد شد پنجم هرگز شمشیر نخواهد بست ششم هرگز معلم مدرسه نخواهد بود **حکم تنبیه**
حکم حبس [illegible] در شهر [illegible] خواهد شد **در باب انبار در فقره اول**
هر مقصری که متوجه انبار بود [illegible] از فعله‌گیهای [illegible] خواهد شد **فقره دویم**
مدت گرفتاری [illegible] اقلاً [illegible] روز و منتهایش [illegible] سال خواهد بود **در باب حبس**
**فقره اول** شرایط این سیاست بعینه همان شرایط اصلاح جرائمی است [illegible]
این است در اصلاح جرائمی جمیع شرایط مرقومه بدون استثنا مدام [illegible]
خواهد بود و در [illegible] حقوق [illegible] تقصیر بعضی [illegible] بعضی در مدت [illegible] معمول خواهد بود
**در باب ترجمان فقره اول** ترجمان [illegible] خواهد بود [illegible] تقصیرات مختلفه مقدار ترجمان
اختلاف خواهد داشت چنانکه در فلان فصل مشخص شده است **فقره دویم** [illegible]
ترجمان [illegible] معمول خواهد بود **فصل تادیب در باب حبس** اول [illegible] حبس [illegible]
روز و منتهایش [illegible] روز خواهد بود دویم در حبس [illegible] ساعت **در باب**
**ضبط اموال فقره اول** [illegible] برخلاف قانون [illegible] با واسطه [illegible] قانون
[illegible] شده و [illegible] قانون شده باشد [illegible] خواهد شد

در بعضی

---

دولت [illegible] هر وقت [illegible] نظم [illegible] بعضی از اعیان گفته‌اند این نظم را [illegible] فهمیده
و واسطه همین [illegible] بهترین نظمها را [illegible] نموده [illegible] ایشان [illegible]
حریت [illegible] در این است [illegible] ملت [illegible] قرار داده‌اند مثل این است
بگوئیم چون فلان امیر تومان [illegible] سه چیزی [illegible] مهندسی [illegible] اهل [illegible] ایران [illegible]
باشد [illegible] از ارکان [illegible] امور [illegible] روس را [illegible]
را نفهمیده‌اند پس [illegible] روس [illegible] مدرسه دارالفنون [illegible]
علم حقوق [illegible] آن [illegible]
خانه [illegible] ده سال [illegible]
از وقت [illegible] حقوق [illegible] هر گاه اراده
دولت [illegible] در [illegible] و در [illegible] باشند
نه اینکه [illegible]
مدتی [illegible] حبس است [illegible] معمول است در ایران [illegible]
نمودن این قانون رسم معاملات [illegible]
یکی از ارکان [illegible] پانصد تومان [illegible]
و در [illegible] هیچ [illegible] دفعه [illegible]

---



به دولتخانه آمده است و گفته است هر قدر پول بخواهم از [illegible] هزار [illegible]
با وصف این [illegible] در ایران [illegible] بدون قانون [illegible]
بدون استحکام قواعد معاملات در ایران نه هرگز تجارت خواهیم داشت نه [illegible]
ثروت عظیم [illegible] اعتبار [illegible] بهره خواهیم برد [illegible]
مربوط لازم دارد [illegible] تعهدات [illegible]
[illegible] برای این تعهدات [illegible] امکان ندارد [illegible]
احکام آن [illegible] لهذا هرگاه دولت ایران [illegible]
نظم است [illegible]
در مقابل حکم [illegible] نوشته شده باشد [illegible]
جهت این [illegible] در دولت ایران [illegible] دیوان [illegible]
این صد هزار [illegible]
[illegible] این همه [illegible] رعیت ایران [illegible]
دیوان [illegible] عوض [illegible] دارد [illegible] ایران [illegible]
این [illegible] صد هزار [illegible] رعیت [illegible]
چه [illegible] ایران [illegible] آن [illegible] شد

بحکم دادن

---

بحکم دادن وظایف [illegible] مردم [illegible] جمیع [illegible]
دولت باید [illegible] دایره [illegible]
باید دولت [illegible] جمیع جهات [illegible] رعیت [illegible]
دارد [illegible] دیوان [illegible] دیوان [illegible]
چه باید [illegible] واسطه این [illegible] حقوق دیوان و رعیت [illegible]
[illegible] دولت ایران [illegible]
[illegible] دولت [illegible]
[illegible] حقوق [illegible] دولت ایران [illegible]
اول حفظ استقلال [illegible] حقوق [illegible] حفظ حقوق [illegible] خارج از این [illegible]
هیچ [illegible] دولت [illegible] در ایران [illegible]
را نفهمد [illegible] در ایران معمول ندارد [illegible] ایران [illegible]
[illegible] حقوق [illegible]
[illegible] حقوق [illegible]
[illegible] همین [illegible]
حقوق [illegible] حقوق [illegible] حقوق [illegible]

این ملک ملاحظه بر رونق حال انگلیس بشود خواهد بود اگر چه با این روش دولت ایران بعد از این
دیگر ضمانت حقوق در ایران حاصل نخواهد شد ولیکن بجهت خدمت وزرای با رای
حضور اعلی چند کلمه عرض میکنم **قانون بر ضمانت حقوق فصل اول** در باب حبس قانونی
**فقره اول** هر کس بدون حکم کارگذاران دولت و خارج از شرایط قانون کسی را حبس
نماید یا حبس را نگاه دارد مستوجب زجر موقتی خواهد بود **فقره دویم** هرگاه مدت حبس
بیشتر از یکماه باشد برای مقصر زجر مؤبد خواهد بود **در باب قتل فقره اول نوشته**
**میشود** هر کس باراده خود کسی را کشته باشد مستوجب قتل است **در باب**
**صدمه بدنی** هر کس باراده خود زخمی یا ضربتی بکسی زده باشد و از آن زخم یا آن ضرب
ثابت شود موجب علیل و بیکاری آن شخص مضروب شده باشد شخص مقصر مستوجب زجر
خواهد بود معلوم است در هر یک از ابواب این حضور فقرات مفصله لازم دارد ولکن
مقصود ما در این مقام اشاره بمایه ضمانت حالت لهذا در این حضور بزرگ فقط در
ابواب اکتفا نمائیم از اجمال این مطالب نباید چنان استنباط کرد که مقصود ما تغییر
احکام شریعت اسلام است حاشا و کلا جمیع فقرات ضمانت جانی در شریعت مطهره
اسلام بوجه کمال وضع شده است و الان کلیه که داریم این است که جمیع احکام
در باب ضمانت جانی در احادیث متفرق است بهمان طریقی که [illegible]

ترتیب داده

ترتیب داده و قرآن مجید ساخته اند ما نیز باسم ترتیب داده و مدون بقوانین دولتی
لازم نداریم مقصود ما اصلاً ذکر اجمال ضمانت جانی است و تا این اصول با این طور که
باید مقرر و معمول نشود آسایش رعیت و ترقی دولت از آن حدود از روی محض خواهد بود
**در باب تهدید فقره اول** هر کس بموجب نوشته کسی را تهدید بقتل یا بسم یا با دیت
دیگر کرده باشد در صورتیکه تهدید بر نوشته مشروط باشد [illegible] دیگر باشد
شخص مقصر مستوجب زجر موقتی خواهد بود **فقره دویم** هرگاه تهدید مشروط بشرطی نباشد
شخص مقصر از شش ماه الی دو سال حبس خواهد بود و از سه الی پنجاه تومان جریمه
خواهد بود **در باب شهادت دروغ فقره اول** هر کس در مرافعات جنایتی شهادت
دروغ بدهد مستوجب زجر موقتی خواهد بود **فقره دویم** هر کس در مرافعات حقوقی
شهادت دروغ بدهد مستوجب انفصال حکومتی و یک الی شش ماه کار در انبار خواهد بود
**قانون در باب تهمت و افترا فقره اول** هر کس بموجب نوشته کسی را متهم
بجرم و یا جنایت نماید از شش ماه الی یکسال کار در انبار خواهد بود و از پنج
الی پنجاه تومان جریمه خواهد داد **فقره دویم** باید با افترا [illegible] بموجب نوشته [illegible]
از دایره جرم و جنایت باشد مستوجب حوالۀ تأدیب خواهد بود **قانون در باب ضمانت حقوق**
از شرایط این فصول هر چه بگوئیم موجب کسالت خواننده خواهد بود و هم باعث



[illegible] این مطلب را عقلای ملل بهزار زحمت در چندین هزار سال یافته اند و یک
یقین است هرگز در ایران هیچ احدی این مطلب را نخواهند خواند مگر اینکه همه [illegible] را بهتر از
همه کس میدانیم و حال آنکه در جمیع کتب ما یک کلمه ندیده ایم که دلالت بر علم حقوق
اداره نماید شعرای ما گاهی در این مطالب سخنان خوب گفته اند لکن تصحیح جمیع
آن ترتیب علمی که برای انتظام دولت لازم است هرگز در ایران معروف نبوده است ما از آن
هرگاه وزرای ما بخواهند در این مواد از پیش خود تصرفات نمایند سیصد سال از وقت آنها را مطلع
سازیم هیچ خط خواهند کرد ما آنچه در این باب عمل است اختراع نکرده ایم [illegible] این علم را [illegible]
فرنگ بگیریم [illegible] در ضمانت حقوق است و احکام این ضمانت مکمل است ما بهمان قسم که
وضع کرده است ......... [illegible] ملل اطراف و حرف ها که در تنقیح داریم
در اختراعات حکما [illegible] حیرت و تعجب [illegible]
[illegible] انتظام دولت و قوت حکم [illegible] آسایش رعیت [illegible]
**قانون در حفظ مصالح عامه فقره ۱** هر یک از چاکران دیوان [illegible] بدون حکم صریح قانون
میل خود حکمی کرده باشد یا مرتکب عملی شده باشد که آن حکم یا آن عمل خلاف آزادی شخص یا
خلاف حقوق عامه یا خلاف قوانین ارکان دولت باشد مستوجب انفصال دولتی
خواهد بود ولیکن هرگاه ثابت کند که بفرمایش [illegible] رئیس خود عمل کرده است

از

از وقت از عمل برقرار معاف خواهد بود و در این صورت عمل برقرار در حق رئیس
مصدر چنین حکمی شده است جاری خواهد شد **فقره دویم** از ضمانت فقره فوق هر حاکمی که
بنابر اختیارات مرقومه از شخص مقصر [illegible] مقدار این [illegible] خواهد بود
لا در هیچ صورت [illegible] حبس غیرقانونی [illegible] هر کس [illegible] کم خواهد بود
هر یک از عمال اداره عدلیه [illegible] را در باب حبس غیر قانونی [illegible] نماید
یا غفلت بکند مستوجب انفصال دولتی و [illegible] خسارت خواهد بود **فقره**
**سیم** رؤسا و عمال محبسها هرگاه بدون حکم دولت [illegible] بدون حکم [illegible] عدلیه
کسی را در حبس خود قبول نماید مستوجب شش ماه الی دو سال حبس دارد و از ده تومان
الی بیست تومان جریمه خواهند داد **فقره چهارم** رؤسای اداره عدلیه
شخصی را خارج از محبسهای دولتی و مقرره محبوس کرده باشد مستوجب انفصال دولتی خواهد
بود **فقره پنجم** هر یک از عمال دیوان هرگاه بر خلاف میل صاحبخانه و بدون نص
صریح قانون جبراً داخل خانه کسی یا منزل کسی بشود مستوجب انبار و جریمه خواهد بود در
انبار از شش الی یکماه و مقدار جریمه از ده الی پنجاه تومان خواهد بود **فقره ششم و هفتم**
هر عمل هر وزیر [illegible] رای یا عمل خلاف قانون [illegible] بدون
[illegible] هر یک از رؤسا و عمال عدلیه و دیوانخانه [illegible] در انتخاب [illegible]

بنفت لهذا حقوق حق ما به دلقای مردم را از خلاف انصاف شغل حفظ نظر نداریم از بیت الاصدقه تومان ترجمان خواهد بود و از سه الاه یک از هر نوع ذکری و شغل دولت اخلاج خواهد بود فقره هشتم هر یک از وزرا و عمال دولت هر روزه نیز چهار قانون باید حکم قانونی لود مستوجب عضب کبیر خواهد بود... حرکات الکیش هرات واهلستان را بچه حق از ایران میگیرد چرا باشد فوج روس کل ادربایجان را زیر دور و غارت چرا باشد از در جمیعت ملک سرکرده ولایت را بطلب چرا طلب چند وزارت از در جمیعت ایران می‌توانیم بر در شکنجه نهفت که زولایات وصول کنیم مثلا در وسط اوطاق یک شهواری کرده نشسته ایم و بیت و بیست نفر از اعیان مختلف ر دور این شهوار جمع کرده ایم و خود در صدر مجلس نشسته ایم علی الاتصال هم میگنیم فلان مقام را زیر دفتر دستگاه را بخواه زیرا که این سه لون بخواهیم که از کاشی ترجیح میدهیم که هر فرد را میزنیم در حال وقت تصنیف اهل مجلس به قطع هستند و اللان مقام مطرب را خواهند زد میگویم بچه مطرب نوبه است جلب از این مقامها زده نشد دلیل کلام این است هر زدن این مقامها را میگفت خواهیم باید در علم سازنده حرف داشته باشیم زدن این مقامها بسیار آسان است دلیل لکان فی ذلک معرفت بر تاسان این شهوار که نخواهید زیرا هیچ از اجزای آن درست نیست که ما را از آن گذشته و برداشتن آن مساله



سیمهای آن بعضی از سیمان اغلب لوله و کلا معکوس و در هم پیچیده است هر ذی شعوری در حالت آن ساز را به بیند میل میفرماید و خواهد گفت بچه جهت شهوار معطل است زیرا از این ساز هیچ مقامی بر دن نمیتوان آمد حالت حرکات ایران بعینه مثل شهوار است در وسط این تخت نشسته ایم مرتصل حکم میکنیم هر فرد را که بکیر به جا بیار خانه را نظم ده ببینید میگویم انها همه هیچ لا بچه جهت زیاد گفته بچه جهت شهوار معطل گفته معلول عقل است در مجلس از این ارزدی نقل نیابد چرا علت انکه آن دستگاه سازها معصومره که باید این ارزو با نفوذ کهنی منقوش و برایشان است هر از جنس دستگاه اینجا این مقصود حاصل کوتاه نشد در که این مطلب شرح مختصری لازم دارد فرض بفرمائید هر امورات ما را جمع کرده ایم هر حالت ایران را نظم بدهیم نما میگوئید باید لشکر را ولف کرفت اراضی نما میگوئید باید تمامیت دارایی او کرد یکی دیگر میگوید باید دولت را همراهی کرد دیگری میگوید هر باید که شهوار را مستحکم نمود میگویم این خیالات همه صحیح است لا با بر این خیالات را معجزی دارم با شما یا با همه میگویم در هر صورت اجرای این خیالات که دستگاه مخصوص لازم دارد و نیز میگویم هر این دستگاه اجرا از سهل ارقسم ترتیب بدهیم و آنوقت تا چه جهت نظم ایران این خیالات





ورنگ را بسیار کرده است لابچه اجرای آنها در ایران دستگاهی داریم با خیر اگر در ایران دستگاه اجرا نیست پس اظهار این خیالات بجای چیست و اگر در ایران دستگاه اجرا است اول بفرمائید هر ترتیب این دستگاه بر چه قسم است چند نفر عمله دارد و روابط اعمالی با هم دیگر به چه قاعده است احکام حرکت را بچه شرایط مجری میدارند هر چه تحقیق بکنیم در خصوص این مطلب در ایران هیچ قراری نمی یابیم در وسط این تخت چند نفر از کوه ورق مختلف جمع کرده ایم دارای کمال و عرب و بعضی ترک و فرنگ انچه از همه عجیب تر بوده همه را در هم آمیخته ایم و در میان این جمع وحشت انگیز نسبی دو درشی دیوانه را برهم بود کرده ایم و اسم این محشر بسی را دیوان علی گذاشته ایم و حالا میخواهیم که آن خیالات رنگ را بهم مستقادا با مرحب نظم ایران بشود و ابطه همین دستگاه و ابطه همین دستگاه دیوان مجری بداریم و از اتصور این خط با چنان تحیر بسیار میکویم قطعه اولیای دولت ما را در تدبیر میخواهند عمده حضور دور نظر اسل حاصل و نا فهم تصور هر باشند والا چگونه میشود جهتی نو از عقلای یک دولت عاقل که انتظام دولت جمع نشوند دو انکه از دستگاه اجرا اصلا حرفی میان آورند علی الاتصال کتابچه بنویسند در جهت بزبان بی یک فکر مستمر احکام صادر کنند و بعد از هر ساله هیچیک از قرار داد احکام ایشان مجری نشود و با نفهمند در دستگاه اجرا ندارند بنظر از خواندن



این مضمون تعجب خواهند کرد و چرا دستگاه اجرا نداریم اگر نداریم بچه نحو مدارج ترقی حسن و نظم تحقق می پذیرد هر عطف این سوال را از عمل نمودیم همان دستگاه در ایران معلوم در پیش بپرسیم همان دستگاه و این حکم نمی کنند را ما اجتماع کرده ایم همان دستگاه انکه نیست داریم همان دلیلی نیز دستگاه اجرا نداریم و اگر هم داشته باشیم انقدر ناقص و این قدر بیمعنی است هر ارزش است چه که مر از حرکت ایران بارسی بیاروند که حاصل اولیای دولت با هیچ طرق نمیخواهند بفهمند هر ملک فرنگ در عامه علوم صنعت در علم حکمرانی به قدر ترقی رسانیده اند هر کاه که بخواهید تصور نمائید هر ملل فرنگ کم احداث کرده حالت به قدر رو به قسم دستگاه فراهم آورده اند یک دقیقه رو ترکیب کار را حاصل زرستاران بر علم وسعت هر در انجا خواهید فرق یک مونه لیار وسیع خواهد بود آن علوم و صنایع که در دستگاه اجرا انگار کرده اند ........ از عقل اولیای دولت با تعجب داریم هر با اینهمه زحمت و مخارج از فرنگستان اسباب تلگراف ماورا نموده چیزی بر اینها هر اسباب اجرای حکم چه طور است دلقعده چه قدر های حیرت است هر هاه در ادارات تلگراف دیوار و نمایش دیوار سازی حرفی در بر اسم راه رفتن در ساز کلا محتاج علم فرنگ بدانیم و در ادارات حکم لذخوراز کل عالم منتفض شماریم متغیر کلیتاً است هر ما در ایران دستگاه اجرا نداریم و این دستگاه اصلا از ترتیب نداشته چیزی به این دستگاه بکار نیاید

وحال تمام ملل لغو و باید مخصوص تمام خواهد بود بعد از آن شکر ردیف لازم است که راه کمال
را با این سرعت از همه مردم بسیار خارج است تمیزی و ملاحظات بلیغ زیاد خواهد داشت لله الحمد این
دستگاه دیوان تحصیل از این خیالات ضرورت کو ناب بیش از آنکه خیالات
بعقیده بیش از آنکه مردم کار را کو باید بیش از آنکه کمیسیون زیر بیش از آنکه حکم ...
نه نه اول باب اجرای این خیالات را ترتیب بدهیم اول ... را در دست کنید
اوقات فلان نقشه را که خواهید ......... هرگاه معنی حکایت را نگوییم عمل
خواهد ماند کتاب بقدر کفایت مبرهن شده است که دستگاه اجرای باقی است
اکنون وقت است که چند کلمه هم در تعمیر و ترتیب این دستگاه بگوئیم فی الحقیقه حرفی که خواهم گفت
کاش اول باری وقت ... در حرکات چرخی به قدری بعقل خود کمتر اهمیت دهید و میمود هرگاه آن
... را ... این همه دیگر به اینکه بزرگتر تعبیر میدادند طرحهای چرخی را یا با کمال
قبول کرده یا بر ... این نوع طرحها مثل چرخهای ساعت ترتیب داده ایم
هرگاه نصف چرخهای ساعت را دو قسم کنیم نصف دیگر بی مصرف و مثل آن با ... چرخها
... و کلمها ... کرده ایم لهذا تمنای مخصوص این است که عرایض ذیل را مثل
طرحهای دیگر مبدل با اسباب معطل زیر ... مطرح ... قبول کنید یا بکلی ...
......... ایران عبارت است از ... که در حق ... 

زای

زمین مربع ... قسم معدن و هر نوع محصول طبیعی که خداوند عالم جمیع این نفوس
و کل اشیا را مختار و بی صاحب آفریده بود ولیکن با قضای انقلاب اوضاع
انسانی الآن حق اشیا جمیع این نفوس و جمیع این اشیا را در دست یک وجود
واحد ضبط است و این وجود واحد بواسطه نسبتین جبار اعظم حضور اعلی کافة مختار
میدانه بود و بیان این است که در حق و خاص کل این زمین بهر قسمی که میل دارد استعمال
نماید عقل ... که بنیان این جبار حرکت اسیرون نظم و محض جوانب ایران استعمال حکم
دستگاه دیوان ما را باید بهمین ما ترتیب بگذاریم ولکن اگر بخواهیم استعمال این
جبار را باید نظم و موجب رفاه ایران بسازیم باید اول دستگاه این استعمال
جبار را انتظام بدهیم نظم این دستگاه ممکن نیست مگر بواسطه ترتیب قوانین وضع قوانین
ممکن نیست مگر بواسطه ترتیب دستگاه قانون پس بجهة نظم و رفاه ایران اول کاری که
داریم این است که یک دستگاه قانون وضع بیاوریم در ایران هرگز دستگاه
قانون نبوده است ترتیب این دستگاه شرایط و قواعد مخصوص لازم دارد این شرایط
و این قواعد را حکمای فرنگ در کمال وضوح مشخص کرده اند من از این شرایط
هیچ عرض نمیکنم عرض همین قدر این بود که بجهة تنظیم ایران اول باید دستگاه
قانون برپا نمود بعد از آنکه صحت مطلب را مختصر نمودیم شرح فروع مطلب آن خواهد بود



......... وضع قانون مستلزم اجرای قانون است اختیار وضع قانون لامحاله باید از اختیار
اجرای قانون جدا باشد لهذا بعد از ترتیب دستگاه قانون اول کاری که باید کرد ترتیب
دستگاه اجرات ......... در تنظیم دولت اعظم مشکلات ترتیب اجرات
و قانون است و فی الآن بقدر کفایت شرح داده ام در همین قدر میگویم که
در این مسائل حکما آنقدر زیاد تدقیق کرده اند ما تقلید ایشم و نباید از پیش خود اختراع نماییم
علم دیگر به فرنگستان را از پیش خود قرار بدهیم باید از دایره ... خود قدمی بیرون ننهاد
......... عرض میکنم هر دو دستگاه اجرا و دستگاه قانون را باین طوری که میباید
ترتیب دادیم و بهترین قواعد فرنگستان را با آن شرایطی که باید وضع نمودیم هرگاه
اگر مباشرین دستگاه اجرا محتاج باشند قوانین موضوعه را بی سود قرار خواهند
داشت با این قوانین موافق مصلحت و سلیقه خود تغییر خواهند داد پس بعد از ترتیب
این هر دو دستگاه باید چنان تدبیری کرد که جمیع این اسباب فراهم آورد و هر وقت قانونی
وضع شد مباشرین اجرای قانون مجبور باشند بدون هیچ تخلف مجری بدارند
حل ... که جهة حصول این مقصود تدابیرات کامل دارند من از این باب فقط است که
مختصری میگویم ......... قانون مرکب از خطوط بی روح است اما اشخاص قوانین
روی زمین را قبول کنیم و اگر ... ما ... قانون هرگز ... 

حرکت خواهد

حرکت خواهد کرد و نه از خود خواهد آمد حال فرنگستان قوانین خود را بدین وزن داده اند
با همین هر دیوانخانه یک صاحب منصب معتبری را وکیل قانون ساخته اند وکیل قانون
مامور است که هرکس بخلاف قانون حرکتی کند او را به دیوانخانه بطلبد و تنبیه او را
از دیوانخانه بخواهد این صاحب منصب حق ندارد که شخص مقصر را بگیرد و گرفتن
مقصر بر عهده یک صاحب منصب دیگر است که او را مامور قضا میگویند قانون منع
کرده اند جمع کار که از آن وضعیت آن دیوان بمحض اطلاع از تقصیر کسی
بمامور قضا اعلام میکنند که فلان شخص مخالف فلان قانون کرده است و باید او را بگیرید
مامور قضا شخص مقصر را فی الفور میگیرد و پس از تفتیش مراتب تقصیر چنین او را مجلس
دیوانخانه میکنند وکیل قانون در دیوانخانه این قدر اصرار و ایستادگی مینماید تا مقصر را
بحکم قانون بجزای تقصیر خود میرسانند در ایران حکام دیوان هیچ
نوعی وکیل و محصلی ندارند یا باید شحنه وکیل و محصل اجرای احکام
خود بشوند یا کارگزاران دیوان حکام حرکات را بطور دلخواه خود مجری دارند چون ممکن
نیست هر پادشاه بتواند مقصد اجرای جمیع احکام خود بشود این است که در ایران
صدور احکام دولت مجری نمیگردد و قرار نمیگیرد که هر هفته روزنامه میگذارند از اعلی
قوانین صحیح باشد ولکن چه فایده که از جان و از اول ممنوع است بعد از

بیشتر از

بیست روز بکلی فراموش میشود و هیچ یک از اینها در نظم دولت جزو مقدار
اعلیحضرت شاهنشاهی احکام صادر کرده‌اند و لیکن حکم هیچ یک از آنها بر هیچ‌کس معلوم نیست
به اثر و بعمل نیامده است باعث این عیب بزرگ را میتوان گفت باعث تضییع جمیع اهتمامات
شاهنشاهی شده است نبودن دیوان قانون است پس اگر بخواهیم احکام دولت
معنی بهم برساند تنها این چند مجلس نوشته باید در دیوان عالی یک دیوان دیگر قانون
و یکی میر قضا همان ترتیب جمله جدا کرده‌اند قرار بدهیم لاجرم حال تنظیم
دیوان مزبور موقوف به بعضی مقدمات دیگر است مع الحاله باید از جهات مصلحت نمایند
که دیوان مخصوص قرار بدهند بهم دیوان قضا و مرتبان این دیوان محصور باشد
بر حفظ و مجلس اجرای احکام و نواهی دولت فرض نموده‌اند هر فرد از ارباب اعلیحضرت
از قبیل شاهنشاهی این طور حکمی صادر شود که وکیل قانون شاهنشاهی و میر قضای احکام دیوان
قضا هستند هر یک از چاکران دولت که خلاف حکم و قانون حرکتی نمایند
نظام الدوله فی الفور مرتب را موجب سند میر قضا اعلام نماید و یار
تکلیف کند هر شخص مقصر را که بیت دیوان میر قضا بحکم سند وکیل قانون باید تفحص
مقصر را فی الفور بگیرد و بحضور حکام قضا بیاورد و حکام قضا پس از اثبات تقصیر
تنبیه او را حکم نمایند در زیر عدلیه حکم مرقوم شاهنشاهی را باید پس از امضای همایون کمیته

قانون

قانون شخص مقصر را توسط کلانتر بجزای خود برسانند موظف نظم این دیوان بر عهده وزیر
عدالت و مجلس قانون است ............ این نکته را نباید فراموش کرد که قرار
دیوان قضا پس از نظم دستگاه قانون است و نیز بارها عرض کرده‌ایم که هیچ حکم
و هیچ قراری از جانب دولت صادر نخواهد شد مگر در صورتیکه نتیجه مخالفت آن در همان حکم
مشخص شده باشد مثلا فرض بکنیم اعلیحضرت شاهنشاهی میخواهند ضمانت مال را قرار بدهند
این اراده را اول مجلس قانون اظهار میفرمایند و در آنجا قرار و شرایط آن مشخص بکنند
و چنانکه گفتیم آن را در مخالفت هر یک از شروط این قرار بیک نتیجه مخصوص معین میکنند
پس از امضای شاهنشاهی اجرای قرار مزبور را محول میکنند بمجلس اجرا و اعلان آن
وزیر لازم است که قرار مزبور را موافق همان شروطی که معین کرده‌اند مجری بدارد و عموم
چاکران نیز مجبور هستند که قرار مزبور را بلا تکلیف اطاعت نمایند زیرا که بمحض طور
عدم اطاعت و مخالفت خواه از جانب وزیر و خواه از جانب سایر چاکران وکیل
قانون بفریاد خواهد آمد میر قضا مقصر را خواهد گرفت و حکام قضا حکم بر تنبیه
خواهند نمود هر گاه دیوان قضا درست نظم بهم برساند دیگر کیست که بتواند
خلاف حکم دولت حرکتی نماید اعلیحضرت اقدس همایون شاهنشاهی بیست و دو روز
مشغول اصدار حکم هستند و با همه مراقبت شاهنشاهی نتوانسته‌اند از اجرای هیچ حکم مطمئن باشند



هر گاه از اوقات شریف یکروز را صرف ترتیب این دستگاه بفرمایند هم از عمر خود صد سال
سبب خواهند دید و هم بدولت ایران تا ابد بخشیده‌اند زیرا که با یک سال یک حکم را صد دفعه
مکرر فرمایند و بهترین اوقات سلطنت را در ارزوی اجرای حکم مکرر ضایع نمایند
و لیکن هر گاه دستگاه مزبور برقرار شود آنوقت رحمت سلطنت منحصر خواهد بود که اسباب
حکم کنند هر حکمی صحیح مضر خانه عصر لا محاله مجری خواهد بود زیرا که وکیل قانون و دیوان
قضا که به اظهار قدرت خود هیچ تماشا را که میخواهند کرد در اجرای قانون القدر ذره غفلت
نخواهند نمود و از آنکه دستگاه قانون و دستگاه اجرا و دیوان قضا را بحکم ترتیب داده‌اند وقت
پادشاه و عقلای ما مصروف باشند مشغول نظام ایران شوند آنوقت مقام این خواهد بود که بگوییم در
خراسان چه قراری بگذاریم لشکر بعلیف را چه طور بگیریم مالیات فلان ولایت را چه طور
بگیریم مالیات فلان ولایت را چه تدبیر نماییم و کیفیت فرنگستان در خصوص این ولایت
نظم و از شقوق اداره ولایات هیچ عرض نکرده‌ام و در میان هر کس در این باب شرحی نوشته
کمال دوری را از اوهام کرده‌ام زیرا که امنیت لب کلام فروع آن مطلب مسایل است
اداره دستگاه دیوان مادامی که این ترتیب که عرض شد نظم نگرفته است هیچ ولایت
نظم نخواهد گرفت و نه راه گیلان ساخته خواهد شد نه قورخانه خواهیم داشت نه ولایات
آباد خواهد شد با این ترتیب دستگاه و دیوان امکان ندارد که هیچ چیز از امور ایران

ایران را

ایران را بتوان امور نظم بدهیم و کار بکنیم از تربیت مرحمت نوبار را خواهد خورد و عمر
موروث کنیم ملت ما را بروز روز مکمل خواهد شد و با راه ملیت ترکمان با بعضی که آن چه خواهند
در دست بجهت رفع این معایب در ریاست فرنگ هزار قسم تدابیر برای ما پیش کرده‌اند
انتخاب و قبول این تدابیر آسان است و لیکن اول باید اسباب حسن اجرای این تدابیر را همان
طور که عرض شد فراهم بیاوریم ............ هر وقت از اصول تنظیمات کسی آنچه را که ...... رفع
بعضی از اوضاع دولت ما بجهت بکنیم به نظم کوالیت بر ربط این حرفها رعایت داشته
هم بسیار مشکل است برون اطلاع کامل از علوم اداره کسی نمیتواند مسئله تعیین اختیار
دولت را با نظم فلان فوج را ربط بر فلان امیر و قرار تعقل کند و ممکن نیست
تعهد و حقیقت تحقیق قبل از ظهور تقصیر در اداره دولت چه فایده خواهد داشت همچنین در باب
ترتیب همه دستگاه دیوان این طریق و فرض مسلم است و در ایران بسیار
استهزا خواهند کرد با خواهد گفت از ترتیبات عالم اروپ خواهد عالم با برای
ما از نظم فلان ولایت بگیریم چرا این ایشان عاقل هستند و نظم ایران را در هیچ
جا نمیتوان استبداد کرد و در نظم دستگاه دیوان مثلا یا از دزدیها بزرگ ایران
رشوه خوری عمال است در این باب شرح مفصل نوشته بود که حالا مفصل احرام بعضی
از دزدان را ابراز کنیم و لیکن فرض بنمایم که دست خواهید این رسم شنیع را دزدان

منقضی شده‌اند و حالا موجب‌اند رفع تمامی این ترتیب دیوان‌ها به عنوان کشنده
برقرار و آباد کننده رشوه‌خوری موقوف است و برقرار اعلیحضرت شاهنشاهی شده تمامی این رشوه
خوری همین طور برقرار و موجب حالت خواهد بود لاجرم که دستگاه قانون و دستگاه
اجرا و دیوان قضا منظم شده دفع چنین رشوه‌خوری موقوف به یک قانون بود از قرار این
و اینک در رفع رشوه‌خوری معمولات چند فقره عرض میکنم **قانون به رشوه**
**خوری فقره اول** هر یک از عاملان و عمال دیوان هر که به اجبار یا از
عمال منصب و شغل دولتی خود رشوه گرفته باشد تعارف یا رسوم یا پیشکش یا وعده
نفعی مطالبه نماید که به شهر مترجب اقتضای حالتی خواهد بود و علاوه بر این در مقابل
اشیا یا وعده مقوله ترجمان خواهد داد ولی ترجمان این جنایت در هیچ صورت کمتر از
بیست تومان نخواهد بود     دویم هر یک از عاملان عمال دولتی هر واسطه رشوه‌خوری
نیز بواسطه قبول تعارف یا رسوم یا پیشکش یا وعده نفعی از اجرای یکی از تکالیف منصب شغل خود
اجتناب نماید مستوجب عقوبت فوق خواهد بود     سیم هر که به وعده یا وعید یا دادن تعارف
یا رسوم یا پیشکش از عاملان و عمال دیوان شغل و منصبی گرفته باشد یا خواهد بگیرد از آنها
به صدق اعانت غیر حقه بگیرد مستوجب عقوبت فوق خواهد بود چهارم هرگاه تکالیف اهالی حکم
خواسته‌اند رشوه بدهند به صاحبی و غیر معمول‌اند به سبب جنایت آن شخص قطعا حق انبار



ترجمان خواهد بود مرت گرفتار ... انقلاب ماه و منصب پیش کمال خواهد بود و معادل
ترجمان از پنج الی پنجاه تومان خواهد بود     اشیاء یا تعارفی که به رشوه
داده باشند از گیرنده و دهنده گرفته خواهد شد و بجهت مصرف بیمارخانه دولتی ضبط
خواهد شد     هرگاه یکی از حکام عدلیه بواسطه جنایت رشوه‌خوری حکم صادر نماید
مستلزم سیاست باشد عقوبت این جنایت مترجب یک درجه بالاتر از آن سیاست عقوبت خواهد
بود     هر که حاکم عدلیه یا رئیس او اداره یا از راه عداوت یا از راه انتقام
در تکالیف منصب خود از عین عدالت تخلف کرده باشد مترجب اقتضای حالتی خواهد بود
این وزرای عظام محترم از نتایج عواقب مترجب شده‌اند حقایق قوانین فوق را که اگر
لکن فقط نقطه کو باشید یا فتح در عین مصلحت تا در آن ناشر مسئله مراد باشد
نقل این منصب تا ملک خواهد بود رعلو مدارج خود هر قدر بگویند رعیت این خود
بیشتر خواهید افزود تا قادر مستقیم حدود این اشخاص عزت و مناصب سازند بعد از
معزول یا اهالی شهر فقط حد مراتب قدر آرام دو شهر چنین قتل و قول وزرای عظام
عبارت بود از قتل دوری با دولت مطلق حال عزت دار اینان وزرای اکنون
را با تزلزل حالت خود تطبیق کنید و ببینید چه نوع اتصال یا از راه
ربه نوع عزت را ترجیح داده‌اید بدانید که حق قسم است عقل و

[illegible]



چه کار ما ربط که در مقابل دولت و عسر دولت را در چه بار کجا است تمام مفاسد آن
کشنده دولت ایران را بر جنگل آنجا خواهد بود یکی از این جوی‌های معین مملکت را آن
که اشته اید بگذرید و کار دولت بسته خورد زاد از لوث اهل باب ثمانیه و منسوب هر طالب
حالت خود ناشیه هر یکی از وزرای ایران با بیست سال دولت هزار تومان
ثمانیه لانه و رابطه کرد است داهل سلاطین فرنگ به ولایات خود سلطنت بخشیده نیز
چه بار شاهنشاه اسلام نتوانسته وزرای خود را مستغنی از اهل نگاه دارد تا در اداره
وزارت از تعلیقات جهل خود به جمله معروف نظر دارند و نا الحمد بر قدرت علو
این عهد تمام ثمانیه دار آن به بینید وزارت ایران که چه قلمها رنگ رشاد نما
نعمتها را وسیع و مصدر چه قدر نهایت عظیم بوده است چنین لیست اولیای دولت
کاهی مفاسد دولت با کمال بلاغت بیان مغز ثانیه دیگاه از رشته‌های شوای رجال
ایران را میکنند هرگاه ایشیم توجه خواست روز وزرای عظام با جستار مسلوده حال ایران
بوده علت اینکه ناخوشیهای آن دولت علاج پذیر نیست لا در وزرای ماده حق
مداخله ندارند با این قسم دلتوری خود را از معایب مبرا نمایند رفع جمیع معایب دولت ایران
در دست وزرای است اگر ملکوان مفرستید یکی از شاگردهای وزرای دولت اهل انگلیسی
مهمات هر چه باید دولت ایران ناخوشیهای معتده دارد و لیکن جواب جمیع [illegible]



عاقل ترد شخص است مشغول بجد که با جوانها را ایران از تقدیمات عادلات که چه علاج این
ناخوشیها فقط بر چه طریق دارم این اسلام بیا مردمی تازه صحبت میکنیم و از نقل این
قدیم الزمان میکنیم سالها است هر این موارد از استعمال میکنیم و روز بروز ناخوشی مهیب تر
میشد اما اگر یک حکیم فرنگ میدانستیم عوض این همه صحبت دستگاه دیوان را در دو روز
نظم میداد و در روز سیم قانون ذیل را اعلام می‌نمود
هر یک از عاملان و عمال دیوان در بیرون نص صریح قانون متاعی یا تعارفی را نماید
علاوه بر رسوم اوقات قانونی از کسی بگیرد یا چیزی بگیرد نماید هرگاه در پیش شهر مترجب
زنجیر داغ تابع باشد از ده الی پنجاه گرفتار خواهد بود علاوه بر این معوض جنایت
فوق پس از رد نخواهد یا ساعی معوضه به قدر نصف آن نیز ترجمان خواهد داد
اگر وزرای بخواهند ثالثا آینده اهالی ایران راه دادن هیچ تدبیر دیگر مرض غیر کاشته
قانون ذیل را مجری بدارند     هر از مباشرین و عمال و محاسبین مالیات و عموم
عاملان دیوان هر نخواه وا منقح و مستغنی اثاث دولتی جزئی را بشخص خود تصرف کنند
یا در آنها تعلقی نماید مقدار تصرف یا تقلب هر نوع بیش از پنجاه تومان باشد مترجب
زجر ترقی خواهند بود و غیره و غیره     عموم کار که از آن دولت ایران مناصب حق خورد
التفات شخصی میدانند کل دعاوی رعیت در دست ایشان است و ایشان حق خورد بخت

رعیت مکلف هیچ تکلیفی نمیباشند این حالت کارگزاران ما از جمله چیزهای بزرگ
بزرگ ایران است این هرج و مرج را بر قرار دولت است اما پس از ترتیب دستگاه دیوان
هر یک از رؤسا و عمال عدلیه و اداره و غیره [illegible]
حقوق حقانیه [illegible] دعاوی مردم را بر خلاف منافع شخص خود [illegible] از بیت المال
زحمات خواهد داد و از [illegible] لاعلاج [illegible] جنس و اجناس [illegible] یک بهمین
طور هم اوراق رفع معایب [illegible] تدابیر مخصوص وضع کرده اند که جهت حصول ترقیات نیز
اسباب مختلف اختراع نموده اند از اظهار نمونهٔ تدابیر ایشان چندان حاصلی نیست زیرا که
کل این تدابیر موقوف بر ترتیب دستگاه دیوان است پس اول دستگاه دیوان را نظم
بدهیم — اصول مطالب خود را در هر صفحه مکرر میکنم زیرا که میخواهم این اصول از
اولیای دولت [illegible] اند که نظم ایران را در کشف [illegible] این اصول مسلم
در این اوقات بعضی از وزرای ما خوب فهمیده اند که حفظ دولت ایران ممکن نیست
مگر بوضع قوانین [illegible] ولیکن [illegible] بزرگان ما هنوز نفهمیده اند که [illegible] این قوانین
به قرار [illegible] و چه امر [illegible] خیال میکنند هر [illegible] بخواهد میتوانند هر یک قانون
اختراع نمایند مراتب این خط را شرح نمیدهم همین قدر عرض میکنم که ارتباط و
قوانین [illegible] یک است و دقایق این ارتباط و این تأثیرات را متفنن [illegible]

ادارهٔ [illegible]

ادارهٔ هر دولتی بکمال رجحان که فقط از روی اختراع عقلای مجتهد جمع شده در باب قوانین [illegible]
جزئی هم نمیتوانند بنویسند هر چه بگوئید باید مربوط خواهد بود با یک اداره قوانین گذشته با حضور قانون
دولتی اقلاً دویست سال طول کشیده است اختراعات و مصلحت که [illegible] و استقرار قوانین [illegible]
رعایا [illegible] دارد [illegible] حکم [illegible] چه در انگلیس و چه در فرانسه بر سر اصول قوانین ایشان اتفاق
ده کرور خلق تمام شده است و بعضی از وزرای ما [illegible] در آن چنین داشتند بهترین قواعد و [illegible]
بجهت [illegible] غریب [illegible] این است [illegible] و در همان مجلس در مقابل قوانین
قانون وضع نمایند مقصود [illegible] نظم را از [illegible] بیاورده اند [illegible] اسباب ترقیات
ما هم میتوانیم نظم بگذاریم توقع داریم قدری این [illegible] صرف تلواف و [illegible] عکس خانه و بعد از ده
سال بدون اندازه [illegible] نگویید چرا این اختراع غریب [illegible] الات [illegible] میدانستیم
آن اشخاص [illegible] زیاد [illegible] باشند در [illegible] بیکار [illegible] حکمت
گشته و بعد [illegible] اوقات معلوم میشد [illegible] منصب
علم [illegible] چه باید دارد یک خط [illegible] این است علوم ملکی و [illegible] آن [illegible] صنعت
[illegible] مثلاً [illegible] میکوئیم باید [illegible] دولت یک شیع [illegible] بدهیم [illegible]
[illegible] نمیتوانیم شیع کافور [illegible] میکوئیم باید ایران را [illegible] مرتبه [illegible]
زیاد میرسند [illegible] همه حاضر هستیم و بعد از [illegible] همه کس میتوانیم از عهدهٔ این کار بر آئیم و [illegible]



مواقع [illegible] علم نظم ایران در کتاب است تا در [illegible] شیع کافور [illegible] میکوئیم چون درس
نخوانده ام و چون در کارخانه کار نکرده ام نمیتوانم شیع کافور بسازم پس نباید درس
نظم را در کجا خوانده اید که میخواهید خود بخواهید که درس نظم بدهید
نظم ایران عقل میخواهد و [illegible] داریم [illegible] است این همه [illegible] میکنم [illegible] خط [illegible]
ایران [illegible] عقل [illegible] نظم [illegible] عقل [illegible] در همه [illegible] بیشتر از عقل اخلاطون [illegible] بدون [illegible]
[illegible] ممکن نیست مگر [illegible] ادراک [illegible] ملاحظه [illegible] علم موانع ترقی ایران [illegible]
این است که وزرای ما [illegible] علوم فرنگستان ترجیح میدهند اگر وزرای ما از علت این [illegible]
[illegible] ایران در [illegible] نظم میکنند .......................................
[illegible] سر [illegible] تا اختراع عکس [illegible] عمال وزرای ما میتوانستند
اختراع را در [illegible] و [illegible] غافل [illegible] شرط [illegible] این است
[illegible] داخل [illegible] بطوریکه [illegible] همان طور [illegible]
نمانند و همچنین [illegible] اختراع نظام [illegible] کشیده اند
حال وزرای ما میخواهند نظام ایشان را در [illegible] خنده نمایند مثلاً [illegible]
[illegible] و [illegible] قوانین و شرح [illegible] ایران و نظام [illegible] دو [illegible]
یک [illegible] تشکیلات [illegible] دفعه [illegible] دستگاه [illegible]

[illegible]

البته دو دفعه وزرای دولت با این مطلب موافقت کرده اند پس چرا این حکم [illegible]
[illegible] معمول گشت [illegible] دستگاه دیوان [illegible] است و اگر معادن [illegible]
[illegible] دولت خواهد نمود [illegible] این دستگاه
دیوان [illegible] است اگر کان [illegible] نظم [illegible] خواهد بود [illegible] این دستگاه دیوان
محال است اگر [illegible] کارخانه [illegible] منفعت خواهیم داشت [illegible] محال است
او [illegible] خواهد شد [illegible] محال است محال است محال زیرا که دستگاه دیوان

[illegible] ............................................
حال [illegible] دستگاه دیوان داشته باشیم [illegible] این دستگاه [illegible]
باین [illegible] آن از [illegible] که [illegible] خارج است [illegible] وقت [illegible]
[illegible] معتقد [illegible] نوع آن [illegible] که نظم اوضاع
این [illegible] فرنگستان [illegible] نظم دستگاه در [illegible] تعلیم [illegible]
[illegible] نظام فرنگستان [illegible] معتقد [illegible] علم [illegible] عقلا و [illegible]
[illegible] از نظام [illegible] محسوس [illegible] ایشان [illegible] نظر
[illegible] محسوس [illegible] جمیع حواس خود [illegible] تحصیل
علم اداره میکردیم [illegible] نوع [illegible] نوع [illegible]

ورود رسائل [illegible] اداره [illegible] دارالسلام [illegible] یکشنبه ششم شهر شعبان المعظم

سنه ۱۳۳۶ [illegible]

هو الحی القیوم

هو الله تعالی شأنه العزیز
بسم الله الرحمن الرحیم
سؤال ایران [illegible]

[illegible] ایران [illegible] داده‌اند **جواب آقای من این طور نوشته**

[illegible] دولت [illegible] هزار [illegible]

این دولت بود [illegible] دولت خود [illegible]

[illegible] مقصد [illegible] احتیاج [illegible]

[illegible] آن مقصد [illegible]

[illegible] احتیاج [illegible] دولت [illegible]

[illegible] ایران [illegible]

[illegible]

[illegible]

حالات شاهنشاه [illegible] گرفته [illegible]

تا این [illegible] در ایران [illegible] در حالات [illegible]

[illegible] امروز [illegible] مرافق [illegible]

[illegible] دولت ایران

[illegible] **سؤال یک نفر رعیت از دولت خودش ای دولت** خداوند عالم [illegible] استعداد فوق العاده داده است [illegible]

[illegible] علم

[illegible] این سؤال [illegible] جواب [illegible]

[illegible]

استعداد طبیعی [illegible] علوم [illegible]

[illegible] ایران [illegible]

[illegible] علم [illegible]

[illegible] استعداد [illegible]

[illegible] ایران [illegible]

استعداد فطری [illegible]



[illegible] قانون [illegible]

[illegible] قانون [illegible]

[illegible] استعداد [illegible] ایران [illegible]

[illegible] ایران [illegible]

هیچ علم [illegible]

[illegible] زبان [illegible]

[illegible] اطفال [illegible]

[illegible] ایران [illegible] اوضاع [illegible]

[illegible]

[illegible] احوالات [illegible]

[illegible] کتاب [illegible]

[illegible]

[illegible] چاپ [illegible]

شاپور [illegible]

[illegible] شاپور [illegible] ایران [illegible]



[illegible] قیصر [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] قیصر [illegible]

[illegible]

[illegible] شاپور [illegible] ایران [illegible]

قیصر [illegible]

[illegible] ایران [illegible] قیصر [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] ایران [illegible]

قیصر [illegible]

[illegible]

[illegible] ایران [illegible]

[illegible] قیصر [illegible] ایران [illegible] شاپور [illegible]

از مطالب وزارت ایران همینطور که در مورد شرح اوضاع و احوالات این عهد بر که در جهان لطایف عجب
جمع آورده است اهل ایران بخواهند حالا عبارت میخوانند تا به نهایت خواهند کرد و لیکن میگویم که چنان
اتفاق افتاده بود که جمیع منابع اعمال ایران این عبارت در ساوه بوشهر نه شهر است که حال خطه
دهنانها که بغیر در بلاد و لیالی دولت ایران مبدل که نه است بزرگ شد در شهر مکاران آن ایام نیز
تعجب کرد در بابه اقتضای خاک ایران همه چنین عبارات مصنف هیچ دنیا میگویند و سامعه وقت
اوقات خود و ضمانت کرده است اگر اولیای دولت ایران کتاب اورا در عبارت جا در بند الطلاب
مفید خواهند یافت رشید افندی به طور ادو مرات اولیای دولت عثمانیه با حرف است
عهد رسیم و الحمد علی هر کس استعداد قابل بتواند در علوم خود تحصیل کند ادا شده از عهد خاص
کرده است نقص را دارد این است که تصورش از مدارج علوم فرنگستان قاصر با صفات و لیکن با وجود
این وجه تقصیر و کفایت داشته کرده است را از حضرت همه آبا و قاصر کرده ماه ختم نبوات آنکس که در قرار
علیه شود و هم با کمال همت تا همه عالم خواهد شد علاوه رشید افندی علاوه بر رشیدیت
و لیکن با قصای تحت دولت عثمانیه همین رشادت با این مرجع حظ را از حال به عدل خواهد کرد
دار موتمن الدوله به مشاهده پلیطیک در اوراق تحت کمال ایران مید انم از با خطرات و از علامت عقل
او همین قرار است را با این همه تقرب سلطان نمود هیچ اسم و شئی بیان از دولت تا این نوع
وجه کارد در ایران با به درجه تعیین مراتب العامله و مناسب ترتیب او رود در اطراف دوام

و از د

وارد با تحت دولت علیه و لیکن در صدق لزوم خود و ترقی این خوان سکو نیست از تحت
شاهنشاه عهد مطلوم از بزرگ عظیم چنین علم ایران بعنوان صنعت پولتیک رود در این بعنوان میخواست به این
تلفظ و سلسل الفاظ و کلمات بعضی چنان سلسل و با آهنگ ادا کنند اهل مجلس اول حال
مکنند مطلب زرکار الحاق رشید لا و قفه در کلام او در این شاخ حد خط ستگین کرد حال دارای الفاظ
نامر بوط چیز دیگر بوده این بعنوان فرو شده اشعار رعایا را در ابهام کلمات و تنهای هر زد
در قرب مقام میبایست هر قرار کس با وجدت این مملکت است را او الامر که اقتدار عادت او نمود
دلواتی ساختن شامر مطرح حار خود وضع کرده است در حضور عالی در غایت تمجید در طاهر
بنیاد فت و در با طن هیچ ها را دیت از جواب خلقت او که این است که از بیش بر چه بگوید
برش ابراهیم خز برادر داد کرده در معیت شده پس از انکه آن مطلب را داد تمام گوارا دخواه بیش
نا یه خوابه دید که چیزی خواهم گفت او نیز مطلب او را بلکه خواه داشت با دو صنف این
در مجلس اول اعف اصفهان را فریب خواهم داد که کسی چنین کار را داد این است و در مجلس دوم
رسوم او در حقیق معمود است و سخن نیز آرد و باز از دوش طاهر از آن صفات حمیده این بعنوان و ممکن
صفت او در دیگر شرح دهد آن وقت معلوم شود در دنیا زود الفاظ بعضی مرد کار با ایران است
مرد کار با ایران کرده است او چیزی غوص میکنم زیرا که نتایج اعمال او هر وقت را با شیوه در آینده دولت ایران
و صورت کامل خواهد داشت تا او جواب این شرکت مسکو بعنوان چنین نیست و هر کس

با از



قریب هر هر یکی از او شوم علما که دارای سکه در حضور قریب مروت و همت خود را نیز وجد داده بود
دار الدوله دمشق این برسیدم سلطنتم در دو ما بحسن خیمت و معموره شد مرالدین شاه این نظام است
به خیالات عمده و چه طرحهای بزرگ از این پادشاه را در ممکنه در وساطه عدم الازمه
که با جهول و به از میمانه بالا از دولت آن مطالب به بنا خوان تعهد کرد که اولیای دولت
در صحت علم بوده همین بنا را منحصر شده طرح بهتر برای اسباب رفاه ایران است که لازم از
حیف داران فرار در بزرگ و اسطه معایب دلتنگاه دولت آن بعد از چندی با آنکه طرح یا بند
منطقی و مایه تحقیق شش تا احوال ایشان شد دولت انگلیس چهار چند کرد در رغبت دارد
دولت ایران است کرده با و جهفانی در طهران است مقابل مشیر عارض است با در
لندن از حرف این دولت فرق اداء ایران و انگلیس را حرف خوان اشنیده کرد
به معرفی آورد سلطنت ایران در خانه داده خاقان مغفور است و اولاد خاقان مغفور نیز نوبت به
حوزه و دلیل شده این حالت ایشان به مراقبت نظافت دیده مالی شان سلطنت دل دارم دل آن
بر اسم بنیاد حرف دیگر چرا ایشان را جمهور میکنم با فرنس سلطنت هر روز در درفاه است اگر
موضوع نیسه به بیست دارد در شمال با الدوله شاهزاده او از بیش بسیار خانه ها قرار بیند
اهم دولت را ایشان را در سلطنت مستقیم داشته باشد هم ایشان در در بار سلطنت راه معین پیدا نمایند
و همین خارجی که حال هر روزی هیچ فایده صرف شاهزادگان میشود هم از خزانه دولت و وزیران

بر اینم

این مقدمه چنین قسم ما قرار به ماکان و سلطنت قاطع میشود علاوه علاوه مدارس ایران اگر از دولت
وزارت علوم شده از خطبهای مکرر اتراک ایران با بیان است از منصف مشیا منصب و شغل واقعه که در کار آن حاضر
منحصر خارجیت دارد دشغل او در دکوا و بریده اگر قابل است پس جواب دیگری را با او منصب هر یک باید دارای
ترقی عقبانده و محتاج ترتیش خارجه ستبر باید وزارت خارجه را العقد امکان و سعت دولت ایران است
امروز در شدت سیل ممالک اطراف هجوم دارند هر قدر در مراتب سیل از آنها دور تر بمانیم از حوض رشد
بزرگ بیشتر بهره خواهیم بود در ایران مرسیل چنین وزارت خارجه است هرگاه باشعور از
روش فرنگ بتمام سلطنتیم وزارت خارجه دولت هم که با معدود باشد تا حال از ایران
با خط ترقیات فرنگستان شده باید بقدر قوه وزارت خارجه را وسعت بدهیم که نشسته ایران با
حالات وزارت خارجه مظهر جلال و مصدر قدرت دولت محسوب شود بهمین دلیل است که در دول
خارجه در عموم هر از به بنا در وزارت با اهمیت تر که داده حسن معایب دولت به در طول آن
محسوس و با ثمر میشود لیکن هر نوع دولت خارجه خود از خارج به تنزل بخشد و ما برات
خارجه کلا بر میگرد و در عالم به قدر علاقه طاهر وزارت خارجه چنانچه گفتن سلطنت
و جهان نیست تصلیح دولت زیاده از حد نقض و تحضرات هر کس ممکن عزت تاریخ
تا تمام ثمرات خارجه را تحقیق شده باید به قدر قوه در مدت دولت این وزارت که تو شیر
که از فکر و شنیده حالت دولت ایران خاص دولت پادشاه است

... از شاهنشاهی [illegible] مصروف آنها بود یا تحصیل پول و غیره دیگر [illegible] فکر این چهل سنه بوده
و مقصود بزرگ را اگر بروز برسیم علاوه بر آن خواهد آمد در حقیقت این مقصود بزرگ بی اصل
دیگر دیدیم هر کار سرخود [illegible] شاهنشاهی را مغشوش ساخت و کارهای طرح آن مقصود بزرگ تر دیدیم
مانع [illegible] کشف این اسرار از عجایب [illegible] پیش از این جا [illegible] جزء عنوان روزنامه
این است که عوض اجتماع پول را به اداره دوائر قرار داده بودند و علت بحران نظام لشکر
منظور دیگر بی نتیجه **خزانه دولت برای داده که در خود دارند** به این مواجب [illegible] معمول مستدام منسوخ شده
بهترین [illegible] سلطنت را در انتظام این اداره عقب [illegible] هر قدر که از مواجب نوکر
قطع کنند [illegible] هر قدر اهل ایران از دولت [illegible] منفور سازند بار ممکن نیست [illegible]
تومان [illegible] به خزانه علاوه کنند **در باب نظام عسکریه** اهل ایران عجب [illegible] دارم
اولیای دولت همه باید [illegible] سلطنت دول فرنگ باشند یا باید عساکر دولت را در تعلیم
و حرکت نظام [illegible] صنایع ثانیه [illegible] در کل ممالک معظم [illegible]
با قواعد علمیه راه رفتن تعلیم کنند و [illegible] رسم [illegible] نظام فرنگ [illegible]
معلومات [illegible] مگر [illegible] به ترتیب [illegible] خیال [illegible] قدرت نظام
فرنگستان واقف [illegible] بعضی [illegible] در میان [illegible] تشکیل [illegible]
دولت [illegible] و نظام [illegible] حرکت خواهد داد [illegible]

[illegible]

رابطه برسیم این دستگاه در اصل منتهای فکر ایران [illegible] به خواهد [illegible]
معایب لشکر را حمل بر عدم کفایت [illegible] ولیکن [illegible] تعیین [illegible]
اوضاع [illegible] توسیع [illegible] نیست [illegible] لشکر [illegible] در دستگاه [illegible]
دستگاه نظام [illegible] معایب [illegible] ولیکن این معنی [illegible] در عیب دستگاه دیوان است
پس لابد [illegible] کشف [illegible] دستگاه دیوان رابطه [illegible]
نظامی این است [illegible] نوکر [illegible] معمور [illegible] کشف [illegible] اولیای دولت این
نقره [illegible] ولیکن [illegible] عرض [illegible] شرط معمول [illegible]
[illegible] امورات نظامی [illegible] ...
[illegible] لشکر [illegible] عدد [illegible]
هم [illegible] ولیکن [illegible] لشکر [illegible] قاعده [illegible]
[illegible] مواجب [illegible] مواجب [illegible] قدرت [illegible] لشکر
مواجب [illegible] قاعده [illegible] لشکر [illegible]
[illegible] دیگر [illegible] حضرت [illegible]
[illegible] در باب انتظام قدرت عسکریه [illegible] لشکر [illegible]
لشکر [illegible] دیگر [illegible]

[illegible]



از عدم [illegible] از عدم [illegible] ... است که [illegible] معلوم [illegible] دولت ایران
[illegible] جانان [illegible] تمام چاکران دیوان [illegible]
[illegible] معنی [illegible] ... هیچ [illegible] نداریم اگر او [illegible]
[illegible] این [illegible] معمول داشت خواهد [illegible]
[illegible] بزرگ [illegible] هر روز [illegible]
[illegible] لشکر [illegible] علم
اقتدار لشکر موقوف به علوم [illegible] لشکر علم [illegible] علل
نقص بزرگ لشکر ما از عدم علم [illegible] و لشکر صاحب علم [illegible]
[illegible] تحصیل [illegible] علم [illegible] علم [illegible]
[illegible] ممکن نیست [illegible] لشکر صاحب علم [illegible] شروع علم [illegible]
[illegible] علم [illegible] حال خواهد بود [illegible] از یک طرف [illegible] و از طرف دیگر جهل
مطلق [illegible] در کل ایران [illegible] علم [illegible] داده ام
[illegible] در مقابل [illegible] داشته باشیم [illegible] صاحب نظامی [illegible] دیوان
[illegible] عظم است [illegible] اولیای دولت [illegible] منفعت [illegible] صاحب نظام [illegible]
[illegible] مجلس [illegible] قانون [illegible]

[illegible]

دیوانه [illegible] کدام [illegible] است [illegible] حضور [illegible] بیک [illegible]
پس [illegible] روح نظامی [illegible] فراهم [illegible] مجلس [illegible]
[illegible] این کار [illegible] ترتیب مجلس نظامی [illegible] دستگاه نظام ولیکن
این [illegible] شرح و بسط لازم دارد [illegible]
[illegible] اعظم [illegible] اصلاح [illegible]
[illegible] املاک [illegible] دیوان [illegible] سلطنت را
[illegible] حضور [illegible] دیوان [illegible] ولایات [illegible]
[illegible] خطر [illegible]
مقصود [illegible] حفظ امنیت داخله [illegible] دفع
حمله خارجه اگر لشکر [illegible] حفظ امنیت داخله است عدد آن [illegible] است
و اگر [illegible] دفع خارجه است عدد آن [illegible] است [illegible]
این [illegible] هزار [illegible]
[illegible] ترتیب داده [illegible] استعداد [illegible] بیشتر [illegible]
[illegible] ترتیب لشکر [illegible] کل [illegible] ممکن نیست [illegible]
[illegible] ترتیب دستگاه دیوان ... کل مطالب این کتابچه [illegible]

مهم ترتیب دستگاه دیوان که هم مراجع خود هیچ ... الان در ایران کار ... مرتب
دستگاه دیوان و ترتیبات [illegible] اسباب مهمه [illegible] انگلستان قبل از آنکه کسی کاره و در آن
سازد و قبل از آنکه بطرح چرخ صورت [illegible] کارخانه [illegible] آنها اول [illegible]
صرف ترتیب چرخ کار نموده بعد از آنکه چرخ کار ترتیب یافت سایر کارخانه ها [illegible]
اسباب دیگر از اطراف بنا [illegible] کرده دستگاه دیوان در وسط حرکات [illegible] چرخ [illegible]
تا این چرخ اصلی درست نشود نمی توان [illegible] منظور [illegible] حاصل نخواهد شد
نظم لشکر نظم مالیات صیانت حقوق پیشرفت پولیتیک رونق تجارت
تسخیر فلان ولایت گرفتن فلان منفعت حتی تغییر سلطنت کلا بسته ترتیب
دستگاه دیوان است و اکنون [illegible] اصلا [illegible] است اگر چه دستگاه
دیوان ندارییم چونس و فساد [illegible] است اگر چه حواس خود [illegible]
[illegible] صحبت ... چه خود [illegible] جهات [illegible]
بودن نظم دستگاه دیوان [illegible] تدبیر [illegible] کشید [illegible] قرار بگذارید [illegible] بنقص [illegible]
اهتمام خارجه [illegible] و از ایران اثری نخواهد گذاشت اگر این [illegible]
[illegible] انقلاب از حالت دولت عثمانی عبرت بگیرید در این سال [illegible] عثمانی
هر چه رخطرات حالیه فریاد و زده [illegible] آن [illegible] همه را تاریخ قدیم و عظم ابنوار

چنین چه دین کامل ادیان محمد تمام ملت دنیا تمام هندوستان
تمام قوافل دنیا محل [illegible] این سیل بوده اند حال به چه جهت باید قرار [illegible] هستیم که [illegible]
این سیل عالم گیر را بعظم [illegible] ان و با تدبیر شخص دفع نخواهیم ... [illegible] ملت این
قسم ... این قسم ... و با این علم ... در مقابل قدرت فرنگستان تسلیم
داده عالات [illegible] باید در همین ... ازین عالم به [illegible]
فرنگستان [illegible] غرق [illegible] سیل فرنگ [illegible]

المبارک [illegible] لعبد الاقل العزب [illegible]

[illegible] گذارش یافت

بسم الله خیر الاسماء

پولیتیک ایران چیست کشور ایران [illegible] در این دریا حوادث از
برای خطر ... اگر هست تدارک چیست طرح [illegible]
دشمن کیست دوست کدام است از چه راه باید رفت از چه ورطه
باید گریخت در چه کار هستیم چه باید کرد [illegible]
[illegible] تصریح که نمی [illegible] این بیانات را [illegible]



[illegible] دارد ... ملزم کار ... بخش
[illegible] تقسیم ... ترتیب حرکات ... لازم دارد...
... عالم وسیع که اند چنانچه [illegible] و دقایق روش خود
... این مقصود مشخص کرده اند [illegible] و انقطاع ... وقایع معین
... [illegible] فلان دولت که چه سبب ظهور کرده به چه
... فلان قدرت چه بود و عمر فلان شوکت ... منتهی شد
... قواعد [illegible] ... اولیای علم
... تشریح [illegible] و امراض ... مشخص ... اولیای علم
... [illegible] اوضاع ... درجات عمر و درجات ... طبیعت را
معین ... [illegible]
عمر فلان دولت ... منتهی شده و عاقبت فلان دولت چه خواهد بود در نظر دارد
... این علم درجات عمر ... مشخص شده است و در معضلات
[illegible] ... علم ... حاصل ...
موافق طرح طبیعت ... خواهد رفت ...
... خواهد [illegible]

در شرق و مغرب ... در [illegible] ... ملت روس ... [illegible]
[illegible] دولت روس [illegible] امروز دولت ... بوده است ... از این [illegible]
دولت روس ... الان [illegible] ... انگلیس ...
خواهد داد...
چه طور [illegible] و چه طور [illegible] امواج دریا [illegible] دولت روس [illegible]
... حرکت ... [illegible]
[illegible] مقام ... [illegible] روس ...
روس ... سال قبل از این ... دولت ... [illegible]
پس از این ... [illegible] ... دولت ...
این ... [illegible]
اول ... دولت انگلیس ... خطرات این راه [illegible]
حالا ... [illegible] قرار [illegible]
خطرات عظیم [illegible] داده است راه ... از این قرار است

[illegible]

در مقابل غیرت [illegible]

[illegible] نادرشاه [illegible]

[illegible]



[illegible] دولت [illegible]

[illegible]



[illegible] دولت ایران [illegible]

[illegible]

